

برضى بسم الله الرحمر

والضحى والليل اذا سجى ما ودعك ربك

قلى وللآخرة خير لك من الاولى فانذرتكم

ناراً تلظى لا يصليها الا الاشقى الذي كذ

وتولى وسيجنبها الاتقى الذي يؤتي مال

كى وما لاحد عنده من نعمة تجزى الا

وجه ربه الاعلى ول



چند کلمات از وصایای جناب پیغمبر با میر المؤمنین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم مسئله خدا است این سلام

الحمد لله الذي هو معطي السائلين ومجيب دعوة المضطرين

وكاشف كرب المكروبين ومنتهى حاجات الطالبين

واكرم التسليما وازكى التحيات على النبيين محمد

صلى الله عليه وآله الطيبين الطاهرين المعصومين

الى ما قبل الدعاء الداعين وصلواة المصلين

اما بعد چنین گوید خاک قدم مؤمنین محمد باقر ابن

تقی حشرهما الله تعالى مع المواليهما من اهل الطاهرين

بر ضمیر منیر برادران دینی میدارد که این وجیزه

از احادیث از حضرت رسول مختار که این بی بضاعت تصنیف

نموده ام و امید از برادران دینی است که بر بیزاعتر ابد علی

خیر یاد داری نمایند اما بعد خداوند عالم چند کردها جون برق لامع

از صراط بگذرانند و به بهشت رسانند اول حاکم عادل و کسی که

بعد از نماز از مسجد بیرون رود و دل او بمسجد باشد و دایم یاد کرباشد

جهه

تربت خوردن

این کلمات را بر تربت بخوان با غذا

چون که خواهی تربت مقدس را برداری بگو

اللهم انی اسئلك بحق الملك الذي

قبضها واسئلك بحق الذي خزنها

واسئلك بحق الذي الوصي الذي

حل فيها ان تصلي على محمد وآل محمد

وان تجعله شفاء من كل داء وامانا

من كل خوف وحفظا من كل سوء

پس [illegible] وانا انزلناه بر آن

بخوانند وچون خواهی تناول نمائی اول

بوسه کن [illegible] چشم بگذار [illegible] بخو

تناول کنی

مناجات حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم

بسم الله الرحمن الرحیم

مناجات حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در خبر است که چون
حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم را مهمی پیش آمدی این مناجات را
بشفیع آوردی حق تعالی مهم وی را مستجاب کردی و بنا بر متابعت
آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم وائمه دین مر اسامی این را اولیا
وانبیا واصفیا وزهاد وعباد خوانده اند وهر وقت که بدان التجا نموده اند
بمراد ومقصود رسیده اند پس هر کرا واقعه پیش آید یا دشمنی یا دوامی یا مرضی
یا مرادی داشته باشد باید که دو بار قل هو الله احد را بخواند وبعد از ان

این مناجات را شفیع آورد چنانکه بمراد برسد بعد از نماز صبح بخواند
آنکس را واولاد واتباع را چون تخت حصار کرده واز آفتها وبلاها
دور شود وبجهت دشمنان ومکاید ایشان وبرآمدن حاجات اثر
عظیم دارد وعجب که خواننده این مناجات را از کسی ستم وضرر رسد
وهیچ غمازی وبدگوئی در حق وی بدی نتواند کرد واگر در خاطر گذرانند هم
بر ایشان عاید گردد ومقهور ومقرون گردند وهیچ دشمنی بر وی ظفر
نیابد ومرتبه او هر روز بحالی گردد شرح وخاصیت این مناجات بسیار است
والله الموفق والمعین **الفصل الاول** ای مفضل بی
فضول وای عادل بی عدول وای قاضی بی عذل
وای حاکم بی هزل وای ناظر بی نظیر وای دانای بی
ضمیر وای توانای بی ظهیر ای پادشاه بی وزیر
وای قادر بی تدبیر وای قدیم بی تغیر وای قهار بی ندی

تربت

این کلمات را در تربت کربلا
بنویس و با آب بشسته
بیاشامد باذن الله تعالی
شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الشافی بسم الله
الکافی بسم الله المعافی
بسم الله الذی لا
یضر مع اسمه شیء
فی الارض ولا فی
السماء وهو السمیع
العلیم [illegible]

یادگار ناصر

در وقت خوردن تربت بگو بسم الله وبالله اللهم رب هذه التربة المباركة الطاهرة ورب النور الذي فيه ورب الجسد الذي سكن فيه ورب الملائكة الموكلين به جعله لي شفاء من كل سوء داء كذا آن علت را نام ببرد [illegible]

واي جباري بي عديل يا لطيف يا عليم يا خبير يا من لا يحتاج الى البيان والتقصير حاجاتنا كثير وانت عالم بنا بصير الحصن دوم اي خالق بي مدد واي احد بي عدد واي اول بي بدايت واي آخر بي نهايت واي ظاهر بي صورت واي باطن بي ضرورت واي حيي بي حيلت واي عزيز بي ذلت واي غني بي علت واي سميع بي غفلت واي معطي بي فكرت واي بخشنده بي حد واي بخشنده بي منت واي صانع بي آلت واي مبدع بي حالت واي بيناي بي خطر واي توانا بي بيچاره واي عالم بي تفكر واي قيوم بي تغير واي جبار بي تحير واي قهار بي تهور واي ذات بي كيف واي صفات تو بي حيف

اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من كل داء وسقم

خدای تعالی برکت تربت هر علت و الم و غم و هم دفع نماید

الحصن سيم اي مقدري كه تير تقدير تو هيچ تدبير رد نشود واي رازقي كه رزق از هيچ بنده باز نگيري واي حيي كه هرگز نميري واي سلطاني كه در سلطنت مشغولي نداري واي ملكي كه از مملكت معزول نداري واي بخشنده كه از بخشايش ملول نگردي واي سميعي كه هرگز ملول نگردي واي ملكي كه اوهام كس بكنه كمال تو نرسد الهي بحرمت ساكنان خدمت تو بحرمت رضا دادگان طاعت تو و بحرمت سوختگان محبت تو و بحرمت تشنگان شربت تو و بحرمت خستگان ضربت تو و بحرمت مشتاقان قربت تو كه ما را قرين مقربان خود گرداني سمي الضعفا و يا حي الفقرا يا عظيم الرجا الحصن چهارم [illegible]

هر سرگشته و ای فریادرس هر درمانده و ای عذر پذیر
بیچارگان و ای راه نمای بیراهان و ای دستگیر نکو...
و ای دوست دارنده نکوکاران و ای غفار گنه کاران و ای
رحیم پریشانان و ای ستار تبه کاران و ای مونس
دل پر غمان و ای مرهم جراحت رسیدگان و ای
درمان درماندگان و ای محب خوانندگان و ای
مطلوب جان مشتاقان و ای محبوب سر بی نفاقان
و ای چاره درویشان و ای پناه بی خویشان و ای
سرمایه مفلسان و ای عز و جاه مخلصان و ای معین
بیکسان و ای صحت و ... بیماران و ای امید
امیدواران و ای حافظ زمین و آسمان و ای
سرخ روکننده زرد رویان و ای قبول کننده توبه

نیکو

عاصیان ای رحمت تو عمیم است و ذات تو قدیم است
و نام تو رحمن الرحیم است یا دلیل المتحیرین یا غیاث
المستغیثین اغثنا الیک ربی و منک طبیبی عجل
فرجی بحق محمد العربی الحصن بحم ای دستگیر
سرگشتگان و ای ضمیر آموزندگان و ای کارگشای
متفکران و ای راه نمای متحیران و ای معبود
جانوران و ای مقصود نامه وران و ای شفا
دهنده بیماران و ای سمیع گویندگان و ای
منبع جویندگان ملکا بحرمت دل محرومان
و بحرمت دل نا امیدان و ای بخشاینده بخشا
بندگان و ای آرزو بخش آرزومندان یا حی یا
قیوم یا حنان یا منان یا بدیع السموات والارض

دست بر موضع گذارد و
سوره حمد و قل هو الله
و انا انزلناه و این آیه
بخواند
وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا
جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ
مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ
اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ
كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ
خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

یا ذو الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین الحصن

ششم ای دانندهٔ رازها و ای شنوندهٔ آوازها

وای برزنندهٔ نیازها و ای بصیر حالها و ای سمیع

قالها و ای دانندهٔ کامها و ای رهانندهٔ از محنتها

ای معرا از عوایق و ای مطلع بر دقایق و ای مهربان

بر خلایق و ای مفضلی که با فضال کسی ترا حاجت

نیست و ای منعمی که انعام ترا نهایت نیست و ای

منتقمی که کس را با تو محال حمایت نیست ای قهاری

که کس را با تو حیلت نیست و منازعت نیست ای

جباری که گردنکشان را با تو روی مقاومت نیست

ای حکیمی که بندگان را از بلای تو روی گریز نیست

و ای کریمی که بندگان را غیر از عطای تو دست آویز نیست

اگر کسی حاجتی یا مشکلی
...ع شود با طهارت
در خوابش لحاف پاک
...واید و رخی با او بنا
...ند و در وقت خواب
سوره والشمس والیل
...یک را هفت مرتبه
...واند بعد از آن
اللهم اجعل لی
... فی هذی
...جا و مخرجا

ملکا بحرمت بیچونی و چگونگی تو بحرمت انبیاء

راه تو و بعزت اولیاء درگاه تو ای خداوندی که جان

بندگان در حذف تقدیر تست و ای کامگاری که

دل دوستان در کنف توحید تست الهی اگر بکیری حجت

ندارم و اگر بسوزی طاقت ندارم از بنده خطا

و ذلت و از تو عطا و رحمت ای قدیم لم یزل ای عزیز

بی بدل و ای خالق بی کیف و ای رازق بی حیف

الحصن هفتم ای قدیم علیم و ای جبار عظیم

و ای غفار رحیم و ای قدیم کارساز و ای رحیم

بنده نواز الهی بعظمت و جلال تو و بعزت کبریای تو

الهی بفضل بی منتهای تو الهی بحرمت آلاء و نعمای تو

الهی ببرکت توریت و انجیل و زبور و فرقان تو الهی بحرمت

در شب اول یا سیم یا پنجم
یا هفتم کسی را در خواب
ببیند که بگوید ان
درد علاج چیست
را او بگوید من اصلا
عظیم بود از علاج ا...
عاجز بودم این عم...
نمودم در شب اول
م دو کس ...
من بنشسته ... یکی
دست بر سرم مالید

جهارده اسم را در ساق پا بندد از راه ماندن نشوند

بسم الله الرحمن الرحیم

یا میلقع یا
میخالغ یا
یا طهموثا یا
شعموثا یا
البنوش یا
لیتوش یا
عیوش یا
یلیاامش یا
ستنکیثا یا

جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل وملوثیل تو
الهی بحرمت حملة العرش وکروبیان وروحانیان تو
الهی بحرمت نیاز آدم صفی الله وخلافت او الهی برکت
نیاز حوا وانابت او الهی بحرمت نیاز سید الشهدا
هابیل وشهادت او الهی بحرمت شیث پیغمبر وصفوت
او الهی بحرمت نیاز ادریس پیغمبر ورفعت او الهی بحرمت
نیاز صالح پیغمبر وناقه او الهی بحرمت نوح پیغمبر ودعوة
او الهی بحرمت هود پیغمبر وهیبت او الهی بحرمت نیاز
ابراهیم پیغمبر وخلقت او الهی بحرمت نیاز اسمعیل پیغمبر
وتلبیت او الهی بحرمت نیاز اسحق پیغمبر وفدیت او
الهی بحرمت یعقوب پیغمبر وحسرت او الهی بحرمت یوسف
پیغمبر وعزت او الهی بحرمت نیاز یوشع پیغمبر وعبادت او

یا مصطالون
یا قیقوثرثون
یا مخاریث
یا شیاثون یا
مستطیع یا
میلیقع یا حنا
ن یا منان

الهی بحرمت موسی پیغمبر ومخاطبه او الهی بحرمت
نیاز هارون ومتابعت او الهی بحرمت نیاز ایوب
پیغمبر وملامت او الهی بحرمت یونس پیغمبر وبلیت
او الهی بحرمت نیاز اسباط پیغمبر ونبوت او الهی بحرمت
نیاز الیاس وحاجت او الهی بحرمت خضر پیغمبر وحیات
او الهی بحرمت نیاز ذوالکفل وانابت او الهی بحرمت
نیاز لوط پیغمبر وخجلت او الهی بحرمت نیاز داود پیغمبر
وخلافت او الهی بحرمت عزیز پیغمبر ورتبت او الهی
بحرمت نیاز سلیمان پیغمبر وحشمت او الهی بحرمت
زکریا پیغمبر وکلالت او الهی بحرمت نیاز یحیی پیغمبر
وخشیت او الهی بحرمت ارمیا پیغمبر وکرامت او
الهی بحرمت دانیال پیغمبر وحکمت او الهی بحرمت

لطالوت پیغمبر و ملکت او الهی بحرمت نیاز شعیب
پیغمبر و طهارت او الهی بحرمت نیاز شمعون پیغمبر
و شجاعت او الهی بحرمت نیاز اشموئیل پیغمبر
و مبارزة او الهی بحرمت اخنون پیغمبر و بلیت
او الهی بحرمت نیاز ذو القرنین و سیاحت او الهی
بحرمت جرجیس پیغمبر و مصیبت او الهی بحرمت
نیاز عیسی پیغمبر و زهادت او الهی بحرمت نیاز
سارا و طهارت او الهی بحرمت و برکت حاجر
و عظمت او الهی بحرمت و برکت مریم و عصمت او
الهی برکت آسیه و شهادت او الهی برکت نیاز امهات
رفیع و علو شان ایشان الهی بحرمت و عزت مهتر و بهتر
جمیع انبیا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

پاخ ...
دعا ددد ...
دروفت خوندن دست
بر سر بگذارند مرتبه
این دعا را بخوان
بسم الله الرحمن الرحیم
فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ
مَرِيضًا أَوْ بِهِ
أَذًى مِنْ رَأْسِهِ

وشفاعت او الهی بحرمت سرور اولیا علی المرتضی
علیه السلام و امامت او الهی بحرمت نیاز سید
الشهدا حمزه شهید الهی بحرمت نیاز خدیجه کبرا
الهی بحرمت نیاز سیدة النسا فاطمة الزهرا الهی بحرمت
لب زهر آلوده امام حسن الهی بحرمت خون ناحق
ریخته امام حسین الهی بحرمت امام علی ابن الحسین
الهی بحرمت نیاز امام محمد باقر الهی بحرمت امام
جعفر صادق الهی بحرمت نیاز امام موسی کاظم
الهی بحرمت نیاز علی ابن موسی الرضا الهی بحرمت
امام محمد تقی الهی بحرمت امام علی نقی الهی بحرمت
نیاز امام حسن عسکری الهی بحرمت امام محمد مهدی
صاحب الزمان صلوات الله علیه و آله اجمعین

حیری
اگر از کسی که خواهی بگیری
حرز
این ایت را بخوان خدا
تعالی بدل می اندازد که
بدهد
إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ
أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ
يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَ
لِكَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَمَنْ يُشْرِكْ بِا
للَّهِ فَقَدِ افْتَرَى
إِثْمًا عَظِيمًا

الهی بحرمت و برکت نیاز صحابه کبار و مهاجر و انصار
الهی بحرمت و برکت سلمان فارسی و برکت نیاز
اویس القرنی الهی بحرمت و برکت نیاز معروف
کرخی الهی بحرمت ان نامهای عرش و کرسی و لوح و قلم
الهی بحرمت و برکت جمیع ابدال و اوتاد و زهاد و
عباد و زمرهٔ درویشان الهی ببرکت ان بندگان
که در آسمان و زمین تسبیح و تهلیل کنند و
میگویند و طاعت و بندگی کرده و میکنند الهی
ببرکت اسم اعظم که از هیبت آن زمین بنهاد
و در آسمان گشاده کرد الهی ببرکت آن نام که محمد
مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم شب معراج ترا
بدان نام خواند ببرکت آن ساعت که براق آوردند

اگر شخصی دکانی داشته
باشد و رواج نداشته با
شد در ساعت سعد بنو
یسد و همراه نگاه دارد یا
بنویسد به در دکان بیا
ویزد بمرتبهٔ رواج دا
شته باشد که یک ساعت
خالی از مشتری نباشد

عص ٤ عہ ٥ ٩ ٢ ١١٧
ع حا لا ح دم ٥ ٢ د د ٩
٥ ٦ ٢ ٢ ٤ ٤ ع ط
١ لا د ع و ع ٥ ع ٥
ہی غ ١١ ه صا غ ع ٥ م م
١١ ٥ ع ١١ ٢ ١ ه ص ١١ ع
١١١ مر ٥ ع ٤ ١١٢ المحد ١
١ ر الوسع ٢ ١ غ ١١ ه ع ١

و آنحضرت را ملکوت بردند علیک یا رب الهی
بحق آن نام که عیسی علیه السلام ترا بدان نام
بخواند مرده زنده کردی علیک یا رب الهی بحق
آن نام که در خزانه اسرار تست علیک یا رب
الهی ببرکت آن پنج نام که بر پرهای حاملان عرش
نوشته است الهی ببرکت ان نام که ابراهیم علیه
السلام ترا بدان نام خواند و آتش نمرود برو سرد
گشت الهی ببرکت آن نام که یعقوب علیه السلام
ترا بدان نام خواند یوسف علیه السلام را بدو
باز دادی الهی ببرکت آن نام که ایوب پیغمبر ترا
بدان نام بخواند او را از بلای کرمان نجات
دادی الهی ببرکت ان نام که [illegible] [illegible]

هر کس شب جمعه ده نوبت
این دعا را بخواند تا
جمعه دیگر گناه بر نامهٔ
او ننویسند

بسم الله الرحمن الرحیم
یا دائم الفضل علی البر
یه یا باسط الیدین یا
العطیه یا صاحب
المواهب السنیه
صل علی محمد و آله خیر
الوری سجیته فاغفر
لنا یا ذا العلی في هذه
عشیته (?)

راد ساله

هر کس بعد عصر جمعه این
صلوة را هفت مرتبه
بخواند خدای تعالی
صد هزار گناه کبیره
او را بیامرزد

اللهم صل علی محمد و آل
محمد الرضاء المرضیین
افضل علی انک و با
رک علیهم با افضل
... آل علیه و
علیهم و السلام
والسلام علیهم و علی
ارواحهم و اجساد
هم و رحمة الله و برکاته

ترا بدان نام بخواند خاتم مملکت بدو دادی الهی بحرمت
محمد و فرقان محمد الهی بحرمت راز محمد و نیاز محمد که
حاجت دینی و دنیائی من بیچاره درمانده مضطر را
روا کن و از شفاعت محمد بهره عالم نصیب مکردان
ملکا میدانی حالم پادشاهی بینی احوالم خدا
وندا من عاجزم و هیچ قوت و حالت و حیلت
ندارم و هر چه جز از تست بیزارم که تعلق
بکسی دارد و بیچاره درمانده کند کار امید وار
بکرم تست یارب حاجت بسیار دارم و بهمه
چیز نوا نایی و بقدرت بر آوردن بتوانی که بی
مهلت بدین بنده برسانی و شر ظالمان از ما
کفایت کنی هیچ بی‌حمیت را بر ما انکار یجای رحمت تو

دستگیر ما ای کریم تو عذر پذیر ما ای داننده هر جای
و شنونده هر سوالی ای حکیم هر حالی و ای سمیع
هر مقالی ای مجیب هر خواننده آفرین هر داننده
الهی غافلانیم نه کافرانیم صدا ببرکت تو اخشکان حضرت
تو ببرکت کلا اخشکان هیبت تو الهی ببرکت متحیران
جلال تو و مقهوران قهر تو ای ملکی که ملکوت
عالم ملک تو اند ای جباری که جباران عالم
مقهور تو اند ای حفیظی که همه عقل محفوظ تو اند
ای رازقی که همه اهل ثری مرزوق تو اند ای غفاری
که همه اهل خطا مغفور تو اند که ما را بصحرای هدایت
بیرون آری و از این وحشت آباد بروضه انس
برسانی الهی ما بیچارگان را از خویش ...

هر کس ماه نو به بیند
هفت حمد و هفت صلوا
ة بخوانند و دست بر چشم
خود بمالد هرگز چشم درد
نمی بیند

الله اکبر الله اکبر کبیرا
و سبحان الله بکرة
و اصیلا و الحمد لله
رب العالمین کثیرا
لا شریک له و صلی
الله علی محمد و آله

مکردان الهی بفضل تو خو کرده ایم طاقت عذاب
تو نداریم و در خدمت توارام کرفته ایم مارا
بتازیانهٔ میزان عدل ازراندکان مکردان
الهی بحرمت [illegible] فانعان همت تو الهی بحرمت متوکلان
حضرت تو الهی ببرکت ان خواندکان که تو ایشانرا
لبیک کفته الهی ببرکت ان پیرانی که تو ایشانرا از
اتش دوزخ ازاد کردهٔ الهی ببرکت ان جوانانی
که تو ایشانرا بخشیدهٔ الهی ببرکت آب چشم عاصیان
ویتیمان وستم رسیدکان الهی ببرکت آن بندکان
که کار ایشان بی منت خلق ساختی ای کریمی که هزار
نعمت زیاده کنی بشکری وای رحیمی که هزار
کناه ساط بیامرزی بشکری باقی توی بی فناتوی

هر کس خواب پریشانی ببیند
بعد ازانکه بیدار شود بجانب
دست چپ خود نکاه کند
وسه مرتبه تف ببیند
زد و بعد ازان این ایه
بخواند
اَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ
بِهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ
وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ
وَعِبَادُ اللهِ الصَّا
لِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا
رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ
وبعد ازان چهار قل
را بخواند و بجانب
چپ بدمد ایشان بر طرف
شود ان شاء الله

ب

مستحق هر ثنا توی اجابت کنندهٔ هر دعا توی ای
ارزو بخش آرزومندان وای خداوند خداو
ندان الهی ببرکت ان ساعت که براق آورند
الهی بحرمت ان ساعت که مارا از سرای فنا بدار
البقا برند و معاینه کردار ما بما نمایی برما
رحمت کن و بفضل و کرم خود ببخش الها
صمدا معبودا آنچه فرمودی نکردیم و از کردهٔ
خود بد بردیم الهی چون جامهٔ زندکانی مارا از سر ما
درکشند و مارا بر دوش دیکران از دروازهٔ دنیا
بکنار لحد برند و جمع کردهٔ مارا تفرقه کنند
برما رحمت کنی و آنچه نیم شبان تاریک در پس
پرده کرده ایم از یاد رکذران الهی بالاسلام بغیر

ان وقت که برکنده خشت
نشیند این طلسم
یکی را بر زبر پا راست
ویکی را بر زیر پا چپ
بکذارد و وقت که درد
اخر شود میشور
دور کنند تا نشکند
پا را است

[illegible]	٣	٨
[illegible]	٥	١
[illegible]	١١	٦

پا چپ

د	ز	ح
ى	ه	ا
	ذ	و

هر کس خواهد هرچه بشنود فراموش نکند این آیه را بعد از هر روز بیست بار بخواند هرچه بشنود فراموش نکند دعا اینست یا قیوم فلا یفوت شیئ من علمه ولا یؤده حفظه اعوذ ابل بحق یا قیوم

اکرچه مصلح نبودیم از ما عفو کن الهی چون عزیزان
نازپرورده ما را فراموش کند تو بر ما رحمت کنی
الهی ما را در حجرهٔ کور بی شمع مبتلا کنی ایمان ما را
چراغ لحد ما کردانی الهی در معامله خود نکریم
سزای همه عقوبتها هستیم چون در کرم تو نظاره
میکنیم که رحیمی امیدوار میم الهی کرده ما همه فضو لیست
الهی کردار ما همه مشغولیست الهی ما را از درکاه
خود نا امید مکردان هرچا دوییدیم حواله بکرم
مقدسه تو میکند الهی ببرکت صدیقان درکاه
تو الهی ببرکت پاکان درکاه تو که حاجات این بیچاره
درمانده را و مهمات جمیع مؤمنین و مؤمنات
[illegible] و مسلمات را برآورده بخیر کردان

والحمد امید میدارد در غایت دوستی بدان برسان
و ختم کارها را بکلمهٔ شهادت کنی ای ملکی که وجود
ترا از حدوث پیوند نیست ای رحیمی که چون ترا
از عطا دادن کزند نیست الهی از سیئات در دیوان
اعمال ما نوشته است بآب عنایت خود شسته
کردان مادران و پدران و استادان ما را برحمت
خود بیامرزی و [illegible] الهی ما را از ظلم ظالمان
و حسد حاسدان و کید کایدان در پناه خود
نکاهداری الهی جملهٔ غریبان را بمعمور و ماوای خود
برسانی الهی ما را بران دار که رضای تو و نجاه ما
دران باشد الهی ما را بر طاعت و عدالت حریص
کردان و توبه نصوح روزی کردان یا الله [illegible]

تعصمني في ديني فاني مبتلى وتنالني برحمتك فاني مذنب وتنفي عني الفقر فاني مسكين

یا خیر الناصرین برحمتك یا ارحم الراحمین

دعا گردش سال هرکه در تحویل سال گردش این دعا بخواند حق تعالی تا سال دیگر از جمیع بلیات محفوظ دارد دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم یا محول الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال بفضلك

سفر از امام جعفر صادق علیه السلام نقلست که هرکه خواهد بسفر رود چون از خانه بیرون آید چهار نوبت الله اکبر بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر افتح لی وجهی یا ذا الخیر واختم لی بالخیر وقنی شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

چهار ... قل هو الله احد بخواند و بر چهار طرف خود بدمد حق سبحانه و تعالی ضامن آنکس شود تا او را بسلامت

یا مقلب القلوب والابصار یا مدبر اللیل والنهار یا محول الحول والاحوال حول حالنا الی احسن الحال ... اللهم هذه سنة ...

طلسم ابلیه

بر وطن خود برساند دعا ماه نو روایت است که چون ماه نو ببیند این دعا بخواند آن ماه از کل بلیات در امان حق باشد دعا اینست

اللهم اهل له علینا بالامن والامان والسلامة والاسلام والعافیة والرزق الواسع ودفع الاسقام اللهم ارزقنا الصلوة والصیام وتلاوة القرآن فیه اللهم سلمنا وتسلمه منا وسلمنا فیه برحمتك یا ارحم الراحمین

در رویت ماه نو گوید

هرکه خواهد که زاندوه خلاصی یابد | گو بیا و ببین هرماه بتحقیق بدان
غره ماه محرم چو ببینی باید | که بغم در گذرد لذت شادی بجهان
چونکه بر غره ماه صفر افتد نظرت | باید آیینه طلب کرد و نکو کرد در آن
بر تو نیکو گذرد ماه ربیع الاول | گر ببینی رخ مرواری یعنی سلطان

اب رو کر طلبی ماه ربیع الاول خور — نیز بشنو و بگذر بسوی آب روان
در نماید بتو رخ ماه جمادی الاول — آنچه شن نکری سود تو باشد نه زیان
وانگه بنماید بنور الجمادی الآخر — در کنف خویش ببین تا که شود خوش تن و جان
دیدن ماه رجب بر تو مبارک باشد — که بفیروزه ببینیش تو بمشک و عیان
دیدن صورت اگر خوب نباشد هر ماه — پس بنیده بود و زحمت ماه شعبان
هر ماه رمضان هر که بمصحف نگرد — ببر آید ز بزرگ همه خلق جهان
روز آن است که در غره ماه شوال — رخ بت سبزه کنی و بروی نالبستان
چون نمود از افق چرخ مه ذی قعده — بچه خویش ببین تا که ببینی قرآن
ماه ذوالحجه چو بینی بطالع و ادیه — لیک آینه که بود روشن و خوب غلطان
از این کار کنی بخش تو گردد مسعود — گر از این در گذری کار تو باید نقصان
این که گفتم بدان بقدر بنو هیچ — که میسر شود مصحف و خط قرآن

[illegible] حکما تصور کوکبی کرده اند

شرست و او را حرکتی معین کرده که هر روز از روزهای ترک
از جهتی باشد از جهات عالم چون کسی بکاری مشغول شود نشاید
که روی وی در جهت آن باشد بدان جهت داشته باشد و اگر سفری
ضرورت افتد اول پشت در آن باید کرد و قدمی چند رفتن بعد
از آن متوجه مقصود شدن و چون تحت الارض باشد نشاید
رفتن و چیزی نهادن و تخم کاشتن و چون فوق الارض باشد
نشاید که سواری کردن و در بلندیها رفتن و ماننده آن

یازدهم و نهم و یکم در مغرب است — دوازدهم و دوم و دهم در میان مشرق و قبله است

و سیزدهم و سیوم در قبله است — چهاردهم و چهارم در میان قبله و مغرب است

و پانزدهم و پنجم در مغرب است — و شانزدهم و ششم در میان مغرب و شمال است

روایتست که پیغمبر صلعم این
نماز را بخواجه احمد نشا
بوری آموخت و خواجه ا
بو القاسم میفرماید که این
نماز را بگزاردم هر حاجت
که از خدا تعالی خواستم روا
شد و خواجه فخر الدین
گفت من این نماز را
بگزاردم شش هزار در
هم الله تعالی بمن داد
و قرض خود را ادا کر
دم و مرا چندان مال
داد که هزار شتر جابیا
که بکشند از برکت این
نماز نماز اینست

دو رکعت نماز بگزارد
پیش از صبح دد شب
جمعه دو رکعت اول
فاتحه یک نوبت و
قل یا ایها الکافرون
هفت نوبت دو رکعت
دوم فاتحه یکبار و
قل هو الله احد
هفت نوبت [illegible]
رکوع هفت بار سبحا
ن ربی العظیم و

ششم	هفتم
[illegible] دهم و بیست و ششم در قطب است	و هفدهم و بیست هفتم در شمال است

دهم	نهم
و بیستم و سی‌ام در آسمان است	و دوازدهم و بیست و نهم در زمین است

باب در روزهای نحس هر ماه نقلست از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که در رساله‌ایست چهار روز نحس است چنانچه اگر کسی دران روزها بیمار شود شفا نیابد و هر درختی که دران روزها بنشانند خشک شود و هر که دران روزها بجنگ رود کشته شود و هر کار که در عالم میشود و درین ایام کنند تمام نشود و هر فرزندی که درین روزها بوجود آید نژند و همین روزهاست که تفصیل میشود

ربیع الاول	صفر	محرم
هفتم و دهم	یکم و سیوم	چهارم و بیستم

وسجود هفت بار سبحان
ربی الاعلی وبحمده
بگوید چون سلام با
زدهد سر بسجده نهد
ده نوبت بگو استغفر
الله الذی لا اله الا هو
الحی القیوم واتوب الیه
و ده نوبت بگوید سبحا
ن الله والحمد لله و لا ا
له الا الله والله اکبر و
ده نوبت بگوید اللهم
صل علی محمد وال محمد وسلم
و ده بار بگوید یا غیاث
المستغیثین و ده
نوبت بگوید ربنا اتنا
فی الدنیا حسنة و
فی الاخرة حسنة
وقنا عذاب

جمادی الآخر	جمادی الاول	ربیع الآخر
دهم و یازدهم	دهم و پانزدهم	یکم و یازدهم

رمضان المبارک	شعبان	رجب
چهارم و بیست و یکم	چهارم و بیستم	یازدهم سیزدهم

ذی القعده	شوال
دوم سیوم	نهم هشتم

ذی الحجه
نهم و هفتم و هشتم

باب در شب قدر منقولست از حضرت ابوالحسن خرقانی که از من شب قدر فوت نشد و او را این طریق شناختم که چون اول ماه رمضان یکشنبه باشد شب بیست نهم قدر باشد و اگر غره ماه رمضان روز دوشنبه باشد شب قدر بیست و یکم باشد و اگر غره شهر رمضان روز سه‌شنبه باشد

۱

در ذوالحجه روز ده ... بخواند — با عالم اندر ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله عدد اللیالی والدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله ورحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشوك [illegible] لا اله الا الله عدد [illegible]

شب قدر بود بیست و هفتم باشد و اگر غرهٔ شهر مذکور روز چهارشنبه
باشد شب قدر روز نوزده هم باشد اگر غره شهر مذکور روز پنجشنبه
باشد شب قدر روز شب پنجم باشد اگر غره شهر مذکور از
جمعه باشد شب قدر در شب هفتم باشد اگر غره شهر از روز
شنبه باشد شب قدر در بیستم باشد والله اعلم بالصواب

کتاب ترجمة الصلوة از استخراج محسن بن [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

هرکه نه گویا بتو خاموش به — هرچه نه یاد تو فراموش به
سپاس و ستایش کریمی را که با کمال کبریا و عظمت و
استغنا و عزت در لطف و رحمت و باب عطوفت
و رافت [illegible] بر روی بندگان گشوده و اصناف خلق را
از جنس بنی نوع و خاص و عام رخصت مکالمه و مخاطبه و
عرض حاجات ارزانی فرموده هرکه رازی دارد با جناب
تعالی او روبروی تواند گفت و هرکه نیازی دارد در حضرت
او بی‌واسطه عرض تواند نمود نه بر درش وزیری گماشته که
وسیله شود با او توسل باید بود و نه وکیلی بازداشته که بیت
آویزد [illegible] با او توسل باید نمود نه حاجبی و نه دربانی و نه ترس
چوبکی غضبانی بیت هرکه گو بیا و هرچه خواهد گو بگو ناز و کبر و حاجب
دربان درین درگاه نیست هر کس را در همه جا و همه وقت بجناب
او راهست و از ظاهر و باطن همه کس در همه حالی آگاه هست
سلطنت و پادشاهی او را می سزد و بس تعالی جنابه و تقدس
و از غایت رافت و نهایت کرم که با بندگان دارد شبانروز
در شبانروزی پنج وقت نماز فرض نموده با تکبیر مذکور و تکبیره
عهده در ساعات متقاربه وسیلهٔ اقرب بندگان شود با جناب

لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری والصخور لا اله الا [illegible]

لا الله من اليوم الى يوم ينفخ في الصور

و ذریعه بار دور شدن حبّ حب در دل ایشان کرده نسبت
برب الارباب و تا ساعتی چند بخضوع و خشوع روی نیاز
بر آستانه بنده نواز کارساز نهند و راز دل خود را بر حضرت
علام الغیوب عرض دهند غم خود با لطف او بگویند و دوا درد
خود از کرم او بجویند تا او از روی تفضل و تعطف تا مناهی هر کس را
بقدر استعداد ش تمام کند و شکستگیش را درستی انعام بخشد
کریمی بر در دلها شسته درستی بخش دلهای شکسته
فشکر الله فنتم شکر الله علی ما هدانا لشکر النعم
وصلی الله علی محمد واله وسلم اما بعد پوشیده نیست
که نماز بهترین طاعات و فاضلترین عبادات است چنانکه در حدیث
نبوی وارد شده که نماز ستون دین است اگر مقبول شد
هر عبادت مقبول است و اگر مردود گشت همه مردود است و چون

هر انعوا لمصا ... دعای بخاند

٤٩٥٩٥٨
٣٢٩٧٤٠
٤٦١

اگر کسی خواهد که مال دار شود
این مهر را بر کاغذ بنویسد
در میان خود دفن کند
مال دار شود

مقصد اصلی از نماز یاد حق است و تجدید عهد با و و ثنای او و از
روی شکستگی و خضوع و سوال مهمات از و با ابتهال و
خضوع پس هر آینه بنده را ناچار است از حاضر ساختن دل در ان
و فهمیدن آنچه میگوید بزبان و در حدیث نبوی وارد است که
نیست مر بنده را از نماز او مگر آنچه فهمیده است از ان و دل با
خود داشته باشد در ان و بروایت صحیح از امام محمد باقر علیه السلام
منقولست بدرستی که بنده بالا برده میشود مر او را از نماز او
یک آن و نیم آن و چهار یک آن و پنج یک آن پس بالا برده
نمیشود از برای او مگر آنچه از ان روی دل با آن داشته و در حدیث
دیگر وارد شده که هر که دو رکعت نماز بگذارد و سخن نگوید
با نفس خود بچیزی از امور دنیا یعنی خبرهای [illegible] خاطر
نگذراند تا فارغ از ان نماز شود نماند میان او و [illegible]

٩٥ ٦٢٢٤٩٥١٩٨٨
٤٢٨١٧٤٧٦١٣٢
٢ ١ ٢٢ ١١١٨١١٢
٩٩٣٢١١٩٨١١١
٢٩٢ ١١٩١٣ ٧
٩ ١١١ ٦٨١١٩٣
١٩١٣ ١١١ ١١ ١١

مو سود

مگر آنکه آمرزیده شود از برای او و چون از کار نماز بزبان عربی

وارد است و بسیاری از ابنای عجم بلکه عرب از فهمیدن

آن عاجزند بخاطر این ضعیف محسن بن مرتضی رسید که آنرا

بزبان فارسی ترجمه نماید و بعضی آداب و فواید نیز بآن منضم

سازد تا شاید جمیع مؤمنان از آن بهره‌مند گردند و این فقیر

بی‌بضاعت را در اوقات حضور دل بدعای خیر یاد آوری نمایند

بیت تو که کیمیا فروشی نظری بقلب ما کن که بضاعتی نداریم و

فکنده‌ایم دامی پس ساعتی چند از اوقات صرف این مهم نمود

و این هشت در که بمنزله درهای بهشت است بر روی طالبان

گشود و ترجمة الصلوة موسوم ساخت و بالله التوفیق باب

اول در اذان و اقامت اَللهُ اَکْبَر یعنی که خدای عز و جل

بزرگتر است از همه چیز با و از آنکه بوصف و نعت در آید و بادراک

اگر زنی شیرش کم باشد این
تعویذ را بنویسد دد کردن
عورت بندد شیرش بسیار
شود

بسم الله الرحمن الرحیم
اَللهُ یَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ کُلُّ اُنْثیٰ
وَمَا تَغِیْضُ الْاَرْحَامُ
وَمَا تَزْدَادُ وَکُلُّ شَیْءٍ
عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ عَالِمُ ا[illegible]
[illegible] وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ

و خیال گنجد و یا ادراک او بعقول و حواس توان نمود یا او را بچیزی

قیاس توان کرد بیت فکرها عاجز است از وصفش عقلها

هرزه میرند انفش عقل عقل است و جان جانست او وانکه

زان برتر است آنست او حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

میفرماید که هرگاه تکبیر گفتی پس باید که خورد و حقیر شماری در جنب

عظمت و کبریای او هر چه در زمین و آسمانست پس هرستی

که خدای تعالی چون مطلع شد بر دل بنده و او تکبیر میگوید و در

دلش عارضیست از حقیقت تکبیر یعنی چیز دیگر را پیش از حق

تعالی در دل تعظیم و توقیر می نماید حق تعالی گوید ای دروغگوی

آیا مرا فریب میدهی قسم بعزت جلالم که ترا محروم میسازم

از حلاوت ذکر خود و محجوب میگردانم از قرب [illegible] ارزانی

با خود اَشْهَدُ اَنْ لاَ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ یعنی گواهی میدهم من

نوع دیگر زنی که شیرش
کم باشد این آیه را بز
عفران بنویسد و
بشوید و بخورد شیرش
بسیار شود
وَلَوْ اَنَّ قُرْاٰناً سُیِّرَ
تْ بِهِ الْجِبَالُ اَوْ
قُطِّعَتْ بِهِ الْاَرْضُ
اَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتیٰ
بَلْ لِلّٰهِ الْاَمْرُ جَمِیْعاً
وصلی الله علی محمد و آله
اجمعین

اگر کسی تب داشته باشد
سوره الم نشرح را بنویسید
باین طریق برکردن خود
ببندد شفا یابد
بسم الله الرحمن الرحیم
الم نشرح لك صدرك
یا محمد ووضعنا عنك
وزرك الذي یا محمد
انقض ظهرك ور
فعنا لك ذكرك یا
محمد فان مع العسر
یسرا یا محمد ان
مع العسر یسرا یا
محمد فاذا فرغت فا
نصب والی ربك فا
رغب

من باین که بتحقیق معبودی سزاوار پرستش نیست بجز معبودی
یکتای بحق که اوراست همه صفات کمال و باید که درین شهادت
نیز صادق باشد یعنی چیز دیگر را بر حق تعالی نگزیند و از وی دوستر
ندارد چه هر که چیزی را بسیار دوست میدارد و اهتمام تمام
درشان او می نماید و بدان میپازد فی الحقیقه آنرا پرستیده است
پس اگر محبت و اهتمام دران چیز بار حق و بقصد فرمان بردار
او جل شانه پس درین صورت حق را پرستیده است والا آن چیز را
پرستیده که هوا یا کسی را پرستیده که او را عبادت آن چیز
داشته چون شیطان و هوا و غیر آن بیت بر افکن پرده
تا معلوم گردد که یاران دیگری را می پرستند تا تو غیر ما را خواهی
غیر ما را بجستی بیت ما را خواهی خطی بعالم درکش کاندر
یکدل دو دوستی نیاید خوش هر چه دلبند تست خداوند تست

شاید گفتن کردین همین قد قامت الصلوة بتحقیق
بپای ایستاد نماز یعنی شروع در و نزدیک شد و این کلمه مخصوص
اقامت است و در اذان نیست و در آخر هر یک تکبیر و تهلیل
نیز باید گفت و همه ارکان در هر یک دو نوبت بگفتن شود
مگر تکبیر در اول اذان که چهار نوبت باید گفت و تهلیل
در آخر اقامت که یکنوبت و اذان را بلند و بتانی باید گفت
و اقامت را آهسته تر و تند و وقف را او از فصول هر دو
باید کرد و فاصله میان هر دو بدو رکعت یا یک سجده یا یک
نشستن یا یک گام بر داشتن یا گفتن تسبیح یا تحمید اگر
بنشیند بگوید اللهم اجعل قلبي بارا با رضا بگردان
دل مرا نیکو کننده و فرزند قی دارا و روزی مرا ایمنده بتازه
آینده و عیشی قارا و زندگانی مرا در خوشی و شادمانی کرده

هر کس این دعا را بعد
از ایمان بخواند حشر
مش با امام حسین
علیه السلام باشد

بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک بکلماتک
ومعاقد عرشک
وسکان سمواتک
وانبیائک
واسئلک ان
تستجیب لی فقد
رهقنی عسر فا
سئلک ان تصلی

وَاجْعَلْ لِي وبگردان از برای من عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نزد قبر پیغمبر خود محمد مُسْتَقَرًّا
مکان و منزلی در دنیا وَقَرَارًا و جای اقامت در نزدیک در آخرت
باب دوم در ادعیه افتتاح بعد از تکبیر سیوم اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ بار خدایا توئی پادشاه ثابت
دائم لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ نیست معبودی سزای پرستش جز تو
سُبْحَانَكَ پاک میدانم و منزه میشمارم جناب ترا از هر چه
بجلال تو نرسد و جمال ترا نزیبد ب پاک ترا آن طور که جاهلان
گفتند پاکتر از آنکه عاقلان گفتند اِنِّي عَمِلْتُ سُوءً
وَظَلَمْتُ نَفْسِي بدرستی که من بد کردم و ستم کردم نفس
خود را فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي پس بیامرز مرا گناهم را اِنَّهُ
لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ بدرستی که نمی آمرزد گناهان را

هیچ کس بغیر از تو ب قباحتهای فعلها که سگ از آن شرم میدارد
بغیر از پرده عفوت که بپوشد آن قباحتها را و بعد از تکبیر پنجم
لَبَّيْكَ یعنی ایستم بخدمت تو ایستادنی بعد از ایستادنی یعنی
همیشه ایستادگی بخدمت تو دارم مصرع یک نگاه از تو و در باختن
جان از من وَسَعْدَيْكَ یاری می نمایم ترا یاری نمودنی یعنی دائما
فرمان بردار توام مصرع یک اشارت ز تو و بردن فرمان از من
وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ نیکیهای دنیا و آخرت در دست تست
از تو می آید وَالشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ بدی را بسوی تو راه نیست
و بتو نسبت ندارد ب هر چه هست از قباحت نا سزائی اعمال
ماست و در تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست وَالْمَهْدِيُّ
مَنْ هَدَيْتَ راه یافته کسیست که تو او را راه نموده باشی
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ بنده تو و بنده زاده توام که

علی محمد وآل
محمد وان تجعل
لی من عسر
یسرا

نومنك ازتست ابتدای وجود من و بك و بتوست قوام
هستی من و لك و ترا ست ملك من و الیك و بسوی
تست بازگشت من لا ملجا و لا منجا منك الا الیك
نیست پناهی و نه گریزگاهی از تو مگر بسوی تو بیت غیر از در تو
دری ندانم غیر از تو کسی دیگر ندانم گر تو زدر خود مرا برانی
رو از تو بدر کرا آرم سبحانك و حنانیك پاك منزه
میدانم ساحت کبریای ترا از غبار هرچه ترا نسزد و لیکن
درحال آنکه سوال میکنم از تو رحمتی و مهربانی بعد از رحمتی و مهربانی
تنزیه میکنم ترا و میخواهم از جناب تو رحمت و عطوفت معظیم
بیت کرما مقصریم تو دریای رحمتی جرمی که میرود بامید عطای
تست میدانم که در حساب نیاید گناه ما آنجا که فضل رحمت
با منتهای تست تبارکت بزرگوار و بسیار تر و ثابت شده ایم

هر کس شب نیمه شعبان
دو رکعت نماز بگزارد
بعد از حمد قل یا ایها الکافرون و
رکعت دوم بعد از
حمد قل هو الله احد
بخواند و بعد از
سلام سی تسبیح
مرتبه تسبیح الحمد
بخواند دست بدعا
بردارد هر حاجت
بخواهد روا شود
المنة

و بعد از برکتهای تو و تعالیت و بس بلندی داری دست
ادراك ما از دامن معرفت تو کوتاهست و پای سعی ما از وصول
بجناب تو خارها در راهست بیت اسلام زجناب فرنگ آورده
آینه جان زسوی زنگ آورده از باده رخ شیخ برنگ آورده
بتوان نتوان ترا بچنگ آوردن سبحانك مقدس و منزهی تو
رب البیت ای پروردگار خانه کعبه یعنی کعبه که من بروی
بدان توجه بیان کرده ام با مر تو میدانم که آفریده تست و سزاوار
پرستش نیست و آنست که پرستش آن میکنم بیت
کعبه سنگی بر آستانه تست قبله راهی بسوی خانه تست و بود از
تکبیر گفتم و جهت وجهی للذی فطر السموات والارض
روی دل خود را متوجه ساختیم بآن کسی که بمحض قدرت بیافرید
آسمانها و زمین را عالم الغیب والشهادة ان دانای

هر کس شب نیمه شعبان
صد مرتبه سبحان الله
و صد مرتبه الحمد لله
و صد مرتبه لا اله الا الله
و صد مرتبه الله اکبر
بخواند
دست بدعا بردارد
هر حاجت از خدا
تعالی بخواهد روا
شود المنة

۲۱

نهان وآشکارا حَنِیفاً در حالتی که مایلم از دینها بدین توحید
مُسْلِماً در حالتی که فرمان بردارم وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ
ونیستم از شرک آورندگان مر حق تعالی را جل شأنه اِنَّ
صَلَاتِی هر آینه که نماز من وَنُسُکِی و قربانی من یا حج من
یا همه عبادتهای من وَمَحْیَایَ و زندگانی من یعنی آنچه برانم
در زندگی از اعتقادات حقه و احوال حسنه و بالجمله نیکیهای
که میکنم در زندگی وَمَمَاتِی و آنچه بران می میرم از ایمان وطاعت
ونیکیهای که بعد از مرگ نفع آن بغیر من میرسد لِلّٰهِ مر خدا
را است رَبِّ الْعَالَمِینَ که پروردگار جهانیانست لَا شَرِیکَ لَهُ
نیست انبازی مر او را یعنی من در عبادت خود کسی را باو
شریک نمیکنیم چون بت پرستان این کلماتیست که حق تعالی
از ابراهیم خلیل علیه السلام حکایت فرموده در قرآن مجید وگفته که او را

باین کلمات تفویض امور است بحق تعالی یعنی هر چه کنم و گویم
و دارم همه برای خداست بیت سفر براه تو بوم حضر براه
تو جویم سخن برای تو گویم خمش برای تو باشم وَبِذَلِکَ
اُمِرْتُ و باین مامور شده ام وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ
و من از جمله مطیعان او و فرمان بردارانم و باید که درین کلمات
نیز صادق باشد یعنی روی دل خود را با حق داشته باشد و همه
کارها باو گذاشته نه آنکه بسته کار و بار و در بند دکان و
بازار و محو آرزوها و غرق شهوتها و هوسها کرده بیت
در طریقت کی روا باشد دل بیجا رفتن بنماز پیش
دروغ گفتن که روی دل با خدا کرده و کارها باو رها کرده و با
خدا که اول کلامی که در نماز افتتاح بان کند دروغ باشد
و مستحب است که در حال تکبیرات دستها را برابر دارد تا برابر گوش

هر کس شب نیمه شعبان
هر کس شب نیمه شعبان
صد مرتبه سوره تسبیح
برای هر امری
بخواند البته
حاجتش روا
شود
هر کس شب نیمه شعبان
دعای کمیل
و نماز جعفر طیار
بخواند هر حاجت

هر کس ماه رجب
و ماه شعبان
و ماه رمضان
هر روز سه مرتبه
الحمد و سه مرتبه
آیة الکرسی و
سه مرتبه قل هو
الله احد و سه مرتبه
قل اعوذ برب الفلق
و سه مرتبه
قل اعوذ برب
الفلق و سه مرتبه

چنانکه کفها برابر قبله باشد و انگشتان بهم چسبیده باشد مگر دو
انگشت بزرگ و ابتدا از تکبیر گفتن با ابتدا از دست برداشتن
باشد و انتهای او با انتها و همچنین در هر تکبیر که در نماز گفته میشود
و هر یک از تکبیرات هفتگانه را که خواهد مقارن نیت می تواند
داشت و فرض احرام قرار داد و با آن نماز نیست که حضرت
امیر المومنین علیه السلام پرسیدند از معنی برداشتن دستها در حال تکبیر
فرمودند که معنی آن آنست که خدای بزرگتر است که یکتایی
بی همتاست که نیست مثل او چیزی بسوده نمیشود بانگشتها
و دریافته نمیشود بحسها بیت نه ادراک در کنه ذاتش رسد
نه فکرت بغور صفاتش رسد نه بر اوج ذاتش پرد مرغ
وهم نه در ذیل وصفش رسد دست فهم و بعضی گفته اند
که دست برداشتن اشاره است باینکه در دریای معصیت

سبحان الله و
الحمد لله و لا
حول و لا قوة
الا بالله العلی
العظیم ده مرتبه
صلوات ده
مرتبه اللهم
اغفر للمومنین
و المومنات
و چهار صد مرتبه
استغفر الله
ربی و اتوب الیه
بخوانند

غرق شده ام بگیر دستم را تا بیرون آیم بیت مانده ام در تر
فراقم ره نما یا رهنما غرقه دریای جرمم دست گیرا دستگیر
باب سیم در تفسیر فاتحه اَعُوذُ بِاللهِ پناه
میگیرم و التجا می نمایم بمعبود بحق و خداوند مطلق مِنَ
الشَّیطانِ الرَّجیم از شر وسوسه دیو پلید فریبنده که ترس
یا دور مانده از رحمت بخشش یا دور رانده شده از روضه رضوان
یا رمیده گشته از طبقات آسمان و گفتن این کلمات جهت
آنست که از شر او محفوظ شود و استعاذه فی الحقیقه پاک کردن
زبان و رفتن دلست از غبار اغیار و صفا دادن آن از
برای در آمدن جبار و مثل کسی که استعاذه میکند و خاطر
متعلق است بغیر حق و در دلش فکرهای نفسانی است و وسوسهای
شیطانی است مثل کسی که بر در قلعه محکمی ایستاده و دزدی در زه

هر کس شب آخر ماه
رمضان ده رکعت نماز
بگزارد هر دو رکعت به یک
سلام بعد از حمد ده قل
هو الله احد بخواند بجای
سجود در رکوع ده مرتبه
تسبیح اربعه بگوید بعد
از نماز فارغ شود هزار
مرتبه استغفر الله بگوید
و سر به سجده نهد و بگوید
خداوندا مرا بیامرز و
نماز روزه ما را قبول
کن پس از سجده سر
بر داشته باشد که خدا
او را بیامرزد

متوجه اوست که او را بدرود واو بزبان میگوید که پناه میگیرم از شر

این دو بان قلعه محکم و بر جای خود ایستاده و میرود و بدرون قلعه

تا در را به بند دواز شر او ایمن گردد بیت تا ز هر بد زبانت

گو نزیست یک اعوذ ب اعوذ با تحریت بلکه آن نزد

صاحب عرفان نیست الا اعوذ بالشیطان که دگوی اعوذ

که لاحول لیک فعلت بود مکذب قول سوی حوت نیت رو بسوی

میراند بر زبانت اعوذ میخواند طرفه خالی کرد ز دیکانه گشته

همراه صاحب خانه میکنند همچو لونقان و نفیر در بدر گو بگوکه

وز دیگر بسم الله بنام خدای سزای پرستش الرحمن

نیک بخشنده بر خلق بوجود و حیات الرحیم بخشاینده

بر ایشان دم بقا و محافظت از آفات الحمد هر

ثنائی و آفرینی که از ازل تا ابد موجود و معلوم بود و هست و خواهد بود

وهرکس شب عید رمضان
ده رکعت نماز بگزارد
دو رکعت به یک سلام
و بعد از حمد ده مرتبه
قل هو الله احد بخواند
به جای سجود در
لوح یک مرتبه تسبیح
اربعه بگوید و بعد
[illegible] هزار مرتبه
استغفر الله ربی
واتوب الیه و سر
[illegible] نهد هر
حاجت از خدا بخواهد
[illegible] روا شود

جمله تمام و کمال لله مر خدا ایراست که مسمی و موصوف به اسماء و صفات

کمالیه از جمالیه و جلالیه بیت آن به تسبیح و جلال و حمد سوی سزا

وان بتقدیس و کمال و نعت قدوسی حد بر آن سزای قرین

کز حمد او زنده است جان وان بدایع آفرین کز شکر او تا بد ضمیر

رب العالمین آفریننده و پرورنده و دارنده و تربیت

کننده و سازنده کار همه عالمیان از ملایکه و جن و انس و وحوش

و طیور و سباع و حیوان آبی و غیران الرحمن بخشنده وجود

بار دیگر در آخرت بعد از فنای جهانیان الرحیم بخشاینده

دیگر بار برافت و رحمت بر مومنان و درآوردن ایشان به بهشت

امن و امان مالک یوم الدین خداوند روز جزا

با متصرف در آن روز هر چه خواهد یا حافظ اعمال بندگان یا در

دادن دستدن تا هیچ غلط نشود یا قاضی روز حساب که میان

هرکس شب عید رمضان
چهارده رکعت نماز
بگزارد هر دو رکعت به
یک سلام بعد از حمد
یک آیة الکرسی بخواند
و سه قل هو الله احد
و دست به دعا بردارد
هر حاجت بخواهد روا شود
و نماز و روزه او قبول
درگاه شود

بندگان بحق حکم کند یا جزا دهنده روز جزا او برقرارست ملک یعنی

پادشاه روز جزا که مملکت وسلطنت اورا باشد چنانکه فرموده

لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ

ترای پرستیم وبس که غیر تو مستحق عبادت نیست وبیان حقیقت

عبادت در شهادت بتوحید گذشت ودرین موضع چون تصریح

بعبودیت خود مرخدا را میکند وحصران در وجل شانه مینماید بر

سبیل خطاب با علام الغیوب پس کذب دران فحش

واشنع است ترک هوا وهوس باید کرد وسک نفس را درپس

بیت چون شمع بسوز زنده می باید بود دلسوخته سرفکنده می باید

بود کارت بمراد آن خدائی باشد تا کام کشی که بنده میباید

بود وبنده که او از برای او می باید کرد نماز برای خود بیت تو بندگی

چو گدایان بشرط مزد مکن که دوست خود روش بنده پروری داند

هرکس شب عید رمضان دو رکعت نماز بگزارد بعد از حمد هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند در رکعت دویم بعد از حمد یک قل هو الله احد بخواند هر حاجت از خدا بخواهد روا شود

[illegible] نماز [illegible] نشسته [illegible] کرد

[illegible] صد مرتبه [illegible] کرد بر جای هزار تا

وگفته اند که نکته درین که نعبد بصیغه جمع وارد شده نه مفرد آنست

که در احکام شرعیه مقررست که هرکه متاع چند در یک عقد بخرد وبعض

ازان معیب برآید همه را رد باید کرد یا همه را نگه باید داشت

وبعیب راضی شده ومشتری را نمیرسد که معیب را رد کند وبی

عیب را نگاه دارد پس هرگاه بنده عبادت دیگران را با عبادت

خود ضم کند حق تعالی کریم تر ازانست که عبادت کسی را بی عیب

باشد رد کند بجهت عبادت معیب اینکس پس البته عبادت

اینکس را بطفیل آن قبول کند وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

وخاص از تو یاری میخواهیم در پرستش تو وانجاح سایر حوایج

ومهمات وباید که درین قول صادق باشد یعنی از دیگری در هیچ

امر یاری نخواهد مگر آنکه آنکس را واسطه وسبب مسخر حق داند

دران امر وداند که اگر حق تعالی نخواهد وودر دل آنکس نیفکند که یاری او

کند محال است که او تواند کرد پس فی الحقیقه حق یاری او میکند بدست
انکس و او چون آلتی است در دست حق بیت در که خلق
همه زرق و فسوست و هوس کار درگاه خداوند جهان دارد و بس
برو در مخلوق بودن عمر ضایع کردن است خاک آن در شو که آب
بندگان زان روشن است یکی از مشایخ چون با ایاک نعبد
و ایاک نستعین رسید بیهوش شد و بیفتاد چون از سبب
آن پرسیدند گفت ترسیدم که مرا بگویند چون ما را بندگی میکنی
و بس از ما یاری میخواهی و بس پس چرا از طبیب دوا میجویی و
از سلطان یاری میخواهی دروغ چرا میگویی بیت یاری از
وی جو مجو از زید و عمر مستی از وی جو مجو از بنگ و خمر اهدنا
راه نمای ما را الصراط المستقیم براهی راست در اقوال
و افعال و اخلاق که آن راه متوسط بود میان افراط و تفریط

و غلو و تقصیر یا ثابت دار ما را براه مستقیم که دین اسلام
و سنت سید انام است صلی الله علیه و آله و طریقه ائمه معصومین
علیهم السلام و در اخبار اهل بیت علیهم السلام وارد شده
که مراد از صراط مستقیم علی ابن ابی طالب است علیه السلام و در روایتی
دیگر وارد شده که امام مفترض الطاعه است پس معنی این شود
که بما بشناسان امام حق را تا متابعت و پیروی او کنیم و براه
او رفته برویم و امور او را تسلیم کنیم و محبت او را در دل گیریم
تا در آخرت با او محشور شویم و بسعادت عظمی رسیم یا ثابت
دار ما را بر معرفت و محبت و متابعت امام علیه السلام و در حدیث
نبوی وارد است که هر که بمیرد و نشناخت امام زمان خود را
مرده بمردن جاهلیت یعنی بی ایمان و بزرگی گفته که بنمای ما را راه
راست یعنی بمحبت [illegible] خود مشرف دار تا از التفات بغیر

آزاد گشته بتمامی گرفتار تو کردیم جز تو ندانیم و جز تو نشناسیم
چه دارند هر کس از تو مرادی و مطلبی مقصود ما از دنیی و
عقبی لقای تست صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ بنمای
ما را راه آنانکه بفضل خود انعام کرده بر ایشان بنعمت نبوت
و رسالت و ولایت و صدیقیت و شهادت و صلاحیت
یا راه آنها که اهل قربند و بکمال نعمت ظاهر که قبول شریعت است
و کمال نعمت باطن که اطلاع بر اسرار حقیقت است ایشان را
معزز و مکرم ساخته غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ نه راه آنکسان
که خشم گرفته بر ایشان و بر کفر اقدام نموده اند یا راه جهودان
که بسبب تمرد و معانده و قتل انبیا و تحریف کتب بر ایشان
خشم گرفته یا هر که جانب تفریط داشته باشد وَلَا الضَّا
لِّينَ و نه راه گمراهان یعنی کسانی که در طریق مختلفه و سبل متفرقه

افتاده

افتاده اند یا راه ترسایان که بواسطه افراط در شان مسیح و
تفریط در باب حبیب صلی الله علیه و آله گمراه گشته یا هر که جانب
افراط داشته باشد باب چهارم در تفسیر سوره قدر و توحید
که از اهل بیت علیهم السلام منقول است که بهترین سوره که بعد از فاتحه
خوانده شود در نمازهای فریضه سوره قدر و توحید است و بدانکه
قدر سوره قدر را غیر شیعه کسی نمیدانند و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقول است که فضیلت ایمان کسی که ایمان
بجمله انا انزلناه و تفسیر آن داشته باشد بر کسی که مثل او
نباشد در ایمان باین سوره چون فضیلت انسانست بر بهایم
و در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته اولی آنست که در رکعت اول
سوره قدر خوانده شود که سوره پیغمبر و اهل بیت اوست علیهم السلام
پس ایشان را وسیله ساز و بخدای عز و جل جبر بسبب ایشان تقرب

او رسیده جل جلاله و در رکعت دوم سورهٔ توحید که دعا در عقب
آن مستجابست یعنی قنوت و در کتاب کافی روایتی بعکس این
نقل کرده عمل بهر کدام که کنند نیکوست و ابو علی بن راشد
گوید که بحضرت امام علی نقی علیه السلام گفتم که فدای تو شوم در جای
که تو نوشته بودی بمحمد بن الفرج و تعلیم او کرده که فاضل ترین
سورهٔ که خوانده میشود در فرایض سورهٔ قدر و توحید است
بدرستی که دل من تنگ میشود بخواندن این دو سوره در نماز
صبح پس آنحضرت فرمود تنگ مکردان دل خود را بخواندن این دو سوره
بخدای قسم که فضیلت در این دو سوره است و ما این هر دو
سوره را تفسیر میکنیم تا تمامی از کار نماز بر وجه افضل ترجمه شده
باشد و ابتدا بسورهٔ قدر میکنیم روایت کرده که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله بخواب دید که شبی بنی امیه بر منبر بالا میروند مانند میمون

و مردم را بپس میرانند آنحضرت ازین اندوهناک شد حق تعالی
این سوره را برای تسلی وی فرستاد بسم الله
الرحمن الرحیم اِنَّا اَنزَلنَاهُ بدرستی که ما فرستادیم
قرآنرا فِی لَیلَةِ القَدرِ در شب قدر یعنی اندازه یعنی شبی
که حق تعالی در وی تقدیر کند و اندازه نماید هر چه دران سال
خواهد آمد گفته اند یعنی ابتدای نزول قرآن دران شب بوده یا
تمام قرآن دران شب از لوح محفوظ به بیت المعمور آمد و بعد
ازان جبرئیل علیه السلام در مدت بیست و سه سال آیه آیه
سوره سوره بحسب مصالح نازل ساخت و از اهل بیت
علیهم السلام منقولست که در شب قدر ملایکه نازل میشوند تمامی
احکام و امور خیر و شر بندگانرا تا شب قدر سال دیگر بر امام
عصر علیه السلام نازل میسازند اگر بنظر رسد بر سبیل حی چنانکه

در اختیار ایام هفته
روز جمعه
مبارکترین روزهاست
و بهترین عیدهاست و
سنت است دران روز
بحمام رفتن و سر تراشیدن
و ناخن و شارب گرفتن و
پیش از زوال بجهت نماز
سفر کردن خوب نیست و
بعد ازان سفر کردن نیکو
ست حجامت کردن و بعضی
احادیث واقع شده است
که نباید کرد زیرا که دران روز
ساعتی هست که دران
ساعت اگر حجامت واقع شود
هلاک میشود

مشاهده فرشته میکنند واگر وحی بغیر است بر سبیل تحدیث یعنی
فرشته با امام علیه السلام سخن میگوید چنانکه امام آواز او را
میشنود و شخص نمی بیند و این علومی که ایشان را در آن شب
حاصل میشود تفصیل و بیان آن علمیست که ایشان قبل از آن
بر سبیل اجمال میدانستند وَمَا أَدْرَاكَ چه چیز دانا گرد
ترا تا دانی که مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ چیست شب قدر یعنی
شب با عزت و شرف که هر که در و طاعت کند عزیز و مشرف
گردد یا عملی که در و واقع شود نزدیک خدای با قدر بود یا ترا
که پیغمبری و سایر ائمه معصومین را علیهم السلام در و فتوحات
عظیمه و فیوضات جسیمه دست دهد که قدر شما آن ظاهر گرداند لَيْلَةُ
الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ شب قدر بهتر است از هزار
ماه که بنی امیه بعد از تو حکومت کنند و ایشان را لیلة القدر نباشد

چرا که اهل بیت ترا در این شب قربها و کرامتها دست میدهد و شیعه
ایشان را برکتها میرسد که تلافی حکومت مخالفین میکند بازیادتی
واز قاسم بن فضل منقولست که او گفت ما شمردیم مدت تسلیط
بنی امیه هزار ماه بود نه یکروز کم بود و نه یکروز زیاد و حکمت در اخفا
و ابهام این شب تعظیم همه شبهای محتمله است و احیای آنها
بعبادت یا آنکه آن در واقع شبی معین نیست بلکه متبدل
میشود بلیالی سنه بیت ای خواجه چه جوئی ز شب قدر نشانی
هر شب شب قدر است اگر قدر بدانی تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ
وَالرُّوحُ فرود می آید فرشتگان و روح بر امام عصر علیه السلام
فِيهَا در این شب بِإِذْنِ رَبِّهِمْ بفرمان آفریدگار ایشان
مِنْ كُلِّ أَمْرٍ از امری که خداوند ترا در کار است از امور دنیه
و دینیه سَلَامٌ مدام الکرامت هِيَ این شب قدر حَتَّى

مَطْلَعِ الْفَجْرِ تا دمیدن سفیدهٔ صبح برهر که حق تعالی توفیق رفیق
برکت آن شب داده باشد از بندگانی که دوست میدارد ایشانرا
و میخواهد که بر بعضی امور تقضیه مطلع شوند و این معنی از دعای صحیفهٔ سجادیه
که بجهت دخول ماه رمضان است مستفاد میشود و در کافی نیز از آن
حضرت نقل کرده که فرموده یعنی سلام میکنند بر تو ای محمد ملایکه
من و روح من بسلام من از اول وقتی که نازل میشوند تا طلوع
صبح و اما تفسیر سورهٔ توحید روایت کرده‌اند که جمعی کفار با آنحضرت
گفتند نسب پروردگار خود را بیان کن تا او را بشناسیم حق تعالی
این سوره فرستاد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ بگو ای محمد آنکسی که از من می پرسید اوست
خدای یگانه متوحد بذات و متفرد بصفات اَللهُ الصَّمَدُ
خدای که بی نیاز است از همه و اوست پناه نیازمندان نخورد و نیاشامد

و پاینده است که فانی نشود و پس احد است و شمار از و معزول
صمد است و نیاز از و مخذول آن احدی که عقل واله اند و فهم و آن
صمدی که حس نشناسد و وهم نیابد لَمْ یَلِدْ نزاد او کسی را
رد بر یهود است که گفته اند پسر اوست وَلَمْ یُولَدْ و زاده
نشد از کسی رد بر نصاری است که گویند عیسی خداست
وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ نیست و نبوده مر او را همتا و کس
رد بر مجوس و مشرکان عرب است که گفته اند او را کفو است
کَذٰلِکَ اللهُ رَبِّی یعنی چنین است پروردگار من و خواندن
سوره بعد از حمد مخصوص و در رکعت اول است و در سیوم و چهارم
اگر حمد نخوانند بدل آن تسبیح و تهلیل و تکبیر و استغفار کنند هم
روا است و باید که قرآنرا بتأنی و ترتیل و تدبیر بخوانند با دل فارغ
و توجهی کامل پس عروس حضرت قرآن نقاب بگشاید و

بے

در مغرب بود کی بمیرد
و میوه در بلاد جبل کم باشد
و در میان مردم خا
... بسیار باشد
و در زمین بابل درد چشم
بسیار بهم رسد و مرگ بسیار
باشد و نرخها گران
باشد و کسی بر پادشاه
خروج کند و پادشاه
ظفر یابد و لشکر
بقتل آورد

کردار الملک یا آنرا مجرد یا بداز غوغا حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود که هر که قران خواند و فروتنی ننمود آنرا و دلش
نرم نشد بخواندن آن و اندوه و ترس در باطن او پدید نیامد
پس بتحقیق که خوار داشت بزرگی شان حق تعالی و زیان کرد و
زیانی هویدا و باید که در حال قیام بخشوع و خضوع بایستد بطریقی
که غلامان با خلاص در خدمت آقای خود می ایستند یا مردی ذلیل
در پیش پادشاهی عظیم الشان که متوجه او باشد و نظر بجانب سجود
افکنند نه بجای دیگر ح صدای سر نیست او را سجده کردن لاجرم
سر به پیش افکنده ام بیچاره من از شرم دوست و دستها را بر رانها
بگذارد نه بجای دیگر و زن بر پستانها و قدمها را محاذی یکدیگر
برابر دارد به دوری سر انگشت تا یک وجب و انگشتان هر دو پا را
بقبله کند و بعد از فراغ هر یک از فاتحه و سوره لحظه درنگ کند رکوع

و قحط و بیماری و دیگر
هایی بابل حادث شود
و بحدی که همه هلاک
شوند و بعد از آن با
ران بسیار بباراد
گیاه و غلبه و ...
مردم نیک شود
در بلاد جبل ...
بسیار باشد

و در رکوع مستحب است که قبل از رکوع تکبیر بگوید در حال قیام و بعد از
خم شدن دستها را بر زانوها گذارد و زن بالاتر از زانو دست
راست را بر زانوی راست پس از دست چپ بگذارد و بر
زانوی چپ و دستها را بر پهلوها بچسباند و زانوها را پس برد
و پیش نیارد و انگشتها را از هم دور کند و پشت را راست
برابر دارد بنوعی که اگر قطره آبی بر آن ریخته شود بجای خود بایستد
و گردن را موازی پشت کند و پیش نیفکند و نظر بما بین قدمین
اندازد و قبل از تسبیح بگوید اَللّٰهُمَّ لَکَ رَکَعْتُ یا رب خدایا
از برای تو رکوع کردم وَلَکَ خَشَعْتُ و بجهت تو فروتنی
و پستی نمودم وَلَکَ اَسْلَمْتُ و مر ترا منقاد و فرمان بردار
شدم وَبِکَ اٰمَنْتُ و ترا ایمان آوردم وَعَلَیْکَ
تَوَکَّلْتُ و بر تو توکل کردم یعنی کارهای خود بتو گذاشتم

هر سال کرد ماه ربیع اول ماه بگیرد

دعا

دعا جنم و زخم

ooooo ‌ ≡ ‌ ✗

م ععععععع

وص ی

وَأَنْتَ رَبِّي و توی پروردگار من خَشَعَ لَكَ افتادگی کردم از برای تو سَمْعِي گوش من وَبَصَرِي و چشم من وَشَعْرِي و موی من وَبَشَرِي و ظاهر بدن من وَلَحْمِي و گوشت من وَدَمِي و خون من وَمُخِّي و مغز استخوان من وَعَصَبِي و پی من وَعِظَامِي و استخوانهای من وَمَا أَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ و آنچه برداشته آنرا قدمهای من غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ در حالتی که نیستم من ننگ دارنده ازین فروتنی و پستی وَلَا مُسْتَكْبِرٍ و نه گردن کشنده وَلَا مُسْتَحْسِرٍ و نه واماننده و تعب دارنده از آن مصراع نهم سر زو نیست به تیغم گر زنی هر دم شخصی از حضرت امیر المؤمنین ع پرسید که راست داشتن گردن در رکوع اشاره بچیست آنحضرت فرمود معنی‌اش آنست که ایمان بتو دارم و اگر چه تیغ بر گردن من

گر تیغ بارد در کوی آن ماه گردن نهادیم الحکم لله سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ پاک و پاکیزه میدانم و منزه و مقدس میشمارم پروردگار بزرگ خود را از هر چه جناب عظمت و بزرگی او را لایق نباشد و جلال کبریای و جبروت او را انسب و نشاید و بحمده و حال آنکه مشغولیم بستایش او برانکه توفیق داده است مرا که تنزیه او کنم و تقدیس او بجای آورم و مستحب است که تسبیح را تکرار کنند تا سه نوبت یا هفت نوبت یا زیاده بقدر نشاط و عدم ملال مگر امام که از سه نمیکند زاند بلکه دعای مقدم را نیز نمیخوانند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که رکوع ادب است و سجود قربت و کسی که ادب را نیکو بجای نیارد شایسته قرب نمیگردد پس رکوع کنید رکوع کسی که فروتنی کننده بنده مر خدای عز و جل را بدل خود را خوار ساز نده و ترسان در زیر سلطنت و بهدکای ولیسی و باشکی

۳۳۳

باب الفتح من الرجال

چهار تخم مرغ بجوشانند و پوست کنند و بر هر بیضه مرغ بزعفران بنویسید و ناشتا بخورد و درمان کننده شود

بیضه اول

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

بیضه دوم

قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ

بیضه سیم

إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ

بیضه چهارم

نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

از برای او جرایح خود را بستی کردن کسی که ترسان واند وهنک
بلند برا کجا او را فوت میشود از فواید رکوع کستر کان سمع الله
لمن حمده یعنی خدای شنید و اجابت نمود و جزای خیر ادمر انکس را
که ستایش او کرد و غرض ازین کلمه دعاست نه ثنا یعنی خدای تعالی بشنواد
حمد حامدین را و مشکور کرداناد و این کلمه از ماموم ساقطست
والحمد لله رب العالمین و همه ثناها و ستایشها
مرخدا را است که پروردگار جهانیانست اهل الکبریاء
والعظمة اوست صاحب بزرگواری معبودی و بزرگواری
صوری والجود والجبروت و صاحب بخشش و فرمان
فرمائی بر خلایق از روی قهر و غلبه باب سیم در سجود مستحبست
که قبل از سجود تکبیر بگوید در حال قیام و چون بسجود رود اول
کفها را [illegible] بر زمین نهد بعد از ان زانوها را و زن بعکس

این کند و باید که انگشتان دستهارا بجانب قبله کند و بهم
بچسباند و هیچ یک از دستهارا به پهلو نچسباند و زانوهارا
از هم دور دارد اگر مرد باشد و بینی را هفتم اعضای سجود
گذارند و از پیشانی مقدار یک درهم یا بیشتر بسجده گاه
برساند نه کمتر بر خاک سجده کند نه بر چوب و سنگ و امثال
آن از چیزهای که سجده بران جایزست و بهتر آنست که
خاک قبر ائمه باشد معصومان علیه السلام خصوصا خاک کربلا
واگر اعضای سجود را همه برهنه کند و بخاک رساند افضل است
وقبل از تسبیح بگوید رب لک سجدت ای پروردگار
من از برای تو سجده کردم و بک امنت و بتو ایمان آوردم
ولک اسلمت و ترا فرمان بردم و علیک توکلت
و کار خود بتو باز گذاشتم و انت ربی [illegible] پروردگار

بیمار

خط نمودن بیمار

این طلسم را بنویسند
بر کاغذ و در طاس آب
اندازد اگر بر روی طاس
آید بیمار نیک شود اگر
در میان است قرار
دارد اگر بته آب رود
بیمار بمیرد از سودا است

[illegible]

[illegible]

این طلسم را در زیر زبان
بکسی با هر که سخن بگوید
زبان وی بسته شود

[illegible]

[illegible]

سَجَدَ وَجْهِي سجود کرد روی من لِلَّذِي خَلَقَهُ مر آنکس را
که آفرید اورا وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ و شکافت گوش اورا
و چشم اورا در رحم مادر وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
و همه ستایشها و ثناها مر خدایراست که پروردگار جهانیانست
تَبَارَكَ اللّٰهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ بزرگ و برتر و دایم
و ثابت هست خدایی که بهترین آفرینندگانست

ز ابر افکند قطرهٔ سوی یم ز صلب آورد نطفه در شکم
ازان قطره لؤلؤی لالا کند وزین صورتی سرو بالا کند

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى منزه و مقدس میدانم و پاک
و پاکیزه میشمارم پروردگار بلندتر خودرا از هرچه جناب
رفعت و بلندی اورا نسزد و جلال و عزت سلطنت
اورا نشاید وَبِحَمْدِهِ و حال آنکه مشغولم به ستایش

و ثنای او بر آنکه توفیق بخشیده است مرا که تنزیه و تقدیس او
بجای آورم تا ملال حاصل نشده تکرار تسبیح میکند مگر امام
که بر سه اقتصار میکند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده بخدای قسم که زیان نکرد هر که حقیقت سجود را چنانکه
باید بفعل آورد اگرچه در همه عمر یکنوبت باشد و فیروزی نیافت
کسی که خلوت کرد با پروردگار خود در مثل این حال از روی که
مانند سکه و زیب دهنده مر نفس خود را که غافل و بیخبر باشد
از آنچه حق تعالی مهیا کردانیده از برای سجود کننده گان از خوشی
حالی دنیا و راحت آخرت و دور نشد از خدای هرگز هرکه
نیکو بجا آورد نزدیکی در سجود با خدای عز و جل و نزدیک نشد
با او هرگز هرکه بد کرد ادب سجود را و ضایع ساخت حرمت
آنرا به بستن دل بغیر حق تعالی در حال سجود پس سجود کن سجود کسی

که پستی و فروتنی نموده باشد و دانند که او از خاک آفریده شده
که خلایق پای بران می نهند و از نطفه پدید آمده که همه کس او را
پلید میشمارند و در حدیث نبوی وارد شده که نزدیکترین
وحالی که بنده بخدا میباشد وقتی است که او در سجود میباشد
حق تعالی فرموده وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ یعنی سجده کن و
نزدیک شو و از امثال این اخبار و غیر آن مستفاد میشود
که بهترین افعال در نماز سجود است و دراز کشیدن آن
و فرو رفتن در یاد حق در آن حال آگاهی گوید رکوع دعوی
بندگیست و سجده بیّن دو گواهست بران و دیگری گوید
بقدر پستی تو پستی حق ظاهر میشود و لهذا مینی که در رکوع سبحان
رَبِّيَ الْعَظِيمِ میگوئی و در سجود سُبْحَانَ رَبِّيَ
الْأَعْلَى اگر تو پاپتی او باشد و پس حق تعالی تقدس

جماع
اگر کسی بر پهلوی راست
خفته باشد جماع کند گرده
را خشک کند و بیم مرگ باشد

هر که خایهٔ مرغ با پیاز بپزد
کند اسبها را به بیند و درد
شکم را نیک باشد

ترب
اگر ترب را با سکنجبین و ذره
کوسفند در گوش بفشند
آب که در گوش رفته باشد
ابلد

بیت از هستی خویش تا تو غافل نشوی هرگز بمراد خویش
واصل نشوی از بهر ظهور تا بساحل نشوی در مذهب اهل
عشق کامل نشوی و درین معنی مترجم گوید بیت پای بر سر خود
دوست را در آغوش آر تا بکعبهٔ وصلش دوری تو یک گامست
و مستحبست که چون سر از سجود بردارد بر ران چپ نشیند و پشت
قدم راست را بر شکم قدم چپ بگذارد و در خاطر بگذراند که
بار خدایا حق را بلند گردان و باطل را بمیران و اگر زن باشد
بر کفل نشیند و زانوها را بالا دارد و کف پایها را بر زمین
نهد و چون قرار گیرد تکبیری بگوید و استغفار کند و افضل آنست
که بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي بار خدایا بیامرز مرا وَارْحَمْنِي
و رحم کن مرا وَاجْبُرْنِي و شکستگی های مرا درست کن
و نقصانهای مرا تلافی کن وَاهْدِنِي [illegible] مرا

سستی قضیب
هر که دود دم تخم ترب بادو غن
کنجد تازه بجوشاند در
قضیب مالند سستی
برود و سخت کند و هر
چند مباشرت کند سست
نشود

و هر که سیر خورده باشد
دلش نگیرد و اگر لب تو د
کار گر نشود

و هر که آب شلغم را
پخته را دست یا
سرما زده را دفع کند

إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ بدرستی که
من مر آنچه خیر را که فرو فرستادی بسوی من از نیکیها محتاجم
واگر اقتصار کند بر گفتن أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ
إِلَيْهِ یعنی طلب آمرزش میکنم پروردگار خود را و باز
میگردم بسوی او کافیست بعد از آن تکبیر دیگر بگوید از برای
سجود دوم در حال جلوس و بعد از سر برداشتن از سجود دوم
نیز تکبیر بگوید و سجده در نگی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
از تاویل سجده [illegible] پرسیدند فرمود که سجده اول سر بر زمین
می نهد اشارتست بانکه از خاک آفریده شده و سر که از آن
بر میدارد اشارتست بانکه از زمین بیرون آمده و سجده
ثانیه تلویحست بانکه باز بزمین عود خواهد کرد و خاک خواهد
شد و [illegible] بر میدارد در مرتبست بانکه بار دیگر از خاک

و هر که زهره مرغ را
با مورد اسنگ بساید
دو وقت مباشرت
در ذکر مالد مباشرت
کند زن از وی سیر
نشود

مرض

هر که بامداد از خواب
در آید دهان او
تلخ باشد دلیل صفرا
ست علاج او چیز
های گرم و سرد است
فصد باید کرد اگر طعم
دهان ترش باشد
باشد از سودا باشد

مبعوث خواهد شد در آخرت و بیرون خواهد آمد از آن و
چون سر از سجود بر میخیزد بگوید اللَّهُمَّ رَبِّي بار خدایا
ای پروردگار من بِحَوْلِكَ بگردانیدن تو وَقُوَّتِكَ
و بقوت تو أَقُومُ بر میخیزم من وَأَقْعُدُ و می‌نشینم
من واگر خواهد این را نیز بگوید وَأَرْكَعُ وَأَسْجُدُ
و رکوع میکنم و سجود میکنم بیت راه او را با توان پیمود
بار او را با توان برداشت باب هفتم در قنوت
مستحبست که قبل از قنوت تکبیر بگوید بعد از آن دستها را
بردارد برابر روی محاذی آسمان و انگشتان را بهم بچسباند
مگر دو انگشت بزرگ و [illegible] اشرف اذکار قنوت کلمات
فرجست و دعای عقیب آن و اهم دعاها طلب مغفرت
و عافیت است از برای دین و دنیا و این [illegible]

او را چیزهای باید
خورد که گرم باشد
بدانکه هر بیماری که در
تن او روز بروز
بیشتر بود از گرمی
باشد از علت
خون باشد و
بیماری ترش هوس
کند و آب بسیار
خورد از فعل صفرا
باشد و بیماری
خشک آرزو کند از
سودا باشد

نیز ذکری در خصوص قنوت وارد شده بر ترجمه کلمات فرج و آن
ذکر اقتصار میرود لا اله الا الله الحلیم الکریم
نیست معبودی بجز معبود بحق سزاوار پرستش مستحق همه کما
و کمالات که بردبار و بخشنده است لا اله الا الله
العلی العظیم نیست معبودی بجز خدای یکتا جامع همه
صفات کمال که بلند و بزرگوار است سبحان الله
پاک و مقدس و بزرگوار است خدای رب السموات
السبع که پروردگار آسمانهای هفتگانه است و رب
الارضین السبع و پروردگار زمینهای هفتگانه است
و ما فیهن و پروردگار آنچه در این آسمانها و زمینهاست
و ما بینهن و آنچه در میان اینهاست و ما
تحتهن آنچه در زیر اینهاست و رب العرش

و بیماری از چوب
و شیرینی آرزو کند
و چیزهای شور
از بلغم باشد

العظیم

العظیم و پروردگار عرش بزرگست که عبارتست
از علم حق سبحانه با جمیع مخلوقات یا جرمی که محیطست
بهمه اجسام والحمد لله رب العالمین
و همه ستایشها و آفرینها مر خدا راست که پروردگار
جهانیانست اللهم اغفر لنا بار خدایا بیامرز ما را
وارحمنا و رحم کن ما را و عافنا و نگاهدار ما را از
کوفتها و آفتها واعف عنا و درگذر از بدیهای ما فی
الدنیا والآخرة در این جهان نزد دیگر و در آن جهان
بهتر انک علی کل شیء قدیر بدرستی که تو بر
همه چیز توانایی و هر چند قنوت دراز تر است راحت در قیامت
بیشتر است چنانکه در حدیث وارد شده باب هشتم
در تشهد و تسلیم مستحبست که بطریقی نشیند که [illegible]

خون شکم

اگر کسی از شکم خون آید
تخم کاسنی را با شکر
بخورد خون باز ایستد

هر که لغنا با شکر بخورد
کرم شکم را بکشد

و هر که طعام کند و
کم بجاید یا درد دندان
گیرد درد دندان را
دفع کند

موی

اب پیاز را با عسل
بیامیزد و در جای
که موی رفته باشد
بمالند موی بر آید

خارش معده

...دانه سیر را با
روغن بجوشانند
...افه کنند بردارند
خارش معده را
بنشانند

ما بین سجدتین مذکور شد و دستها را بر رانها بگذارد و
انگشتان را بهم بچسباند و نظر بر کنار خود کند و بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ بنام بزرگ خدای که سزای پرستش است
وَبِاللّٰهِ و بخدای جل جلاله و یکتا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ و همه
ستایشها و ثناها مر خدا را است وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ
لِلّٰهِ و بهترین نامها مر حق راست أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ گواهی میدهم بانکه نیست خدای بحق معبودی
که مستجمع جمیع کمالات است و مستحق عبادت است وَحْدَهُ
در حالتی که یکتا و منفرد است لَا شَرِيكَ لَهُ نیست
انبازی مر او را در استحقاق عبادت بیت وحده
لاشریک له صفتش وهو الفرد اصل معرفتش فکر اکرکی
[illegible] عقل از کنه ذاتش اگر نیست هستی

واو کبریا و جلال شرکت لایق و شریک محال وَأَشْهَدُ
أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ و گواهی میدهم
محمد بنده او و فرستاده او است أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ
او است او را براستی و درستی و بی شک و شبهه
در حالتی که مژده دهنده است برحمت و تفضل خدا
که بتوحید او اقرار کند وَنَذِيرًا و بیم کننده است
وعدل خدای کسی را که بر شرک اصرار ورزد بَيْنَ يَدَيِ
السَّاعَةِ پیش از وقوع قیامت أَشْهَدُ أَنَّ
رَبِّي نِعْمَ الرَّبُّ گواهی میدهم بانکه پروردگار
پروردگار من نیکو پروردگار است و در لفظی دیگر
وارد است که انه نِعْمَ الرَّبُّ بر سبیل خطاب
یعنی بدرستی که تو نیکو پروردگاری وَأَنَّ مُحَمَّدًا

رسول به درستی که محمد نیکو فرستاده ایست اللهم
خدایا صل علی محمد درود بفرست بر محمد یعنی حضرت
او را و گفته اند یعنی تعظیم کن او را در دنیا باعلای دین
اظهار دعوت و اعظام ذکر و ابقای شریعت و در آخرت
ل شفاعت او در شان امت و تضعیف ثواب و
فضل او بر اولین و آخرین و تقدیم او بر کافه انبیا
مرسلین صلوات الله اجمعین و آل محمد و بر اهل بیت محمد
حضرت فاطمه و دوازده امام معصوم‌اند و هر که سیرت ایشان
دو از علم ایشان حظی وافر داشته باشد مثل سلمان
رضی الله عنه چنانکه حضرت پیغمبر صلعم فرموده که سلمان
اهل البیت و تقبل شفاعته و بفرست درود
امته در شان امت او و ارفع درجته

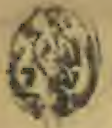
یا علی

چهارم کسی که چون یاد خدای تعالی کند دل او بسوزد و چشم او
گریان باشد پنجم کسی که در پنهان و آشکار صدقه بسیار دهد
ششم کسی که به آرزوها فریفته نشود هفتم دو مؤمن که برای
رضای الله تعالی با یکدیگر دوستی کرده باشند هشتم هر کسی که
خدای تعالی روی نیکو و خلق نیکو داده باشد و محب اهل بیت
نبوت و ولایت بوده باشد او را بهشت برند و آتش
دوزخ بر وی حرام بود نهم هر کس که مومنان را از برای
رضای خدای تعالی طعام دهد روز قیامت در سایه
عرش حق تعالی او را راه دهند چون مهمان بخانه کسی
بیاید روزی خود را با خود بیاورد و خیر و برکت در آن خانه
پدید آید و چون بیرون رود گناهان آن خانه را ببرد

اول از برای پدر و مادر برخواستن و تعظیم کردن با وجود
آنکه فقیر و حقیر باشند دویم خدمت مهمان کردن سیم علما را
خدمت کردن خاصه آنکس که مردم را علم آموزد و
چهارم از آموختن چیزی که نداند یا علی ده چیز است که
مردم را نهایت دشوار است اول وام اگرچه اندک
باشد دویم زیست اگرچه یکروز باشد سیم با نادان
معامله کردن اگرچه یکدینار باشد چهارم با دشمن بسر بردن
اگرچه یک ساعت باشد پنجم سفر کردن اگرچه یکروز باشد
ششم چیزی اندک سودا کردن اگرچه با قیمت باشد
هفتم خر داشتن اگرچه یکی باشد هشتم بار وقت [illegible]
دیگر دادن اگرچه [illegible] باشد نهم سوال کردن اگرچه بی زر
[illegible] بودن اگرچه مامور بود یا علی

هر کس که مؤمن شیعه غریب را یک روز پیش خود جای دهد
و رعایت کند و احسان نماید حق تعالی جمله گناهان او را
بیامرزد و هفتاد گونه بلا از وی دور گرداند یا علی
چند چیز از آن مفلسی است که فقر و فاقه آورد اول آنکه
ابتدا کارها و طعام خوردن بسم الله الرحمن الرحیم
نگوید دوم آنکه از طعام خوردن الحمد لله رب العالمین
نگوید و نماز نگذارد و دروغ بسیار گوید پدر و مادر را
بنام بخواند و فرزند خود را دعای بد کند و در وقت
نماز بامداد و بعد از نماز بخواب رود و بعد از نماز عصر بخواب
رود و پس از پیران راه رفتن و سر کوزه و [illegible]
نه پوشیدن و ناسپاسی کردن و بعد از طعام [illegible]
[illegible]

بای شانه کردن و نشسته دستار بستن بر پای ایستاده و نان
خوردن دست بر زیر زنخدان زدن و ناخن بدندان
باز کردن و خوابیده طعام خوردن و سر بر زانو نهادن و در
حمام خواب کردن و از جانب دسته کوزه آب خوردن
یا هر کس ساعتی از دوازده ساعت روز هر ساعتی [illegible]
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
گفته باشد هم چنان بود که حج پسندیده گذارده باشد
و از [illegible] باشد سه بار سوره قل هو الله
بخواند چنان باشد که یک مرتبه ختم قرآن کرده باشد و
[illegible] کسی ده مرتبه بایلی صلوات بفرستد چنان



با ت

کردن سیم آنکه بخط خوش کلام الله را درست و صحت اعراب
بنویسد تا از و یادگار در جهان بماند و خوانندگان کلام الله
او را بدعای خیر یاد کرده باشند چهارم کسی که از و کار نیک و
عمل نیک بر صفحه روزگار بماند و بعد از آن او را بدعای خیر
یاد کنند پنجم کسی که درخت بنشاند بنیت آنکه بندگان
خدای تعالی آورا سایه او بنشیند و میوه او را خورند ششم
کسی که مرده را از علم آموزد هفتم کسی که فرزند صالح از و یادگار
بماند دیگر کسی که پیش از طعام خوردن دست بشوید خدای تعالی
گناهان او را بیامرزد و بعد هر لقمه که خورده باشد چنان
باشد که بنده آزاد کرده باشد و بعد از طعام خوردن
فارغ شود دست بشوید به حمد خدای تعالی بعد در هر موی
[illegible] او ثواب صدیق [illegible] بنگ [illegible]

ام

محب اهل نبوت و ولایت بوده باشند و عمل صالح داشته باشند
یا علی هر کس پیش از طعام خوردن ابتدا به نمک کند حق تعالی
او را از هفتاد مرض نگاه دارد و یا علی هر کس پدر و مادر را در
زندگی به دعای خیر یاد کند و بعد از فوت ایشان قران
خوانده باشد چنان باشد که ثواب آنرا بارواح ایشان
قربت کرده باشد چنان باشد که هر روز هزار مومن و مسلمان
از کافران خریده باشد و آزاد کرده باشد یا علی شش
طایفه اند که از حوض کوثر آب خواهند خورد پیش از آنکه فوت
بشوند اول مومنی که اهل خانه خود را گوید که سایلان و اهل
دریوزه را از خانه خود محروم باز نگردانند دویم کسانی که
در مجلس علما بسیار نشینند و سخن ایشان را گوش کنند و صدق
نیز نمایند سیوم کسی که مردم را بنوعی حسنه دستگیری کند

خمسه کوثر

چهارم زنی که عزت شوهر را نگاه دارد و پنجم فرزندی که پدر
و مادر را از خود راضی باشند ششم کسی که فرزند خود را کلام الله
بیاموزد و یا علی هر کس از یک دانگ مال حرام دست بدارد
بهتر از آنست که ده هزار درم صدقه بدهد و هر آنکس که از
برای رضای خدای تعالی ترک معصیت کند مثل آنست که
برابر هزار عابد که عبادت پسندیده کرده باشد اول عالمی
که جمعی بگفته و سخن او کار کنند و او بعلم خود کار نکند و
آن جماعت را ببهشت برند و او را بدوزخ برند دویم غنیی
که بمحنت و مشقت مال بسیاری جمع نموده باشد و خیر نکرده
و خیرات نکرده باشد و زکوة و خمس آل محمد
و علی نداده باشد از برای رضای حق تعالی صدقه بمستحق
نرسانیده باشد و بوارثان گذاشته باشد و وارثان از آن

مال جمع کرده باشند و در همه باب آنچه مذکور شد خیرات ساخته
باشند و صاحب مال را از آن تقصیری که کرده باشند بدوزخ برند
و دوا رنار از بهشت برند سیم کسی که طاعت بسیار کرده باشد
و مال بناحق از مردم گرفته باشد روز قیامت صاحبان مال را
جمع آرند و ثواب طاعتهای او را بصاحبان مال دهند و
گناه صاحبان مال را باو دهند و ثواب طاعتهای
او را دیگر با دهند و مفلس بماند از ظلمی که بمردم کرده
و مال بناحق گرفته پشیمان باشد و در آن وقت پشیمانی
سودی ندارد و لا علاج شده راه دوزخ در پیش گیرد
[illegible] از دهان چون برق جهنده از صراط گذرنده
[illegible] حاکم عادل [illegible] پنجم کسی که از حرام اجتناب کند ششم
کسی که از مسجد بیرون آمده باشد و باز دل او مایل مسجد باشد

[illegible]

هفت مرتبه سورهٔ فاتحة الکتاب را بخوانند و هفت مرتبه
آیة الکرسی را بخوانند و هفت مرتبه قل یا ایها ا
لکافرون و هفت مرتبه سوره قل اعوذ را هر دو را
بخوانند و بگوید اللّٰهمّ اغفر لی ولوالدیّ و لجمیع
المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات
والاحیاء منهم والاموات انک علی
[illegible] شیء قدیر [illegible] هفت [illegible]
مدت [illegible] فرشته دست چپ گنا[illegible]
[illegible] او از جمیع آفات
دارد و [illegible] بخت هر دو جهان کرد
[illegible] آیة الکرسی را هفت مرتبه
[illegible] کرده

هر کس از منزل خود بیرون رود و سه مرتبه آیت
الکرسی را بخواند حق تعالی دو فرشته همراه او کند
تا او را از بلیات نگاه دارد و حامی و معاون او باشد
و چون به منزل خود باز آید آیت الکرسی را بخواند [illegible]
[illegible] فاقه نبیند یا علی پنج چیز را از [illegible] کردن
[illegible] کلام الله و [illegible]
[illegible] سیم در آب روان چهارم نظر کردن
[illegible] نظر کردن بر روی پدر و مادر و در آسمان
[illegible] کردن و صنعت خدای تعالی تماشا کردن تا
یا علی پنج چیز روی را سفید گرداند اول وام
[illegible] بوی خوش با خود نگاه داشتن [illegible]
[illegible]

یا علی مردم خویش خوی را از روز الله تعالی [illegible] نماز که از زندگان
و روزه داران و جهاد کننده گان باشد یا علی پیوسته با طهارت
باش که ملایکه از برای تو آمرزش میخواهند یا علی دروغ
مگوی که معصیت است اگر ضرورت باشد یا علی صدقه پنهان
بده که خشم خدای تعالی منطفی میشود چون [illegible]
بدی حجاب بود میانه تو و آتش دوزخ [illegible]
[illegible] که بلا [illegible] از آسمان بر زمین [illegible] یا علی
کسی که به مسجد رود در پناه حق تعالی باشد تا وقتی که از مسجد بیرون
آید یا علی در باب جنگی [illegible] تقصیر مکن اگر چه [illegible] باشد
حضرت امیر المومنین گفت یا رسول الله سفر کدام است
رسول گفت سفر آنست که او را پند دهی گوش نکند و
[illegible] از کار به دست ندارد و هر چند او را طعن [illegible]

گویند ملول و دردهم نشود یا علی پرهیز از حجامت کردن در اول
ماه و آخر ماه و در میان ماه که علت زیاده میشود و بیم برص
بود نعوذ بالله یا علی روز چهارشنبه حجامت مکن که علت
زیاده میگرداند و در روز یکشنبه اراده کار نمودن خوب است
اگر [illegible] باشند و در روز دوشنبه سفر کردن خوب است اگر عشرت
جز باشد یا علی روز چهارشنبه شروع در هیچ کار مکن که عاقبت
[illegible] یا علی در روز پنجشنبه حاجت خواستن
بسیار خوبست که ابراهیم علیه السلام در [illegible] نمرود علیه اللعنه
[illegible] حاجت او برآمد یا علی روز پنجشنبه و آدینه نظر بکلام الله
کن
که بسیار خوبست یا علی شب چهارشنبه برهنه مشو که شیطان
راه میزند و بیم صرع دارد نعوذ بالله یا علی نشسته چیز نو [illegible]
[illegible]

و در جای

در جای خواب عطسه زدن و در مسجد غیبت کردن یا علی
در اول شب و در آخر شب و اول روز و در آخر روز نباید خفتن
و در زمستان در زیر نباید نشستن و در تابستان در بالین نباید کردن
و در پشت طبق و بیرون نان نباید خوردن که بسیار بد بود
و نباید خلال نباید کردن که مرض آورد و بکارد نان نباید
بریدن که بلا ادبار بود و چون نان خوردی ریزه آن را نباید
انداختن که فقر و فاقه آورد و در [illegible] سخن نباید گفتن
و چون بول و غایط کنی آب در دهن نباید انداخت و [illegible]
در استخوان استنجی نباید کردن که بسیار بد بود و دست ناشسته
طعام نباید کردن که فقر و فاقه آورد و در کوزه آب و طعام
گرم دم نباید زدن که بد بود و در [illegible] خوردن و [illegible] نباید
نگریستن که بیم نابینایی بود و در بول و غایط [illegible] نباید کردن

که نجاست بدست و چون خمیازه بکشی دست بدهن باید
نهادن و در تاریکی نان نباید خوردن و در جائی که بول کرده باشند
غسل نباید کردن که علت بدید می آورد و بیم آبله بود نعوذ
بالله یا علی در میان بانگ نماز و قامت دعا کن که در آنوقت
اجابت میشود یا علی بدانکه شومترین مردمان دزدان
باشند که از عمل خیر دزدند حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
گفت یا رسول الله که دزدان چگونه باشند و رسول صلی الله
علیه و آله و سلم فرمود که رکوع و سجود نماز را بشرایط و طمأنینه
که حق تعالی فرموده بجای نیاورده باشند و در روز نماز گویند
و آنکه علت آن حج دزدان بدتر باشند و نماز ایشان قبول
نباشد جهت آنکه رکوع و سجود از ارکان نماز است و نماز
بر رکوع و سجود درست است اگر در نماز سنت تقصیر کند اعاده نماز

واجب

واجب تقصیر کند که در دنیا و آخرت مستوجب عقوبت میشود
یا علی آدمی بسه چیز بهشت میرود اول آنکه مال خود را حلال
کند و بدرویشان بخشد در راه حق تعالی و بجهت شهرت
و ریا نباشد یا علی فاسق سخی بهتر بود از عابد بخیل
یا علی هرکس سخاوتمند باشد نزدیک باشد برحمت حق تعالی
و دور بود از عذاب دوزخ سخاوت درختیست
در بهشت و شاخهای او در دنیاست هرکس دست در آن
شاخ میزند میرود در بهشت یا علی در شب معراج دیدم که بر در
بهشت نوشته بود که بهشت حرامست بر جمله بخیلان و منافقان
و کسی که پدر و مادر را آزرده باشند یا علی بدانکه چون حق تعالی
دوزخ را بیافرید دوزخ گفت مرا از برای که آفریده خداوندا
که ترا از برای بخیلان و متکبران و منافقان آفریدیم یا علی

از دعای اهل سخاوت و قران خوان برحذر باش که الله تعالی
دعای ایشان زود اجابت میکند یا علی رضای پدر و مادر را
نگاه دار که حق تعالی در رضای پدر و مادر است یا علی پدر و مادر را
دوست دار تا در دنیا و آخرت عزیز و محترم باشی یا علی
هر کس که لقمه شبهه حرام شود رفیق آتش ابلیس است یا علی
هر کس در ابتدای کار را بسم الله الرحمن الرحیم خصوصا
صحبت داشتن با زن خود نگوید یکی از اتباع شیطان در آن
جماع با وی مشارکت نماید و آن فرزند شیطان صفت باشد
و شریر و ضرر رسان بود چنان که حضرت الله تعالی در کلام
مجید خود یاد کرده وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْ
لَادِ یعنی مشارکت مینماید شیطان در مال شما و فرزندان
شما اگر بسم الله الرحمن الرحیم نگویید هر کس

حلال خورد روی او در دنیا و آخرت سفید باشد و دعایش
زود مستجاب شود و هر کس حرام خورد روی او دلش سیاه
و دعایش مستجاب نشود و در گناه کردن حریص بود نعوذ بالله
یا علی چون حق تعالی بر بنده خود خشم گیرد از مال حرام او
روزی کند جامه غفلت بر روی پوشانند و شیطان زبر او موکل
گردانند حق تعالی کریم و رحیم است بر کسانی که اطاعت او کردند
و قهار است بر کسانی که پیروی شیطان کرده اند یا علی کسی که
حق تعالی دوست دارد دعای او را زودتر مستجاب کند اما حاجتش را
زود روا کرداند و هرگاه که مقرب به تضرع و زاری گوید یا ربی
و سیدی و مولای این بنده بدرگاه تو حاجتی دارد از
حضرت رب العزت ندا آید که من رحیم بر بندگان خود
عالم السر و الخفیات هستم و تضرع و زاری بنده خود را

دوست میدارم نماز و روزه را بدرگاه الهی قبول نکند الا
بطهارت و نیت و اعتقاد درست و صدقه را قبول نکند
الا از وجه حلال یا علی توبه کنندگان را توبه بدرگاه الهی
قبول نیست تا شکم از لقمه حرام پاک نسازد و از وجه
حرام اجتناب ننماید و گوشتی که از لقمه در بدن
بهم رسیده که گداخته نشود و قوت خود را از وجه حلال
نسازد   هر کس را از دنیا رفت کوری باشد نام او را
در جریده نیکی و صالحان نویسند یا علی صدقه بده از برای
مردگان خود که حق تعالی فرشتها آفریده است و آن فرشتگان را
بمردگان موکل کرده‌اند و آن فرشتگان شاد میکردند
و بدان صدقه ارواح را بشارت میدهند و آن ارواحها
چون آن بشارت را بشنوند دعا گویند بر کسان خود که

در دنیا

در دنیا که جمله روح ایشان صدقه فرستاده‌اند و مناجات
کنند و گویند یا رب پی دیار جای بجا مرزده اهل بهشت گراد و
روشن گردان دل ایشان را چنانکه مرا شاد کرده‌اند
بدین صدقه یا علی روز قیامت جمعی را بر بهشت برند خدا
آید که ایشان را باز گردانید و بدوزخ برید که ایشان در
دار دنیا حرام خورده‌اند و از مردمان چیزی بناحق گرفته‌اند
یا علی بهر مسلمانی که رسی سلام کن و بجهت سلام کردن کرام
الکاتبین حسنه در نامه اعمال آنکس مینویسند یا علی چون ترا
صبح گوید این دعا را بخوان تا ترا عجب نباشد که الله تعالی
مکبر ترا دشمن است چنانکه فرموده اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی
خَیْرًا مِمَّا یَظُنُّونَ وَلَا تُوَاخِذْنِی بِمَا یَقُولُونَ
وَاغْفِرْ لِی مَا یَعْلَمُونَ یا علی هر کس خویش و

واقربای خود دوستی نما [illegible] ازعزت [illegible] یا علی
در دنیا شاد مباش چون شاد باشی خدای تعالی ترا دوست
ندارد یا علی چیزی بکسی بده و دیگر باز مستان با وجود آنکه
خود محتاج باشی مگر پدر چیزی بفرزند بخشیده باشد اگر بالفرض
ازاو باز ستاند باکی نیست بچوب گل یا چوب سر سوخته
دندان خلال مکن که هریک آفت عظیم است اول فقر و فاقه
آورد دوم درد دندان آورد سیم گنده دهن آرد یا علی
که خدای تعالی مردم بدخوی بدطبع را دشمن دارد یا علی
غیبت نباید کردن که هیچکس از آدمیان نباشد که او را عیب
و علتی نبوده باشد یا علی اگر طاعت کنی و صدقه بدهی از
برای رضای حق تعالی بده که طاعت ریایی و صدقه ریائی
ثواب نبوده باشد بدانکه قیامت هر روز که برآید ای

آدمیان

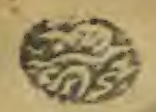
آدمیان امروز من روز [illegible] فردای قیامت بر افعال شما
گواهی دهم و شب نیز همین گوید شب و روز چنان معاش
کن که فردای قیامت بر تو گواهی بخیر دهند یا علی چون خدای تعالی بنده را
دوست دارد چهار خصلت پسندیده بوی دهد اول آنکه راست
گوی بود دوم آنکه امانت مردمان را خیانت نکند سیم آنکه اهل
سخاوت باشد چهارم آنکه نفس خود را از حرام نگاه دارد یا علی
با مردگان صحبت مدار پرسید حضرت امیر المؤمنین گفت یا رسول الله
مردگان چه کسانند حضرت فرمود که مردگان توانگرانند
که دل ایشان سیاه باشد و با ایشان صحبت داشتن و همنشین
بودن بد باشد بپرهیز از سخن چینان که ایشان دشمن
حضرت خداوندست بهترین مردمان کسانی اند که سخی
و صابر باشند عالم باش یا متعلم که احمق باشد کسی که سخن

خمیر را گوشت نکنند و اگر گوشت کنند در میان جبه جیان عمل کنند

بپرهیز از دوستی که ننگی ترا بپوشاند و اگر بدی بیند
آشکار کند در میان مردم   چون دست روی بشوی
آب بسیار مریز که بود و بال باشد   چون از روی شستن
فارغ شوی یک مرتبه انا انزلناه را بخوان که ثواب
عظیم دارد   چون از وضو ساختن فارغ شوی ده مرتبه
بر محمد و آل محمد صلوات بفرست تا از دوزخ نجات یابی

چون از وضو فارغ شوی رو بسوی آسمان کن و
بگوی که سُبحانَکَ اللّهُمَّ وَبِحَمدِکَ اَشهَدُ
اَن لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَ
اَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبدُکَ وَرَسُولُکَ وَاَشهَدُ
اَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّکَ وَوَصِیُّ رَسُولِکَ وَاَستَغفِرُکَ وَاَتُوبُ اِلَیکَ   هر کس این کلمات

بگوید



محمد

بگوید حق تعالی وی را بیامرزد   هر کس در وقت
غروب آفتاب لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله را بسیار بگوید حق تعالی گناهان وی
بیامرزد   چون نماز صبح را بگذاری هم آنجا بنشین و
قرآن بخوان یا ذکر حق تعالی میگوی تا برابر حاجیان ثواب
حج و عمره دریابی   در ماه رمضان در سحر خوردن طعام
ثواب عظیم دارد اما بشرط آنکه خواب نکنند و نماز بگذارند
و قرآن بخوانند و ذکر حق تعالی بگویند   هر کس روز
جمعه غسل کند ثواب عظیم دارد   در وقت سر بسجده
نهادن چون از تسبیح و سجده فارغ شوی در حالت
سجده بگوی رَبِّ ظَلَمتُ نَفسِی فَاغفِر لِی ذُنُوبِی فَاِنَّهُ
لا یَغفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنتَ   هر کس زکوة مال ندهد در قو

باشند و در آسمان و زمین او را لعنت کنند که خلاف
امر خدای تعالی کرده باشند یا علی با ربا خوار منشین که ربا
خوار بدترین مردمان است نزد الله تعالی قرآن
بلند مخوان و دعا را بلند مخوان یا علی نماز صبح را بتعجیل
بخوان که شیطان راه می‌یابد یا علی برادرم جبرئیل گفت
اگر من از آدمیزاد می‌بودم هفت خصلت را شعار خود می‌ساختم
اول نماز پنجگانه دویم با علما نشستن سیوم بیماران مسلمانان را
پرسیدن چهارم بر جنازه مسلمانان رفتن و نماز گزاردن پنجم
مومنان را از برای رضای خدای تعالی آب و طعام دادن
ششم مسلمانان را صلح نمودن تا نزاع برطرف شود هفتم یتیمان را
حرمت کردن و نوازش نمودن جهت آنکه هر وقت یتیمی گریه کند ملائکها
را [illegible] عرش عظیم بلرزد و جای آن کس در دوزخ باشد

یا علی

یا علی در تن آدمی هیچ عضوی بهتر از زبان نیست اگر
زبان از بد گفتن نگاه داری از همه بلاها محفوظ مانی
در هر ماهی سه روز روزه بدار سیزدهم و چهاردهم و
پانزدهم که او را ایام البیض گویند هر کس در روزی
هشت مرتبه بگوید که اَسْتَغْفِرُ اللهَ لِی وَلِجَمِیعِ المُؤْمِنِینَ
وَالمُؤْمِنَاتِ وَالمُسْلِمِینَ وَالمُسْلِمَاتِ الأَحْیَاءِ
مِنْهُمْ وَالأَمْوَاتِ حق تعالی گناهان او را در جریده عابدان
و صالحان ثبت کنند یا هر کس در روزی صد مرتبه بگوید
لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ بَعْدَ کُلِّ أَحَدٍ
وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ یَبْقَی رَبُّنَا وَیَفْنَی کُلُّ أَحَدٍ
در هفت طبقه آسمان هیچ فرشته نباشد که جهت او آمرزش
نخواهند هر کس هر روز سه وقت یکبار بگوید که

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ
در روز قیامت حساب او آسانی بکند زیرا یا علی روز
فراخ و طاعت کم از خشم خدای تعالی است یا علی
دو رکعت نماز شب بهتر است از هزار رکعت نماز روز بود
که سنت گذارند و بروز توبه کنند و بشب در آئینه نگاه
کمتر مکن و چون نماز گذاری در آسمان نگاه مکن که بینائی
حرمتی تمام بود پیراهن باز گردیده مپوش که جهل عظیم است
یا علی از میان قطار شتران مگذر که تن رنج و زحمت
رسانند یا علی بدرویشان زحمت مرسان و همسایه را
گرامی دار یا علی با رفیقان در مقام خشم و غضب مباش
و چون خواهی سخن گوئی اول اندیشه بکن اگر صواب بود
بگوی و اگر خطا بود مگوی یا علی اگر کسی خواهد که ترا ضیافت

کند اجابت

کند اجابت کن و بشب تنها مرو و در خانه طعام مخور که شیطان هم کاسه
میشود یا علی با همکاسه خود ظلم مکن و لقمه بزرگ بر مدار که بسیار بد بود
یا علی چون مشورت کنی با مردانا این کن و سر خود را با هیچکس
مگوی یا علی زبان را دراز مکن و بر زیر دستان ستم مکن و بندگان
خدمت سخت و دشوار مفرمای یا علی تکبر مکن و سایل را نا امید
باز مگردان یا علی در بلا صابر باش تا بمرتبه ایوب برسی
و در نعمت شاکر باش تا بمرتبه سلیمان رسی و قرآن بسیار
بخوان یا علی از گناهان گریان باش که حق تعالی آب چشم
عاصیان را دوست میدارد یا علی پیوسته خود را پاک دارد
چون بول و غایط واقع شود مخرج بول و غایط را پاک بشوی
بیشتر تلخی جان کندن و عذاب قبر از بی طهارتی بود
چون طعام خوری و جامه نو پوشی بگوی بسم الله و بالله

وچون در مسجد روی بگوی بسم الله السلام علی من
اتبع الهدی والسلام علی رسول محمد وآله اللهم
افتح لی ابواب رحمتک وابواب مغفرتک و در آفتاب بسیار منشین که صفای روی را
ببرد و دردهای مختلف پدید آید   هر روز و هر شب سوره
یس را بخوان تا حق تعالی ترا از بلا ایمن دارد   اگر بسیار
فرو رفته اند کی وام کن که وام بسیار بنده کیست و شب بی
خوابی و بروز خجالت و روز ذلت   هر کس در شب آدینه
سوره البقره را بخواند و سوره الدخان را حضرت حق تعالی
بر فضل و کرم خود بر گناهان او ... او را ببخشد و هر کس در وقت
خفتن سوره الم و الکهف بخواند در درگاه حق تعالی ثواب یابد
هر کس در وقت خفتن سوره والسماء والطارق بخواند
ثواب بسیار در نامه اعمال او بنویسند   هر کس صلوات بسیار

وکشته را بگوید

وبگوید که لا اله الا الله وحده لا شریک له وله الملک
وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر
حضرت حق تعالی گناهان او را بیامرزد و دیگر حضرت فرموده که
هر کس این تسبیح را ورد سازد ثواب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و عزرائیل علیه السلام بدو کرم نماییم و از عذاب ایمن
گردانیم و گناهان او را عفو فرماییم و در قیامت روی او چون
ماه شب چهارده درخشان باشد و در قیامت استغفار برد و
زود داخل بهشت شود و ثواب و فضیلت این تسبیح بسیار است
و این است بسم الله الرحمن الرحیم سبحانک الله انت الله
رب العالمین سبحانک انت الله المهیمن العزیز
الجبار المتکبر سبحانک انت الله المصور الحکیم
سبحانک انت الله الخالق الباری

أَنْتَ اللهُ البَصِيرُ الصَّادِقُ سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللهُ
السَّمِيعُ العَلِيمُ سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللهُ العَلِيُّ
العَظِيمُ اِرْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
و دیگر حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم فرموده است که دو کلمه است که بر زبان سبک است اما گرانست
در پله میزان او عزیز است نزد خدای تعالی و آن سبحان
الله و الحمد لله است و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه السلام
فرموده است که حق تعالی فرشته آفریده است که او را صد هزار
سر است و در هر سری صد هزار زبان و بهر زبانی حضرت حق سبحانه
و تعالی را بنوعی دیگر تسبیح و تهلیل میگوید تا گاه بجا طاقت گذشت
که این حمد و ثنا که من حضرت خداوند را میگویم هرگز هیچکس
نگفته است و نخواهد گفت حق تعالی خطاب کرد بآن ملک که آن



چه بود که بجا طاقت گذرانیدی من که خداوند عالم و عالمیانم و بنده
آفریده ام که یکی دیگر زبان دارد و مرا بنوعی حمد و ثنا میگوید که زیاده
از حمد و ثنای تست و از جمیع گروهان و چون آن ملک خطاب
الهی را بدان نوع بشنید گفت خداوندا این بنده مقرب تو کجاست
تا او را ببینم و زیارت کنم ندا رسید که در فلان جزیره مردیست
و او را در آن جزیره ساکن گردانیده ام برو و او را زیارت کن چون
آن فرشته بدان جزیره رفت و دید که از بنی آدم شخصی نماز بجا
گذارده و رو بقبله نشسته و میگوید که سُبْحَانَ اللهِ عَدَدَ
مَا سَبَّحَهُ المُسَبِّحُونَ مِنْ خَلْقِهِ فِي السَّمٰوَاتِ
وَالأَرْضِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِ أَبَدًا
سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ القِيٰمَةِ وَالحَمْدُ للهِ رَبِّ
العَالَمِينَ عَدَدَ مَا حَمِدَهُ الحَامِدُونَ مِنْ خَلْقِهِ

فِي السَّمٰوَاتِ وَاَرْضِهِ مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ اِلٰى اٰخِرِهِ
اَبَدًا سَرْمَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
عَدَدَ مَا هَلَّلَهُ الْمُهَلِّلُوْنَ مِنْ اَوَّلِ اِلٰى اٰخِرِهِ اَبَدًا
وَسَرْمَدًا دَائِمًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ عَدَدَ
مَا كَبَّرَهُ الْمُكَبِّرُوْنَ مِنْ خَلْقِهِ فِي السَّمٰوَاتِ
وَاَرْضِهِ مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ اِلٰى اٰخِرِهِ اَبَدًا سَرْمَدًا
اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ عَدَدَ مَا مَجَّدَهُ الْمُمَجِّدُوْنَ
مِنْ خَلْقِهِ فِي السَّمٰوَاتِ وَاَرْضِهِ مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ
اِلٰى اٰخِرِهِ اَبَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ حق الله

چون ملائکه آن تسبیحات
و تهلیلات و تمجیدات و تحمیدات آن بنده را شنیدند

گفت

گفت پروردگارا خداوندا تسبیح این بنده شایسته تو
به تسبیحات جمیع خلایق برابری میکند و القصه تا الله تعالی
الی جمیع مومنان را و خواندن این کلمات با برکات میسر شود
بحق محمد و آله الامجاد روایت است که چون حضرت حق تعالی بقدرت
کامله خود بید قدرت حضرت آدم علیه السلام را خواست بیا
فریند خطاب کرد بملکوت سموت که یا ملائکتی انی جاعل
فی الارض خلیفة ملائکه ملائکها گفتند نحن نسبح بحمدک
و نقدس لک اتجعل فیها من یفسد فیها و
یسفک الدماء خطاب حضرت جبروت در رسید که
انی اعلم ما لا تعلمون چون حضرت حق تعالی کالبد
حضرت آدم را علیه السلام بید قدرت بیافرید و روح در
بدنش دمیده هنوز روح بسینه او نرسیده بود که نشست او را

عظمه آمد و گفت الحمد لله رب العالمین و ندا از حضرت
رب العزت در رسید که یرحمک ربک بعد از آن حضرت
حق سبحانه و تعالی مباهات کرد و فرمود که این فرشتگان بر
اعتراض داشتند و راضی نبودند در آفرینش آدم از بهر
آنش آفریدم که مرا این چنین حمد و ثنا گوید که هرگز هیچکس
نگفته است بدولت حمد و ثنا بود و برکت حضرت محمد
مصطفی صلی الله علیه و آله بود که نوری از پیشانی حضرت
آدم علیه السلام بتافت که عرش الهی منور گردید و حضرت
حق سبحانه و تعالی جمیع ملائکه را فرمود تا حضرت آدم را سجده
کردند و استاد جمیع ملائکه گردید و ملائکه هفت آسمان از او علم
آموختند و همه مامور امر او گردیدن نقلست که ثابت البنانی
از اکابر دین بود دیکوقتی بطواف بیت الله رفت و طواف

کرد

کرد و این حمد را بخواند که اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ کَمَا
یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِکَ وَعِزِّ جَلَالِکَ وَ
عَظَمَتِ رُبُوبِیَّتِکَ حَمْدًا کَمَا اَنْتَ اَهْلُهُ
وَتَسْتَحِقُّ فِی نَفْسِکَ یَا ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ از بالای در خانه کعبه آوازی شنید که
که یا ثابت ما چهل هزار فرشته ایم که ثواب حاجیان را می نویسیم
حضرت حق سبحانه و تعالی امر کرده است که حمد و ثنای که تو گفته
بنویسیم و حال مشغولیم و هنوز ثواب آن حمد یکی که بیشتر گفته
به بقیه کتابت در نیاورده ایم و با نه آمده و آن حمد را
میخواند و پس هر کس این حمد را ورد ساز که بعد از هر نماز
بخواند باشد و آن مقدار ثواب و درجه دریابد که مذکور شد
و حمد دیگر هر کس بسیار بخواند ثواب عظیم دریابد الحمد

لک الحمد عند عفوک عن عبادک یا
غفور یا شکور یا تواب یا وهاب یا حنان یا
منان یا ذو الجلال والاکرام ثواب این تسبیح بسیار است روایت
از حضرت رسول الله فرموده است که یکمرتبه ابراهیم خلیل الله
علیه السلام گفت الحمد لله بعدد کل احد و الحمد لله
بعدد کل احد و الحمد لله علی کل حال حضرت حق سبحانه تعالی
امر کرد بفرشتگان که ثواب این حمد را بنویسید فرشتگان
گفتند خداوندا ثواب این حمد زیاده از عدد ستارگان
و برگ درختان است بغیر از حضرت خداوند کسی دیگر حساب
و قدر این حمد را نداند و فرشتگان دیگر باره مناجات
کردند و گفتند خداوندا ثواب این حمد تمام ابراهیم علیه السلام را
[illegible] که تحریر نیست و ندا از جانب لامکان در رسید که ای

فرشتگان

فرشتگان گواه باشید که هر آن بنده از بندگان که امر مرا از برای
رضای من بجای آورد و این حمد و ثنای مرا بخواند از ثواب
ابراهیم علیه السلام با نصیب و بهره‌مند بوده باشد حمد دیگر
روایت است که هر کس هر روز این حمد را بخواند که الحمد لله
علی الایمان و الحمد لله علی الاسلام و الحمد
لله علی السلامة و الحمد لله علی الصحة و الفراغة
و الحمد لله علی کل حال حق تعالی
ایمان او را از شر شیطان نگاه دارد و تن او را از بلاها محفوظ
دارد و ثواب و درجه بجد باکرم فرماید روایت است که
روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر امین خانه
کعبه نشسته بود و از محبان بسیاری پیش آن حضرت حاضر بودند
که ناگاه جبرئیل علیه السلام در رسید و گفت یا رسول الله حق

سلام میرساند و بعد از سلام درود بسیار میفرماید که یا محمد در
حق تو و امتان تو شفقت و عنایتی نمودم که در حق هیچ پیغمبری
ننموده ام و این فضیلت در قرآنست سوره ایست که حمد
منست که اگر تورات موسی علیه السلام بودی یکی از امتان
او یهود و بوزینه نگشتی و اگر در انجیل عیسی علیه السلام
بودی یکی از امتان او مسخ و سنگ نگشتی یا محمد شب و روز امتان
تو گناه میکنند برکت آن سوره است که آتش از اسمان
نازل نمیشود که همه را بسوزد و هلاک گرداند چون صحابان
این را شنیدند گفتند یا رسول الله جان ما فدای تو باد که
و آن کدام سوره است حضرت فرمود که آن سوره الحمد لله
رب العالمین و مردمان حیرت نمودند از قدر و فضیلت
الحمد لله آنگاه حضرت فرمود که این یاران بدانید و آگاه

باشید

باشید که برادرم جبرئیل علیه السلام مرا خبر داد که حضرت حق
تعالی چون [illegible] را بیافریدم فرمان داد که ای قلم بنویس قلم بناله
و زاری در آمد که گفت خداوندا چه چیز بنویسم ندا رسید که
بنویس الحمد لله رب العالمین چون کلمات عزیز شریف
بنوشت حضرت حق تعالی چندین هزار فرشته از نور پاک
کلمات متبرک بیافرید و فرمود که دعا کنند از برای آنکسی که
این سوره را بسیار میخوانده باشد باز فرمان رسید که ای
قلم بنویس که الرحمن الرحیم چون این کلمات بنوشت
نوری از این کلمات عزیز شریف ظاهر گردید باز حضرت
حق تعالی آن نور را دو قسم گردانید از یک قسم هزار دریای
نور بیافرید و از یک قسم دیگر هزار هزار دریای مغفرت
بیافرید باز فرمان رسید که یا قلم بنویس که مالک [illegible]

یَوْمِ الدِّینْ و چون قلم این کلمات را بنوشت حضرت حق
تعالی نوری ازین کلمات بیافرید و آن نور را دو قسم
گردانید از یک قسم عدل بیافرید و از یکی فضل از برای
مؤمنان و عدل از برای جمیع خلایق که در قیامت بعدل
حساب خلایق خواهند نمود نه بظلم و ستم باز فرمان در رسید
که یا قلم بنویس که اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِینُ
چون قلم این کلمات را منور گردانید باز حضرت حق سبحانه
و تعالی این نور را دو قسم گردانید یک قسم آن نور را
بمیکائیل داد که این را برگیر که این روزی بندگان منست که
هر چه امر کنم بایشان برسانم و یک قسم را بجبرئیل علیه السلام
داد که این توفیق دوستان منست هر کس این سوره را بسیار
بخواند او دوست منست باز فرمود یا قلم بنویس اِهْدِنَا

الصراط

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیمَ چون قلم این کلمات را بنوشت
نوری ازین کلمات شریف پدید آمد و از آن نور هفتاد هزار
دریای هدایت پدید آورد و چون خواهد که بر بنده ببخشاید
و گناهکار را امر کند تا قطره چند از آن دریاها بر دل آن بنده
چکانند منور گردد و از ظلمت و تاریکی بیرون آید و باز فرمان الهی
در رسید که یا قلم بنویس که صِرَاطَ الَّذِینَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ
چون این کلمات را بنوشت نوری ظاهر گردید که تمام ملکوت را
روشن گردانید حق تعالی نور را دو قسم کرد و گفت که این یقین
از محمد و صادقان امت اوست که هیچ جایی از من روی نگردانید
و این قسم عنایت منست که در حق ایشان کرده ام که هر چند
گناه و معصیت کنند و توبه کنند من خداوند آمرزگارم بر ایشان
ببخشایم باز فرمان رسید که یا قلم بنویس که غَیْرِ الْمَغْضُوبِ

عَلَيْهِمْ چون این کلمات را نوشت هول هیبت وصلابتی
در هفت آسمان و زمین افتاد حق تعالی از آن هیبت وصلابت
صور اسرافیل را علیه السلام بیافرید باز فرمان رسید که یا قلم
بنویس که وَلَا الضَّالِّينَ چون قلم این کلمات را
نوشت نوری با هیبت و جلالت ظاهر گردانید و از آن نور
فرشته بیافرید چون قیامت شود هفت آسمان و زمین را
بدست گیرد و یک مرتبه فرو افشاند که جمله آسمانها و زمینها پاره
پاره گردد و بریزد و ناقص نابود گردد با مر و فرمان خدای تعالی
و چون مردمان فضل و بزرگی این سوره متبرکه را بشنیدند گفتند
یا رسول الله هر کس این سوره بزرگوار را در پنج وقت نماز
بخواند چه مقدار ثواب دریابد حضرت فرمودند که ثواب
هر چه این سوره متبرکه در فهم و گمان کس نمی آید غیر از حق تعالی کسی دیگر

ازین

ازین اسرار آگاه نیست و خواننده این سوره را حق تعالی چهار
چیز وعده کرده اول از تاریکی قبر ایمن بودن دویم از پل صراط
آسان گذشتن سیم بهشت روزی گردد چهارم هر حاجتی که
از حق تعالی طلب کند بیابد روایت است که روزی حضرت
جبرئیل علیه السلام نشاط کنان نزد رسول خدای آمد و گفت
یا رسول الله در لوح محفوظ نوشته نگاه کردم دیدم که هر آن
مومنی که از امت در نماز و غیر نماز بسیار بخواند حضرت حق
سبحانه و تعالی بفضل و کرم خود بروی رحمت کند و از آتش
دوزخ نجات یابد و این سوره هفت آیه است و دوزخ
هفت طبقه است و هر کس این سوره را بسیار بخواند حضرت
حق سبحانه و تعالی در قیامت رحمت بی نهایت هر یک آیه را یک
طبقه دوزخ حجاب گرداند تا خواننده این سوره بسلامت [illegible]

طبقات دوزخ و گذشت آتش ایمن باشد و بسلامت
گذشته بهشت رسد و دیگر حضرت رسول الله فرمود که هر
کلیدی را دندانه می باشد و کلید در بهشت لا اله الا الله
است و دندانه او پنج چیز است اول چشم خود را از دیدن نا
محرم نگاهداشتن دوم زبان خود را از دروغ و غیبت نگاه
داشتن و فحش و تهمت بندگان خدای نگفتن سیم گوش
خود را از سخنان نامشروع نگاهداشتن چهارم دل خود را پاک
داشتن از کفر و شرک و حسد و کبر و کینه و خیال فاسد پنجم
فرج خود را نگاهداشتن از زنا و لواطه و اگر شخصی برابر تمام
عالم نماز گذارده باشد و روزه داشته باشد و خیر کرده باشد
خیرات کرده باشد اما گناه گفته شد کرده باشد و بی توبه
و با الله بمیرد هرگز دری بهشت را بروی او نگشایند و

بدوزخش رسانند

بدوزخش فرستند و بدانکه در گفتن کلمه طیبه لا اله الا الله
و محمد رسول الله و علیا ولی الله پنج چیز فرض است
اول این کلمات را باعتقاد و صدق دل گفتن دوم یعنی
این کلمات را دانستن سیم تصدیق کردن این کلمات
بدل و اقرار بزبان چهارم بمقتضای این کلمات عمل نمودن
و پنجم برین جمله اعتقاد بودن تا وقت مرگ و بدانکه کلمه طیبه
کو کلید در دوزخ است و حضرت حق سبحانه و تعالی در حدیث
قدسی فرموده است که لا اله الا الله حصنی لا الذی دخل فی
عذابی حضرت رسول الله فرمود که هر کس هر روز صد بار بگوید
لا اله الا الله الملک الحق المبین لا اله الا الله الملک
الحق الیقین در بهشت را بروی او بگشایند روایت است که
روزی رسول الله از معاذ جبل پرسید که در شبانه روزی چند

چند مرتبه یاد بگیری گفت ده هزار بار حضرت فرمود که من
ترا کلماتی یاد دهم که ثواب آن زیاده از سی هزار بار توحید
معاذ گفت جانم فدای تو باد یا رسول الله آن کدامست حضرت
گفت اینست لا اله الا الله عدد کلماته لا اله الا
الله عدد حسناته لا اله الا الله زنة عرشه
لا اله الا الله عدد خلقه لا اله الا الله ملأ
سمواته لا اله الا الله مثل ذلك معه دیگر
حضرت فرمود که هر کس قدم در بازار نهد بگوید لا اله الا
الله وحده لا شریك له له الملك وله الحمد
وهو علی کل شیء قدیر کراما کاتبین ده هزار
ثواب در نامه اعمال او بنویسند و بعد از نماز شام نیز بگوید
حق تعالی تا ظاهر شدن آفتاب فرشتگان را بفرماید که نیکی بجهت

گوینده

لا اله الا الله

گوینده این کلمات بنویسند و ثواب حسنه ثبت نمایند و از
بلاها نگاه دارند دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله
فرمود که چون بنده از سر صدق و اخلاص کلمه طیبه بگوید حق تعالی
[illegible] گفتار مرغی پیدا فرماید سفید و آن مرغ را دو بال باشد از [illegible]
و یاقوت و زبرجد و آن مرغ پرواز کند تا به آسمان برود
تا بزیر عرش حق تعالی فریاد و فغان برآرد بدرگاه حضرت اله
ندا رسد که ای مرغ ساکن باش و آن مرغ بگوید بعزت جلالت
پاک پادشاهیت هیچ ساکن نشوم تا گوینده مرا بیامرزی خطاب
الهی در رسید که اگر آن بنده مومن که این کلمات را گفته است از
محب دوستان اهل بیت پیغمبران است بروی آمرزیدم و گناهان
او را بخشیدم پس آن مرغ را حضرت رب العزت هفتاد زبان
کرامت نماید تا بهر زبانی حق تعالی را تسبیح دیگر [illegible]

تا بروز قیامت و ثواب و حسنات آن مؤمن را باشد که این
کلمات گفته است و محب اهلبیت نبوت و ولایت بوده باشد
و گوینده این کلمات بآسانی از پل صراط بگذرد و در بهشت
جاودان رساند دیگر حضرت رسول الله فرموده که هر کس بعد
از نماز بامداد این دعا را بخواند در آن روز هیچ آفتی بوی
نرسد و اگر بمیرد شهید مرده باشد و در وقت مرگ کلمهٔ گفتن
شهادت را دریابد و قابض ارواح بآسانی قبض روح
او را بکند و در جواب منکر و نکیر عاجز نشود و از هول روز قیامت
ایمن باشد و آتش دوزخ بروی کار نکند و بی حساب او را
بهشت رساند اما باید که خواننده این دعا بجان و دل محب
اهلبیت نبوت و ولایت بوده باشد و از کل معاصی توبه نصوح
کرده باشد و دعای بزرگوار اینست تا واضح باشد بسم الله
الرحمن

الرحمن الرحیم لا اله الا الله ذو العرش الرفیع
لا اله الا الله ذو العرش المنیع لا اله الا الله ذو العز
الوقیع لا اله الا الله ذی البطش الشدید لا
اله الا الله ذی اللطف الخفی لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و
یمیت وهو علی کل شیء قدیر یا ذو الجلال و
الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین حضرت رسول الله فرموده است
که هر کس هر روز این دعا را سه بار بخواند چنان باشد که یک مرتبه
ختم قرآن کرده باشد و صد مسکین را طعام داده باشد و هرگز
محتاج نشود و از بلاها ایمن باشد دعای بزرگوار اینست
والله اعلم بالصواب بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
یا عالم السر والنجوی یا کاشف الضر

لا اله الا الله [illegible] الملک الحق المبین

البلوی اجعلنی من امری فرجا ومخرجا ایاک
نعبد وایاک نستعین اللهم لک الحمد و
الیک المشتکی وانت المستعان ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم دیگر آنحضرت فرمود که هر کس بعد
از هر نماز این دعا را بخواند اللهم انی اقدم الیک
بین یدی کل نفس ولحظة ولمحة وطرفة
یطرف بها اهل السموات واهل الارض وکل
شیء هو فی علمک کائن او قد اقدم الیک ذلک کله
وکل ما ذکر الذاکرون وکل ما غفل عن ذکرک الغافلون
وآیة الکرسی را متصل باین دعا بخوانند در نامه اعمال آن کس
هزار حسنه بنویسند دیگر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله فرموده است
که هر کس بامداد بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وکلمه طیبه را
چند مرتبه بگوید الله تعالی هفت حصه چیز باو کرامت کند اول

امر کند

امر کند تا جان او را با آسانی بردارند دویم با نور ایمان از این دار
فنا بدار بقا رود سیم بامر حق تعالی تا قیام قیامت قبر او منور باشد
چهارم نامه اعمال او را بدست راست او دهند پنجم بد نامه نیکی
او را بر نامه بدی او بیفزاید ششم از صراط آسان بگذرد هفتم
بهشتش رسانند دیگر حضرت رسول الله فرموده است که آنچه
حضرت حق سبحانه وتعالی بر بندگان خود فرض ولازم وواجب
گردانیده‌ام واگر تغافلی نمایند وآن امر را نیکو بجای نیاورند
نعوذ بالله در وقت جان دادن توفیق گفتن کلمه طیبه
لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله را
درنیابد در روایت است که یکی از اکابر دین دید که شخصی
نماز میگذارد ودر رکوع وسجود را بجای نمی آورد وآن بزرگ
از آن شخص پرسید که چند گاه است که همچنین نماز میگذاری گفت

جهل سالست و آن بزرگ دین گفت نمازی که درین چهل
سال گذارده بیکاری کرده بدان که نماز بر رکوع و سجود درست
و اگر قاعده بجای آورد روایت است که خواجه عبد الله
انصاری گفت که چندین سال عبادت میکردم قبول درگاه
حق تعالی نمی افتاد یک شب بتضرع و زاری روی بدرگاه
حق تعالی کردم خوابم در ربود و سروشی بگوشم رسید که ای
عبد الله اگر میخواهی که نمازت قبول شود [illegible] مستجاب
گردد این دعا را بعد از هر نماز بخوان بسم الله الرحمن
الرحیم یا مقلب القلوب والایمان یا مفتح الابوا[ب]
والخیر و یا مسبب الاسباب بالقضاء والقد[ر]
اجعلنی من الهم والغم فرجا و مخرجا
برحمتک یا ارحم الراحمین نقلست که اگر

کلمه کفر گفته باشد و این کلمات را در روز سه مرتبه و در شب
سه مرتبه بخواند امید هست که تدارک او شود دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اعوذ بک من ان اشرک
بک شیئا انا اعلم واستغفرک لما اعلم انک انت علام
الغیوب ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده است که هر کس که
این دعا را هر [illegible] یکبار بخواند حق تعالی ایمان او را از
غارت شیطان نگاه دارد ان شاء الله تعالی دعا اینست
بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله الحنان المنان والملک
الدیان لا اله الا الله الصمد الرحمن
و هر کس این دعا را ورد کند از جایی که گمان نداشته باشد
روزی او با و برسد روایت است که حق تعالی [illegible]

علیه السلام که میخواهی که بر تو رحمت کنم و طاعت ترا قبول
کنم موسی علیه السلام گفت خداوندا زهی دولت و زهی سعادت
من که مرا این سعادت میسر شود ندا رسید که هر که هر روز و شب سحرگاه
مرتبه بگوید که استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
و اتوب الیه بدانکه برای استغفار هیچ وقت
بهتر از سحرگاه نیست و کفارت گناهست و بدانکه عبادت
و دعا و استغفار در شب همه نورست و در دنیا و در
آخرت بر صراط و بر بهشت راه نمایست و بنده مومن
شب خیز بدرگاه حضرت حق تعالی نزدیکست و حضرت رسول
صلی الله علیه و آله فرموده است که چون مومنی از بندگان
خدای تعالی شب در نماز بایستد حضرت حق سبحانه و تعالی
[illegible] بفرشتگان هفت آسمان که نگاه کنید در بنده من که

درین



درین دل شب چگونه روی بدرگاه من آورده و بخدمت
من ایستاده است و از برای من و از بیم غضب من بتضرع
و زاری در آمده بدانید و آگاه باشید و گواهی بدهید که بر وی
رحمت کردم و از آتش دوزخ نجاتش دادم روایت است که حضرت
موسی علیه السلام بخدای تعالی مناجات کرد و گفت خدا
وندا اسم پاک حضرتت را در چه ساعت بخوانم که بهتر باشد
ندا رسید که در دل شب که دعا زود ترا جابت میکنم بدانکه
هفت گروه در سحرگاه کرامت و مرحمت یافتند اول حضرت
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که برکات فتح و نصرت
یافت دویم حضرت امیرالمومنین علیه السلام که از
حق تعالی مدح و ثنا یافت والمستغفرین بالاسحار
دیگر احسان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله هرچه مقصود و مطلب [illegible]

کراست نزا بوده در سحرگاه یا بند دیگر نماز گذاردن
شب خلوت و سعادت است که در سحرگاه یابند اکابر دین
گفته است که چند چیز است که برکت را زیاده میگردانند و آرام
و نشاط دل است اول قرآن خواندن بسیار و دعا و نیاز
مندی بسیار و نشستن با مردم عالم و پرهیزکار و خورش و پوشش
حلال و نماز گذاردن بدرگاه خدا و استغفار آمرزش کار در
سحرگاه در هر لیل و نهار روایت است که حق سبحانه و تعالی خطاب
کرد بداود نبی علیه السلام که هر کس دعوی دوستی من میکند
سحرگاهان در خواب میرود او دروغ میگوید و هر کس را عجب
می آید که عاشق را خواب بوده است و مردمان غافل میگویند
این مدعیست نه عاشق بجهت آنکه خواب بر عاشق حرام است
هر که [illegible] بسیار بگوید لا اله الا انت سبحانك اني

کنت

خواص

کنت من الظالمین حق سبحانه و تعالی بروی بیامرزد
و رحمت کند بجهت آنکه وعده کرده است چنانکه در کلام مجید
میفرماید که فنجیناه من الغم وکذلك ننجي المؤ
منین هر کس دعای سید الاستغفار را ورد سازد
و بسیار میخوانده باشد و از گناهان کبیره و صغیره توبه کند
و بعد الیوم در مقام آن بوده باشد که از آن عمل بد ظاهر
نکرد البته او را بیامرزد و دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم استغفر الله من الکذب والغیبة
والبهتان ومن جمیع الذنوب والکفر والطغیان
دیگر بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم
و دیگر دعاها را بخواند و بدرگاه قاضی الحاجات مناجات
کند و آمرزش خواهد حق تعالی چند ملک را امر کند [illegible]

فایده منقبی که دلیل
فرخت شود این
کلماترا بنویسد در
متاع گذارد باندک
زمانی فروخت
شود

بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسئلک
من فضلک و
... فانهما
لک ولا تملک
احدا

... او را آمرزش خواهند اما شرط اینست که آن
مومنی که از حق تعالی طلب آمرزش مینماید و در طاعت
وبندگی حضرت پروردگار تقصیر نکند و از رحمت بی نهایت
حق تعالی امیدوار بوده باشد و حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده است که توانگری مال کیست که از سر صدق و اخلاص
سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكبَر
وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيم
بسیار بخواند حق تعالی او را چندان ثواب و حسنه دهد که
در حساب نگنجد و دیگر فرموده است که چون شیطان لعین
وسوسه کند از سر صدق بگوید لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا
بالله العلی العظیم چون این کلمات عزیزه
علی الله ... بشنود بگوید شیطان لعین بگریزد و دیگر فرموده است

... ین الطاهرین

که در وقت

که در وقت وضو ساختن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
حق تعالی گوینده این کلمات بزرگوار را از گناه پاک گرداند دیگر
فرموده است که آمرزش بی توبه آنست که کسی ندانسته در وقت
بول کردن رو بقبله ننشیند و چون بخاطرش رسد همان
لحظه روی بگرداند و حق تعالی بروی مرحبا زند و هرکس بگوید سبحان
المقدس ما یشاء لقلت ربه فعال لما یرید بعزته
چنان باشد که صد رکعت نماز نافله گذارده باشد و هرکس بعد از
نماز جمعه هفت مرتبه سوره فاتحة الکتاب و چهار قل را هر کدام
هفت مرتبه بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند که اَللّٰهُمَّ
یا غَنِیُّ یا حَمِیدُ یا مُبدِئُ یا مُعِیدُ یا غَفُورُ یا وَدُودُ
اَغنِنِی عَن حَلالِكَ بِحَرامِكَ وَبِطاعَتِكَ عَن
مَعصِیَتِكَ وَبِفَضلِكَ عَمَّن سِواكَ بِرَحمَتِكَ یا اَرحَم

ملا
و
و

الراحمین   تا جهود دیگر از بلاها و محنتها ایمن باشد
و از جای که گمان نداشته باشد روزی او برسد و از خلایق
بی نیاز گردد حضرت امیرالمؤمنین که فرموده است خیر دنیا و
آخرت درین دعا است بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ
اَللّٰهُمَّ اِنّی بِحَمدِکَ عَلی کُلِّ نِعمَةٍ وَاَستَغفِرُکَ
مِن کُلِّ ذَنبٍ وَاَسأَلُکَ مِن کُلِّ خَیرٍ وَاَستَعِیذُکَ
مِن کُلِّ بَلاءٍ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ هرکه
هرکس این دعا را از سر صدق و اعتقاد درست بخواند جمال
جهان آرای سید کائنات را بخواب ببیند دعا اینست
بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ سُبحانَ اللهِ
العَلِیِّ العَظِیمِ مالِکِ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ وَعَلیٰ جَمیعِ

خَلقِهِ کُلَّما یَری اَو یَرضیٰ وَعَزَّ جَلالُهُ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمِینَ
یکی از اکابر دین گفته است که بنده مؤمن میباید از روی
تضرع و زاری و نیازمندی بگوید که رزق بمن برسانی شکر
گویم و اگر ندهی صبر کنم با مر تو رضا دهم و فرمان دهم اگر بخوانی
اجابت و اگر بخوانی عبادت کنم و سجده ترا بجای آورم و
حضرت امام زین العابدین چون سر بسجده نهادی مناجات
کردی بدرگاه قاضی الحاجات و این کلمات را میگفت
عُبَیدُکَ بِفِنائِکَ وَاَسیرُکَ بِفِنائِکَ در احادیث
قدسی وارد شده است که حضرت حق تعالی خطاب فرمود بحضرت
رسول صلی الله علیه وآله اگر میخواهی که زاهدترین مردمان
باشی پرهیز از دنیا و رغبت کن با آخرت گفت خداوندا
از دنیا چگونه پرهیز کنم ندا رسید که مشغول نشوی الا بما

و از لباس و از برای خود ذخیره منه و همیشه بیاد من باش
پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت خداوندا چگونه همیشه بیاد تو
باشم ندا رسید که اکثر اوقات تنها بنشین تا من مونس
تو باشم و تو نیز بیاد من باشی و باید که بطعام چرب و
اشربهٔ شیرین و ترش کمتر رغبت نمایی و شکم را از
طعام سیر نسازی و باندک قناعت کنی که لایموت تو بوده باشد
و خانه خود را از مطاع و زینت دنیائی نداری یا محمد مثل مردمان
بوالهوس کودکان ابلق و زرد دنیا مایل نشوی که بوالهوسان
آنرا دوست میدارند و بزینت دنیا فریفته میشوند و حضرت
رسول الله مناجات کرد و گفت خداوندا مرا بعملی دلالت
کن که چون آن عمل را بجا آرم بدرگاه تو تقرب یابم ندا رسید
که در دل شب دعا را زود تر اجابت میکنم و شب را بنماز گذارن

و روز را



و روز را بروزه و نماز و ذکر من بگذرانند و سیر خوردن را بگرسنگی
مبدل کنند بعزت و جلال من که خداوندم سجده میبرم عالم که هر
مومنی که این چند خصلت را ورد سازد او را در ارم و در بهشت
اول زبان خود را نگاه دارد از سخنان بد نا مشروع دویم چشم خود را
نگاه دارد از وسوسه شیطان سیم پیوسته نماز شب بگذارد از
برای رضای من چهارم گرسنگی را عادت خود سازد یا محمد بدان
آگاه باش که بنده من محل بمن نزدیک میشود که در بندگی و
طاعت من در سجود باشد یا از بهر معرفت من اکثر اوقات
گرسنه باشد یا محمد بدان و آگاه باش که جمعی از بندگان من که هر
نماز میگذارند و روی بدرگاه و رحمت من آورده و بر بیت
ولی رخود نگاه میکنند یا غیر از گرا میخواهند و رحمت که امید
دارند و ایشان را بگوی که اگر عاشق مطلقند عاشق ایشان

و

منم و اگر معشوق مطلبند معشوق ایشان منم و اگر درد دارند
درمان ایشان منم و اگر نگهبان مطلبند فطاه نگهبان
منم و اگر دشمن دارند دفع کننده دشمنان ایشان منم دیگر
بگوی مردمان را که قوت یکروزه دارند غم فردا نخورند و دیگر
بگوی آن مردمان اگر بمیده شند که من راضی ام یا در مقام قهر و غضب
ایشان دل خوش دارند و پیوسته بذوق و نشاط اند و از
دوزخ سوزان فراموش کرده اند یا محمد بدانکه در بهشت قصری
آفریده ام از یاقوت و در بزرگی و وسعت برابر تمام عالم دران
قصر خاصان من خواهند بود آنجای و مقام ایشان خواهد بود
و هر ساعتی هفتاد مرتبه برحمت و شفقت بی نهایت خویشتن
ایشان سرافراز خواهم نمود و با ایشان سخنان از روی محبت
و مهربانی خواهم گفتن و لذت اهل بهشت در دعوت وقت

هرکس دو شب جمعه ده مر
تبه این دعا بخواند
حق تعالی خصم یاد کرد
دست اگر او را بکنم
پروردگار او میباشم
بسم الله الرحمن الرحیم
یا ذا الفضل
علی البریة یا با

مشتاقم



سرا کا طهورا باشد و لذت ایشان کلام من باشد
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت خداوندا آنجماعت کان
منزل و مقام ایشان را باشد چه کس شد در دار دنیا شغل و عمل
ایشان چیست و چه شان دارند ندا رسید که ایشان کسانی
باشند که دار دنیا بر ایشان همچون زندان باشد و زبان
خود را از سخنان بیهوده و هرزه نگاهدارد و شکم خود را از طعام
بسیار نگاه داشته اند یا محمد بدانکه اهل آن قرینش را طعام دنیا
سازگار نیست و از آن زمان که مرا شناخته اند دست از دنیا
و مال دنیا باز داشته اند و رغبت بمال دنیا نکرده اند تا با من
آشنا شده اند و مرا شناخته اند و اکثر اوقات از گناهان
خود گریان شده اند و از قهر و غضب من ترسان و هراسان و پیروی
نفس سرکش خود نکنند و ترک لذت و شهوات داده اند و

حضرت امیر المومنین
علیه و علی ذریته ان
شیعیان ما ...
من جهاد الجهد بجوا
خدای تعالی او
... کرامت فرماید
... عمل طبیعی دو
مال جمعت بسیار
... با اعیان ازد
... فی حساب
... بهشت ...

واین رو نفس را خوار میدارند و بوسوسه شیطان گمراه نشوند
و نفس و شهوت و لذت را میترسانند بدانکه رحمت اهل
بهشت هر کست و هوس و راحت ایشان آب چشم ایشان
و هم صحبت ایشان فرشتگانند و مناجات ایشان با حق
و دلهای ایشان مجروح گشته است میگویند که تا ازین دار
فنا بدار عقبا نرویم راحت نمی‌یابیم یا محمد میدانی که در حق
زاهدان و پرهیزکاران چه عنایت خواهم نمودن حضرت گفت
الله اعلم خدا رسید چون فردای قیامت خلق اولین و آخرین
را زنده گردانم و زاهدان و پرهیزکاران بحساب ببهشت
جاودان رسانم و امر خواهم نمودن که از هر دری که خواهند
اینها را ببهشت در آورند و اگر خواهند ایشان کرم نمایم
لذت باشند از کلام ... مرا ... و هر آرزو و مرادی که

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی
لم یفقنی ذاته فی
... یترکنی عمیانا
للقلب الحمد لله
الذی جعلنی من
امة محمد صلی الله علیه ولم یجعلنی من ...

سائر الامم الحمد لله الذی جعل رزقی علی یدیه
شوینی ... ولم یجعله من ا
ایشان را در دار دنیا در دل مانده باشد یکی را صد و صد هزار
ایدی الناس ا
عوض حسب المدعا ایشان برآرم و پس با ایشان خطاب کنم
الحمد لله الذی
گویم کای مزد طاعتهای شماست که در دار دنیا از برای رضای
ستر عیوبی و
من کرده اید و نفس و لذت و شهوت خود را خوار داشته اید
ذنوبی ولم
و امر مرا بجا آورده اید پس بگشایم برایشان درهای بهشت را
یفضحنی بین
و بدهم ایشان را تحفها و هدیها و حجاب از پیش ایشان بردارم
الناس
تا در دوزخ نگاه کنند که ظالمان را چگونه عذاب میکنند حضرت
رسول الله مناجات کرده گفت خداوندا اینها چگونه اند که
ایشان را مگر صفت گفتی خدا رسید که اینها دوستان منند
که اگر از نعمات ایشان بمیرد غمگین نشوند و اگر مال ایشان تلف
شود شکر من گویند و ملول نشوند و در بلاها صابر باشند و ...
من رضاء هذا ... نمی‌شناسند و ایشان ...

نباشند و چندان طعام ندارند که از ایشان باز ماند و ایشان را
لباس نرم و نازک نباشد و تن ایشان هرگز راحت ندیده
و از خلایق در جایی بند و اکثر اوقات خاموش شوند و دلهای خراب
خاموشان را عمارت میکنم و جراحت ایشان را مرهم رحمت نهم
و خراب میکنم دلهای بسیار گویان را که سخن بیفایده و بیهوده
میگویند یا محمد کسی که بندگی حضرت میکند که در وی هفت خصلت موجود
باشد اول پرهیزکاری که باز دارد او را از فعلهای حرام دویم
خاموشی که باز دارد او را از سختهای یاوه و بیهوده سیوم کسی که اکثر
اوقات قهر و غضب من ترسان و هراسان باشند و گریه و سوز
سینه او روز بروز زیاده گردد و از رحمت من امیدوار باشد
چهارم صاحب حیا باشد و شرم دارد و در خلوت [illegible] عمل
بیدو باشد پنجم از خوردنهای حرام اجتناب نماید ششم

دشمن

دعای درد دندان
اگر کسی از درد دندان این
دعا بخواند اما باید
چوبی یا آهنی بر آن
دندان نهد و [illegible]
[illegible] بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله و بالله
محمد رسول الله
صلی الله علیه
و آله [illegible] ابراهیم
[illegible] الله اسکن
[illegible] سکن
[illegible] في اللیل و
النهار [illegible]



بی اعتبار
دشمن باشد که دنیا را چیزی ندارد تا بیدار شب هفتم دوست دار
بندگان را که من دوست دارم ایشان را یا محمد اگر کسی برابر تمام
بندگان من نماز گذارده باشد و روزه داشته باشد و هرگز طعام سیر
نخورده باشد و لباس نیکو نپوشیده باشد و برهنگان را پوشیده
باشد اما دنیا را دوست نداشته باشد و بر دنیا پرستان ملاقات
بسیاری نموده باشد و از شنیدن اف نه خواهان محفوظ
باشد بهشت او را منزل و مقام نباشد و هر آینه بیرون
کنم از دل او محبت خود را و تاریک گردانم دل او را چنانچه
داو را حلاوت دوستی خود روا نیست که یکی از اکابر دین
بخواب دید که چون از خانه بیرون روی اول چیزی که پیش
تو آید بخور و هم چیزی که پیش تو آید پنهان کن سیوم چیزی
که پیش تو آید او را قبول کن چهارم [illegible]

اگر کسی درد بند و
دندان باشد این
دعا را بخواند
یا ولیي في نعمتي
و یا صاحبي في
وحدتي و یا عدتي
في کربتي
سلامت از آن بلا
خلاص شود

منقولست هرکه این دعا را صبح بخواند تا شب هیچ آفت بوی نرسد اگر در شب بخواند تا صباح در حفظ خدای تعالی باشد

بسم الله الرحمن الرحيم تحصنت بنفسي الحي الذي لا يموت ابدا ودفعت عني السوء بلا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

ازو بپرهیز کن علی الصباح چون بزرگ دین از خانه بیرون شد
کوهی پیش رسید متوجه آن کوه گردید و خواست که آن کوه را بگذرد
هرچند باو نزدیک می شد آن کوه کوچک میشد تا بنزدیک آن
رسید و آن کوه مقدار لقمه شد او را بخورد و از همه خوردنیها
خوشتر آمد و پیشتر رفت دید که طشتی پر از زر افتاده آن را
پنهان کرد و از آنجا درگذشت در عقب نگاه کرد دید طشتی زر
نمودار گردیده و پیشتر شد دید که مرغی می آید و بازی از دنبال
آن می آید آن مرغ را پنهان کرد و باز رسید و گفت بده مرا
[illegible] و آن بزرگ دین پاره گوشت از ران خود ببرید و
بدان باز داد و دیگر پیشتر رفت پاره گوشت مردار تباه شده
دید افتاده و کرم بسیار بر او پیش در آمده و از آنجا بگریخت و
برفت و آن شب در خواب دید و دیگر باره دید که سروشی با او گفت

از حضرت رسول صلی الله منقولست هرکه این دعا را بخواند یا با خود دارد اگر عمر او
کس به سه روز رسیده باشد خدای تعالی ببرکت این دعا سی سال
برکت بعمر او دهد [illegible]
الله العالمین هرکه [illegible]
کافر گردد

که آنچه ترا فرمودیم بجای آوردی بدانکه آنهاکه بنظر
تو در آمد چه بود خدا داند انه عالم السر والخفیات را
بدانکه آن کوه که پیش تو آمد خشم و غضب تو بود چون کسی
خشم خود را فرو برد اول بروی دشوار باشد و اما عاقبت
شاد کام و شیرین کام گردد چون لقمه خوش طعم در دهان او
و آن طشت زر عمل نیکست و هرچند عمل خوب خود را پنهان
داری ناچار او آن را ظاهر کرده و آن مرغ مردی بود که ترا نصیحت کند
از بهر صلاح و کار مهمات تو او را قبول کن و آن باز حاجت
مندی بود که از تو حاجت خود را طلبد البته حاجت او را روا
کن اگر چنانچه موافق شرع مطهر باشد و آن مردار تباه غیبت باشد
و از آن پرهیز کن و غیبت مکن که حضرت رسول الله فرموده که
شادی مرد مؤمن در سه چیز است اول عیال شایسته دوم برادر
شناور [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم افتح لنا ابواب السماء بالرحمة والمغفرة والدولة والسلامة والعافية والارض والامانة يا حنان يا منان يا سبحان يا الله يا الله يا الله
اکو مومن

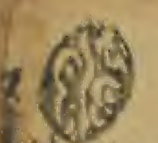
اگر شعبان بخواند جهت ...

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم یا اله البشر یا عظیم یا سمیع یا لطیف والطف و یا عزیز المن یا معز ... یا مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین ... یا ملتا اجعل ... حسبی الله ... والیه

و یا رجوانی دعا از شب دویم آنحضرت فرمود که از عملهای خیر عمل
فاضلتر است اول نماز از برای رضای حق تعالی بوقت گزاردن دویم با مادر
و پدر نیکی کردن از برای رضای حق تعالی سیم در راه حق تعالی جهاد کردن
دویم حضرت رسول فرموده که دنیا بر دوستان من در سه کار اول نفس
از دنیا جهان کشف ... فرمود دویم علما از مطالعت در کار سیم
خون خود در کردن طاعی کردن دیگر حضرت فرموده است که حق تعالی از دنیا سه
چیز من تعلق نموده است اول از زنان دویم بوی خوش سیم نور چشم
دیگر شنوده شیم از دعا از شب است دیگر حضرت امام رضا علیه السلام
که فرموده است که هر آن مؤمنی که زیارت من کند او را سه جا
مدد رسانم اول در وقت نامه اعمال خواندن در حساب
گاه دویم پل صراط و در پای میزان و حضرت رسول الله
فرموده است که خدای تعالی مرا از عزان دیگر چهار چیز ممتاز و سر

افراز



از برای روز

از برای درد سینه و برنان ... بخواند هر کس که ... بر دست بشنواند ... نان بخلقش برود و پس معلوم شود که ... همان شخص ...

بسم الله الرحمن الرحیم
لم لا یموت فیها و لا یحیی قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا ...
صلی الله علی سیدنا محمد واله اجمعین

افراز ساخته اول انکه تمام روی زمین را مسجد من و امتان
من گردانیده تا هر جا که خواهیم نماز بگذاریم دویم خاک را بجای
آب بر ما طاهر گردانیده تا در حالت ضرورت بدل غسل
و وضو و تیمم سیم غنایم و نعمت حلال داده است چهارم انکه
مرا بر جمله خلقان برسم رسالت فرستاده است حضرت امیر
المؤمنین فرموده است که حضرت حق سبحانه و تعالی فرموده است
که ای بندگان من بدانید و آگاه باشید که ندانید گناهان
صغیره و کبیره شما اگر زدیم و فارغ نیستید و کس دیگر ...
گناه کردن طعنه میزنید دویم انکه ندانید که گنجهای من تمام
شده است جهت روزی اول تنگ میباشید سیم انکه ندانید
که مملکت من زوال یافته از خدمت من بجای دیگر میروید
چهارم انکه ندانید که ابلیس ... مرده از ذکر ...

ومعتقد اگر ابلیس هرگز نمیرد از مکر او هرگز ایمن نمیتوان

بودن و مملکت حضرت حق تعالی هرگز از نقصان و زوال جون

راه نیابد و لیس از خدمت دشمنگاه او جای دیگر نمیتوان

رفتن و مال و گنج حق تعالی هرگز کم نگردد و نقصان بران

راه نیابد و لایزال است و پس باید که آدمی جهت روزی

ملول و دل تنگ نباشد حق تعالی از هر محلی که روزی او مقرر

نموده بلا قصور روز بروز باو میرساند و از بندگان خدای تعالی

هیچ مرد و زنی نبود که بقدر حال او معصیتها سر نشده باشد

پس آدمیزاد میباید در گناه و عیب خود نگاه کند نه از دیگری

بدانکه حضرت امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام

بهر حرب و غزای که فرستادم چهار چیز با حضرت همراه بودند

اول [illegible] جبرئیل علیه السلام بر دست راست او بود

روایت از حضرت امیر المومنین علیه السلام

هر که این دعا را بخواند

بلیات اگر صد ساله

مار قضا داشته

باشد ادا شود

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله قبل کل

احد و الحمد لله

بعد کل احد و الحمد

لله علی کل

حال و صلی الله

علی سیدنا محمد

و آله اجمعین

دویم میکائیل علیه بر دست چپ او میرفت سیم عزرائیل علیه

در پیش او میرفت و چهارم پاره میغ سفید بر فرق مبارکش

سایه انداخته بود تا محلی که از آن حرب بازمی آمد روایت است

که روزی اعرابی نزد سید کائنات رفت و سلام کرد و گفت

مرد اعرابی ام و از راه دوری آمدم و میسر نمیشود که همیشه در

خدمت و ملازمت شما بوده باشم و سوالی چند دارم حضرت

فرمود که بگو گفت یا رسول الله میخواهم که داناترین مردمان

باشم حضرت فرمود که نعمتی حضرت حق تعالی آنچه عطا

نموده بدان نعمت راضی باش و شاکر باز گفت میخواهم که

من قوی باشم حضرت فرمود که منفعت رسان باش و باز گفت

یا صفی الله میخواهم که بهترین خلقان باشم و حضرت فرمود

که نیکوکار و نیکوخواه خلقان باش و باز گفت که میخواهم که

از خواصان درگاه حق تعالی باشم حضرت فرمود که قرآن
بسیار بخوان و باز گفت میخواهم که بزرگ ترین مردمان
باشم حضرت فرمود که از مرگ فراموش مکن و باز گفت میخواهم
که پیوسته قرین رحمت حق تعالی باشم حضرت فرمود که با خلق
خدای تعالی در مقام شفقت و مرحمت باش و اخلاق خوش را
شعار خود ساز و باز گفت میخواهم که قوی ترین ارکان مردمان باشم حضرت
فرمود که در همه کار خیر توکل بخدای تعالی کن و باز گفت میخواهم
که عزیز ترین مردمان باشم حضرت فرمود که پرهیزکار باش و
باز گفت میخواهم که حق تعالی مرا بدوزخ نفرستد حضرت فرمود
که هرگاه خشم و غضب خواهد که بر تو غالب شود خشم خود را
فرو خور و باز گفت میخواهم فراخ روزی باشم حضرت فرمود
که همیشه با طهارت و وضو باش و باز گفت میخواهم که هر دعای

که بگیرم

كالذي استهوته الشياطين في الارض حيران له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا قل ان هدى الله هو الهدى وامرنا لنسلم لرب العالمين

بر

که بگیرم بدرگاه حق تعالی زود بدرجه قبول رسد حضرت فرمود که از
لقمه بر اکنده حرام و شبهه پرهیز کن و باز گفت میخواهم که بدانم
که گناه بندگان را خدای تعالی بچه عمل خیر بخشد و برایشان
می آمرزد حضرت فرمود که بتضرع و بیچارگی تا حق تعالی زاری
و سوز سینه و آب چشم گناهان خود را بر حق تعالی عرض کند
تا حق تعالی بفضل و رحمت خویش بر تو بخشاید و باز گفت
میخواهم پرده ناموس من در قیامت پاره نشود حضرت فرمود
که پرده ناموس مردمان را مدران باز گفت میخواهم بدانم
که بنده بچه عمل بخدا و نزدیک میشود و تقرب میباید حضرت
فرمود که بجا آوردن صدقه بسیار دادن در پنهان و باز گفت
میخواهم بدانم که خشنودی حضرت حق تعالی بچه عمل خیر حاصل میشود
حضرت فرمود که بر خلاف نفس و لذت و شهوت عمل نمودن

و با هر دو نفس در مقام قهر و غضب بودن باز گفت میخواهم
موحّش باشم حضرت فرمود که باید موشها از دنیا زاری و
باز گفت میخواهم قبر من تنگ و تاریک نباشد و حضرت فرمود
که بعد از نماز خفتن سوره تبارک الّذی بیده الملک را
میخوانده باش و باز گفت میخواهم هیچ آفت بمن نرسد حضرت
فرمود که هر روز و هر شب سوره یس میخوانده باش و باز گفت میخواهم
که از فزع روز قیامت ایمن باشم حضرت فرمود که در میان
نماز شام و خفتن بذکر حق تعالی مشغول باش باز گفت میخواهم که
روزی حلال بمن دهی حضرت فرمود که از نماز شام سوره
اذا وقعة الواقعة بخوان باز گفت میخواهم که نماز از وسوسه
شیطان ایمن باشم حضرت فرمود که در وضوء خفتن ملاحظه
نمای بقواعد و شرایطه که مقرر شده وضوی نماز را با تمام

رسانی باز گفت میخواهم که مرا در درگاه حق تعالی تقرب بوده باشد
حضرت فرمود که سبها از برای رضا خدای تعالی طاعت پنهان
کن و باز گفت میخواهم که مرا عذاب قبر نباشد حضرت فرمود
که پیوسته با طهارت باش و جمله اعضای خود را از نجاست
پاک دار چون اعرابی این کلمات را از حضرت رسول الله
بشنید گفت صدق الله و صدق رسول الله و صدق ولی الله

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و سپاس بیقیاس مر آن معبودی را سزاست که عبادتش
موجب فیروزی عابدان و طاعتش سبب سرافرازی زاهدان
و درود نامعدود بر آن سید و سروری که همه عالم طفیل وجود اوست
صلی الله علیه عالم همه طفیل وجود محمد است بود و وجود خلق ز
جود محمد است و متابعت آثار و پیروی اخبار یافت هدایت

مطلب دفع جن کو
جهت دفع جن کو
شی راست ان
شخص ا بکیر دو چند
مرتبه بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل علی
محمد و آل محمد
امیر المومنین علی
ابن ابی طالب
علیه السلام
و یقولو حسنا اسنا
مخاخا اخرج ا
لعیشق امیر المو
منین
علیه السلام

مثل حرامی یا ... ددبیابان
راه کو کند هما نجا بایستد
ملکو دباواز بلند بکوید
یا فارس الحجاز اد
رکنی یا ابا صالح ا
لمهدی ادرکنی اد
رکنی یا ابا القاسم
ادرکنی ادرکنی
... صاحب الامر و
الزمان و ... نجات
... برهاند بی شک

بصراط المستقیم و موجب وصول به نعیم مقیم است
وبر آل و اطهار که ایمه دین و هادی راه یقین و نجوم
اهل آسمان و زمین اند صلوات الله علیه و علیهم اجمعین
اما بعد این رساله است در بیان عبادات مومنی که خواهد
وضو سازد چون چشم بر آب افتد این دعا بخواند که
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله
نجسا چون شروع در وضو کند این دعا بخواند بسم الله و
بالله اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من
المتطهرین و در وقت مضمضه این دعا بخواند اللهم لقنی
حجتی یوم القاک و اطلق لسانی بذکرک و شکرک
در وقت استنشاق این دعا بخواند اللهم لا تحرمنی طیبات
الجنان واجعلنی من یشم ریحها و روحها

در غنا

بنویسد این آیه را بر بازوی کسی که چشم داشته باشد
بعقش نماید که چشمها حروف کور نباشد اثر کند

و ریحانها   در وقت شستن روی بخواند
اللهم بیض وجهی یوم تبیض فیه الوجوه و لا
تسود وجهی یوم تسود فیه الوجوه
در وقت دست راست شستن این دعا بخواند اللهم اعطنی
کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری
وحاسبنی حسابا یسیرا واجعلنی ممن ینقلب
الی اهله مسرورا در وقت دست چپ این دعا بخواند
اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی و لا من وراء ظهری
و لا تجعلها الی عنقی و اعوذ بک من مقطعات
النیران در وقت مسح سر این دعا بخواند اللهم
غشنی برحمتک و برکاتک و عفوک
و عنایتک در وقت مسح پاها این دعا بخواند اللهم

۷۵

۱۱۱۵ هم ... ۱۱۱ ع و

هم لا یظلمون

ثبتني
امض على الصراط يوم تزل فيه الاقدام واجعل
سعيي فيما يرضيك عني يا ذا الجلال والاكرام
چون از وضو فارغ شود بگوید اللهم اجعلني من التوابين
واجعلني من المتطهرين واجعلني من عبادك
الصالحين الذين لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون
و سوره انا انزلناه بخواند چون متوجه مسجد شود بگوید که
بسم الله الذي خلقني فهو يهدين والذي
يطعمني ويسقين واذا مرضت فهو
يشفين والذي يميتني ثم يحيين والذي اطمع
ان يغفر لي خطيئتي يوم الدين رب هب لي
حكما والحقني بالصالحين واجعل لي لسان صدق

في الاخرين واجعلني من ورثة جنة النعيم
واغفر لابي چون این دعا بخواند حضرت
خدای تعالی او را بایمان حق هدایت کند و از اطهر و اشرف
بهشت سیر گرداند و کفارت گناهانش باشد خدای تعالی مرگش را
مثل موت شهدا و حیاتش حیواتش مثل حیوات سعدا گرداند
و هر خطیئه که کرده باشد بیامرزد و اگر چه بیشتر از کف دریا باشد
حکمت و علم باو عطا فرماید و لعینی گذشته و آینده محققش
سازد و او را از جمله صادقان ثبت نماید و منازل کریم
در جنت نعیم باو کرامت فرماید و گناهان پدر و مادرش را
بیامرزد و چون خواهد که داخل مسجد شود کفش خود را اول
ملاحظه نماید که نجاست و کثافتی نداشته باشد و پای
راست را پیش گذارد و این دعا بخواند بسم الله

اگر آدم در چاه بیفتد
و بمیرد هفتاد دلو با
ید کشید و اگر غایط
در چاه افتد با
خون بسیار مثل ا
نقدر خون که از گردن
گوسفند اید بچاه
دلو باید کشید
و اگر خون کم ریخته
شود مثل آنقدر
که از گردن کبوتر
اید ده دلو باید کشید



جهت تب
بنویسد بر
پاره نان بخش
از کو... تب
بخورد البته
فلما تجلى ربه للجبل
جعله دكا وخر
موسى صعقا

وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَاِلَى اللهِ وَخَيْرُ الْاَسْمَاءِ كُلِّهَا
لِلّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي اَبْوَابَ
رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ وَاَغْلِقْ عَنِّي اَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ
وَاجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكَ وَزُوَّارِ نَبِيِّكَ وَعُمَّارِ
مَسَاجِدِكَ وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَادْحَرْ عَنِّي
الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَجُنُودَ اِبْلِيسَ اَجْمَعِينَ
در وقت بیرون رفتن از مسجد نیز این دعا خواند و
چون داخل مسجد شود این دعا گوید اَشْهَدُ اَنْ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاللهُ اَكْبَرُ
كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللهِ بُكْرَةً

وَاَصِيلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللهُ
عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ برابر است بر حج مقبول و دو
رکعت نماز تحیت مسجد بگذارد و بعد از آن سنت موکده است کرده
بعد ایستاده اذان و اقامت بگوید و نیت چنین کند که
اُذَّنُ وَاُقِيمُ لِنَدْبِهِمَا قُرْبَةً اِلَى اللهِ یعنی
اذان و اقامت میگویم سنت تقرب بخدا و بعد از آن
چهار نوبت بگوید الله اکبر یعنی خدا بزرگترست از همه
چیز و دو نوبت بگوید اشهد ان لا اله الا الله
یعنی گواهی میدهم من که نیست خدای مگر الله و دو نوبت
بگوید اشهد ان محمدا رسول الله یعنی گواهی
میدهم من بدرستی که محمد رسول خداست و دو
نوبت بگوید حی على الصلوة یعنی روی آرید بنماز

۸۱

اللهم احفظنا من العلل [illegible] ومن الشقاوة [illegible]

و دو نوبت بگوید حیّ علی الفلاح یعنی روی آرید بچیزی که
موجب نجات نست یعنی حیّ علی خیر العمل یعنی روی
آرید [illegible] که نماز است و دو نوبت بگوید الله اکبر
یعنی خدای [illegible] بزرگتر است از همه چیزها و دو نوبت بگوید
لا اله الا الله یعنی [illegible] سزای [illegible] الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
مرا خوشی [illegible]
بگو نوبت و اجعل لی [illegible]
قبر نبیک محمد صلی الله علیه وآله [illegible] قبر
خود در جنت خدای [illegible] و قرار یعنی مکان

دمنزل [illegible] و در آنوقت و بعد از آن
سجده کند و بگوید لا اله الا انت لک سجدت
لک خاضعا خاشعا [illegible] صل علی محمد و آل
محمد و اغفر لی و ارحمنی و تب علی انک انت
التواب الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible] الا الله
و [illegible] محمد رسول الله و دو
نوبت بگوید [illegible] نوبت بگوید حیّ علی الصلوة و دو نوبت
بگوید حیّ علی الفلاح و دو نوبت حیّ علی خیر العمل [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم
وقیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین

بگوید قد قامت الصلوة یعنی تحقیق بپای ایستاد
نماز یعنی شروع دران نزدیک شد و دو نوبت بگوید
الله اکبر و یک نوبت بگوید لا اله الا الله بعد ازان
بگوید محمد رسول الله یعنی محمد فرستاده خداست و علی
ولی الله یعنی علی علیه السلام دوست خداست الفاطمة
بنت رسول الله فاطمه دختر رسول الله الحسن
والحسین [illegible]
رسول خدا اند علی محبیهم رحمة الله یعنی بر دوستان
ایشان باد رحمت خدای تعالی و علی مبغضیهم
لعنة الله یعنی بر دشمنان ایشان باد لعنت خدای تعالی
بعد ازان سه تکبیر بگوید در هر نوبت و استغفار بر دو دست
بر آورد [illegible] لا اله الا الله
[illegible] بگو سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله

نقل است انحضرت رسول
[illegible] یا علی شب در اید
[illegible] مکن بر تخت خواب
تا پنج کار نکنی امیر
المومنین یا رسول الله
آن پنج کار کدام است
گفت اول پنج گزار
دوم قرآن ختم کن سیم
بنده آزاد کن چهارم
صد درهم در راه خدای
تعالی بده و پنجم
[illegible] را از آتش دوزخ
[illegible] کن حضرت امیر
المومنین گفت یا رسو
ل الله من در یک شب
[illegible] چگونه کنم
[illegible] رسول صلی الله
[illegible] گفت یا علی نماز

والله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم تا آخر

خرخالی

الملک الحق المبین یعنی نیست خدای مگر تو که
[illegible] الملک که پادشاه برحق و عادلست و ظاهر است اللهم
انت الملک الحق یعنی بار خدایا توی پادشاه برحق لا
اله الا انت سبحانک یعنی نیست خدای مگر تو پاکی
از همه عیبها انی ظلمت نفسی بدرستی که من ظلم کردم
بر نفس خود فاغفر لی ذنوبی یعنی بیامرز گناهان
مرا انه لا یغفر الذنوب الا انت بدرستی که
نمی بخشد نمی آمرزد گناهان را هیچکس مگر تو و بعد ازان
دو تکبیر بگوید و این دعا بخواند لبیک یعنی ایستادم بخدمت
تو و سعدیک یاری میخواهم ترا یعنی دایما فرمان بردار
توام والخیر فی یدیک یعنی نیکیها همه در دست تست
والشر لیس الیک و بدرا سوی تو راه نیست

گزارده باشی و نه بار
بگو قل هو الله احد
بخوان تا تمام قرآن
ختم کرده باشی و یکبار
الحمد را بخوان تا
بنده آزاد کرده باشی
و ده مرتبه صلوات بر
محمد بفرست تا چهار
صد درهم برضای
خدا داده باشی و نه
بار اشهد ان لا
اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد
ان محمدا عبده و رسو
له بخوان تا [illegible]
[illegible] دوزخ خلاص
کرده باشی گفت صدق
رسول الله

وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ و راه یافته شده کیست
که او را تو راه نموده باشی اللهی أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ
عَبْدَيْكَ یعنی خداوندا من بنده توام و بنده زاده توام
ذَلِيلٌ بَيْنَ يَدَيْكَ یعنی خار و حقیر ایستاده ام در پیش
تو مِنْكَ از تست وجود من وَبِكَ و به تست قوام و هستی
من وَلَكَ و تراست ملک من وَإِلَيْكَ و بسوی تست
بازگشت من لَا مَلْجَأَ وَلَا مَفَرَّ وَلَا مَحِيصَ وَلَا
مَهْرَبَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ نیست پناهی و گریزگاهی
از تو مگر بسوی تو سُبْحَانَكَ وَحَنَانَيْكَ یعنی پاکی تو
از عیبها [illegible] و حال اگر سوال میکنیم از تو رحمت
و مهربانی تَبَارَكْتَ بزرگواری وَتَعَالَيْتَ بلندی تو
سُبْحَانَكَ رَبَّنَا پاکی تو از عیبها پروردگارا وَإِلَيْكَ

الحرام و پروردگار خانه کعبه و بعد از آن یک تکبیر گوید و دستها
بردارد برابر رو و گوید رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَوٰةِ
یعنی پروردگارا بگردان و قایم نماز وَمِنْ ذُرِّيَّتِي و
بگردان ذریته مرا قایم نماز رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ
پروردگارا قبول کن دعای مرا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِوَ
الِدَيَّ یعنی ای پروردگار ما بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و
جمیع مومنان را يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ روزی که قایم
میشود حساب یعنی روز قیامت و بعد از آن نیت نماز
کند باینطریق که نماز صبح یا ظهر یا عصر یا شام یا خفتن میکنم
ادا واجب تقرب بخدا و تکبیر احرام گوید و این دعا خواند
وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ یعنی روی دل
خود را متوجه ساختم [illegible] آفریده آسمانها و زمین را

دعاخنكي

دعاخنكي بروي مجوان

دعلم بكشند

وكفى بالله وليا وكفى

الله نصيرا وكفى با

الله عليما وكفى بالله

قويا عزيزا وما الله

المؤمنين القتال و

كان الله قويا عزيزا

يا دافع الاوجاع

على ملة ابراهيم و دين محمد و منهاج على يعني

بر ملت ابراهيم و دين محمد و راه على عليه السلام عالم الغيب

والشهادة كه داناء نهان و اشكارا حنيفا مسلما

در حالت كه قايم و مسلمان بر دين توحيد و ما انا

من المشركين و نيستم از شرك آورندگان مر خدايرا

ان صلاتي بدرستي نماز من و نسكي و جميع عبادت

من و محياي و زندگاني من و مماتي و مردن من لله مر

خدايرا رب العالمين يعني پروردگار عالميانست

لا شريك له شريك نيست مر اورا و بذلك امرت

و باين مامور شدم و انا من المسلمين و من از جمله

مسلمانانم و بعد از ان بگويد اعوذ بالله السميع العليم

من الشيطان الرجيم يعني پناه ميبرم بخداى تعالى

[illegible]



نشره

اگر كسي خون ازبيني

ايل بند نشود اين

آيه را بر پيشاني او

نويسند بند شود

البته

بسم الله الرحمن الرحيم

هالع هلع

هلوع هلوع

كه شنوا و داناست از شر و وسوسه شيطان رانده شده

از درگاه الهي بسم الله الرحمن الرحيم يعني ابتدا

ميكنم بنام خداوندي كه روزي دهنده است در دنيا امرزنده است

در اخرت الحمد لله رب العالمين شكر و سپاس مر خدا

يرا كه پروردگار عالميانست الرحمن الرحيم يعني روزي

دهنده است و امرزنده است مالك يوم الدين يعني

شاه روز [illegible] اياك نعبد خداوندا ترا ميپرستم

و اياك نستعين از تو ياري ميخواهم اهدنا

الصراط المستقيم ما را راه راست بنماي يعني اسلام

صراط الذين انعمت عليهم بنماي مرا راه انانكه

بفضل خود انعام كرده ايشانرا غير المغضوب عليهم

نه راه انانكه غضب كرده بر ايشان يعني كافران و لا الضالين

نمراه کرامان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ
اللّٰهُ اَحَدٌ یعنی خدای بی نیاز است از همه لَمْ یَلِدْ
نزاد او کسی را رد بر جهود است که میگفتند که عزیز پسر
خداست وَلَمْ یُولَدْ یعنی زاده نشد از کسی رد بر نصاری
که گویند که عیسی پسر خداست وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا
اَحَدٌ یعنی نیست همتا او را هیچکس رد بر مجوسی و مشرکان
عرب است که گفته اند که او را همتا است بعد از آن کند الله
اللّٰهُ اَکْبَرُ یعنی چنین است پروردگار من و تکبیر گوید و برکوع
رود و بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ یعنی پاک
میدانم از همه عیبها پروردگار بزرگ خود را و حال آنکه مشغولم
بستایش او و بعد از آن سر بردارد از رکوع و بگوید
سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ یعنی شنید خدای هر کسی که ستایش او

اگر کسی پیش آتش بند
شود این شکل را بر
صفای او بنویسید
وا شود
اهکة سهکه
بیرآب اسب
اگر پیش آب اسب کو
باشد بنویسم آب
بنویسند وا شود
صحون نیل



وبگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ یعنی شکر مر خدای را که
پروردگار عالمیانست اَهْلَ الْکِبْرِیَاءِ وَالْعَظَمَةِ خداوندی
بزرگ با عظمت وَالْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ و خداوندی
که بخشش فرمان فرمای بر خلایق و تکبیر بگوید و بسجود رود
و بگوید سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی یعنی پاک میدانم از همه عیب
پروردگار بلند خود را وَبِحَمْدِهِ و حال آنکه مشغولم بستایش او
بعد از آن سر بردارد از سجود و تکبیر بگوید و بعد از آن اَسْتَغْفِرُ
اللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ یعنی طلب آمرزش میکنم از
پروردگار خود و باز گشت میکنم بسوی او و بار دیگر تکبیر گوید
و بسجود رود و بعد از آن برخیزد و در حال برخاستن بگوید
بِحَوْلِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَقُوَّتِهِ یعنی بمدد او برخیزم خدای تعالی
و قوت او اَقُومُ وَاَقْعُدُ وَاَرْکَعُ وَاَسْجُدُ یعنی

یا علی

برمی خیزم
بنشینم دمی نشینم و رکوع میکنم و سجود میکنم بعد از آن فاتحه را
سوره را بخواند و هر دو دست را برابر رو بردارد و بگوید
سبحان من دانت له السموات والارض
بالعبودیة یعنی پاکست از همه عیبها که خدایست
مر او را آسمانها و زمینها به بندگی لا اله الا الله الحلیم
الکریم یعنی نیست خدای مگر الله پروردگار بخشنده است
لا اله الا الله العلی العظیم نیست خدای مگر الله
که بلند بزرگوارست سبحان الله پاکست خدای تعالی
از همه عیب رب السموات السبع و پروردگار
آسمان هفت گونه است و رب الارضین السبع و
پروردگار زمینها هفت گونست و ما فیهن و انچه
در این زمینها آسمانهاست و ما بینهن و انچه در میان
غ ااا٥ ف ااا٥ ق ااا٥ ک ااا٥ ل ااا٥
ااا٥ ه ااا٥ لا ااا٥ ی ااا٥
کهیعسق حمعسق

یا علی

الله





اینهاست و ما تحتهن و انچه در زیر اینهاست و
ما فوقهن و انچه در بالای اینهاست و هو رب
العرش العظیم و اوست پروردگار عرش عظیم و سلام
علی المرسلین و سلام باد بر رسولان و الحمد لله رب
العالمین و شکر خدای را که پروردگار عالمیانست اللهم
اغفر لنا بار خدایا بیامرز مرا و ارحمنا و رحم کن بما
و عافنا و عافیت ده مرا از فتنها و اعف عنا
و عفو کن از ما بدیهارا فی الدنیا و الآخرة در دنیا
و آخرت انک علی کل شیء قدیر بدرستی که تو
بر همه چیز قادری رب اوزعنی ان اشکر نعمتک
التی انعمت علی و علی والدی یعنی پروردگارا تو
فیق ده مرا که شکر گویم نعمتهای ترا آنچنان نعمت که انعام

کرده برمن و بدر و مادر من و ان اعمل صالحا ترضه
و توفیق ده مرا از عمل صالح کنم که راضی باشی تو از آن عمل و ادخلنی
خلنی برحمتک فی عبادک الصالحین و داخل کن مرا برحمت
خود در میان بندگان صالح ربنا آتنا فی الدنیا حسنة
ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نیکوی وفی الآخرة
حسنة و در آخرت نیکوی حسنه وقنا عذاب النار
و نگاهدار ما را از عذاب آتش و توفنا مع الابرار
و بمیران ما را با بندگان ربنا لا تزغ قلوبنا بعد
اذ هدیتنا پروردگارا مگردان ما را بعد از آن که راه نموده
ما را وهب لنا من لدنک رحمة و ببخش ما را از
نزد خود رحمتی انک انت الوهاب بدرستی که تو بخشنده
رب زدنی علما وتقنی ایمانا پروردگارا زیاده

علاج

علاج کوری چشم و حرارت
و جوشش و جرب و
خارش و غبار و
فوتی کنند و مجرب
بگیرند لعاب اسپیوده
و با اسفیده تخم صمغ
بو هم بوشند تا لعاب
شود و چشم را بوست
بکنند و بمالند تا لعاب
خشک کرده و با چشم
[illegible] کنند و
[illegible] کنند
[illegible]



کران علم مرا و ایمان مرا والحقنا بالصالحین و ملحق
گردان بصالحان بعد از آن برکوع رود و سجدتین را نیز بطریق
سابق بجا آورد و تشهد بخواند باین طریق که بسم الله
بنام بزرگ خدا وبالله و بخدای یکتا والحمد لله و
ستایش مر خدا راست وخیر الاسماء کلها لله و تبرک
نامها کل مر خدا راست اشهد ان لا اله الا الله گواهی
میدهم من باینکه نیست خدای مگر الله وحده لا شریک
له واحد است و شریک نیست او را واشهد ان
محمدا عبده ورسوله و گواهی میدهم من باینکه محمد بن
عبد الله بنده اوست و رسول اوست ارسله
بالحق فرستاده او را براستی بحق بشیرا ونذیرا
بشارت دهنده است برحمت خدای و بیم کننده است از عقوبت خدا

بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ پيش از واقع شدن قيامت
وَاَشْهَدُ اَنَّ رَبِّيْ نِعْمَ الرَّبُّ وگواهى ميدهم بدرستى
كه پروردگار من نيكو پروردگار است وَاَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُوْلُ وگواهى ميدهم بدرستى كه محمد بن عبد الله
نيكو رسوليست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ خداوندا
رحمت كن بر محمد و آل محمد وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِيْ اُمَّتِهِ وقبول
كن شفاعت اورا در شان امت او وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ
وبلند گردان درجه اورا در بهشت وَقَرِّبْ وَسِيْلَتَهُ
نزديك گردان وسيله اورا و وسيله اسم منبريست كه در روز
قيامت حضرت رسالتپناه بر بالاى آن منبر خواهد نشست
وچهار بار بگويد اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ يعنى شكر مر خدايرا
كه پروردگار عالميانست وبعد از آن بگويد اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ

ورحمة الله

شخص كفد حضرت رسول
امد كتت يا رسول
الله [illegible]
[illegible] جهاد دالم
حضرت فرمود كه
جهاد كن د[illegible] راه
خدا الو كشته [illegible]
[illegible]
دروزي د بهشت
[illegible] يافت اكو
[illegible]
[illegible] اكو
[illegible] از كناهان
[illegible] اي ماسند
[illegible]
[illegible]

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ يعنى سلام باد بر شما ورحمت
خداى بركاتها خداى اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلٰى عِبَادِ اللّٰهِ
الصَّالِحِيْنَ يعنى سلام باد بر ما و بر بندگان خداى كه صالحند
وقصد سلام بر انبياء و ملائكه وجميع مومنان وانس وجن
كند وسنت است كه در دل قصد بيرون رفتن از نماز كردن در
وقت سلام ونوافل يوميه
هر شبانروزى گذاردن او سنت است وآن سى وچهار ركعت است
هشت ركعت نماز نافله ظهر است مقدم بر ظهر و هشت ركعت نماز
نافله عصر است مقدم بر عصر و چهار ركعت نافله مغرب است و بعد از
مغرب دو ركعت نشسته كه يك حساب است و آنرا وتيره گويند
نافله خفتن است بعد از خفتن هشت ركعت و بعد از خفتن هشت
ركعت نماز شب است و دو ركعت نماز شفع است و يك ركعت

كتت يا رسول الله
[illegible] ومادديني [illegible]
كه من الناس داوند [illegible]
[illegible] جدا
[illegible] حضرت فرمود
كه [illegible]
خود باش [illegible] خدا
[illegible] بوست [illegible]
[illegible] اوست كه [illegible]
كه [illegible] يك [illegible]
[illegible] بهشت
[illegible] از يكسال جهاد
كردن د[illegible] راه خدا

وقت نافله

نماز وتر است و دو رکعت نماز نافلهٔ صبح است و اما اول ر
زوال آفتاب است اول آن وقتیست که سایه شاخص بمقدار
دو قدم بر سایه وقت زوال افزاید در شهری که وقت زوال
شاخص را سایه باشد و در شهری که سایه در وقت زوال
معلوم نشود اول آن وقتیست که سایه بعد از عدم بدو
قدم برسد و هر دو از هفت یک شاخص است و اما اول وقت
نافله عصر فارغ شدنست از نماز ظهر که در اول وقت گذارده
میشود و آخر آن وقتیست که شاخص بمقدار چهار قدم برسد
و اول وقت نافلهٔ مغرب فارغ شدنست از نماز مغرب
که در اول وقت گذارده شود و آخر آن برطرف شدن سرخی
که در جانب مغرب بهم میرسد و وقت نافلهٔ خفتن فارغ شدنست
از نماز خفتن که در اول وقت گذارده شود و آخر آن نصف

هرکس از خانه بیرون آید
شیاطین بر سر راه وی
آیند پس اگر در وقت
بیرون آمدن بگوید
بسم الله آمنت بالله
توکلت علی الله
ما شاء الله لا حول
ولا قوة الا بالله
ملائکه شیاطین را
از وی دور کنند

شب میگذرد اما وقت نماز شب نصف شب است تا طلوع فجر دویم
هرچند بفجر نزدیکتر باشد افضل است و اگر بعد از گذاردن چهار
رکعت فجر دویم طالع شود و چهار رکعت باقی را بتخفیف بگذارد و
اگر قبل از اتمام چهار رکعت طالع شود نافله را قطع کند و بنماز
صبح اشتغال نماید و جایز است که نماز شب را بعد از نماز خفتن
بگذارد و هرگاه ترسد که در نصف باقی شب بیدار نشود تا صبح اما
وقت نماز شفع و وتر بعد از فارغ شدن از نماز شب است و
افضل آنست که در ما بین فجر اول و فجر دویم بجای آورند
و وقت نافله صبح بعد از فارغ شدنست از شفع و وتر و وقت
آن میگذرد تا پیدا شدن سرخی مشرق و ادعیه آن و آداب
نوافل یومیه بسیار است و اکثر آنها در کتاب مفتاح الفلاح بتفصیل
مذکور است و در این کتاب انشاء الله آنچه مناسب است مذکور میشود بعد از چون

در وقتی که شهر یا
بازار یا خانه بروی
این دعا را بخوان
اُحصِنتُ بمدینة
او بازارٍ سورها
لا اله الا الله
وسقفها محمد
رسول الله وبابها
علیٌ ولیُ الله و
مفتاحها لا حول
ولا قوة الا
بالله العلی العظیم

زوال آفتاب متحقق شود یعنی وقت ظهر داخل شود
این دعای حضرت امام محمد باقر علیه السلام تعلیم محمد بن مسلم
داده و فرموده که مگذار نماز ظهر را سست کنی و بترسی بیهقه(?)
بخواند دعا اینست سُبْحانَ اللّٰهِ وَ لا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ
لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ
وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً و بعد از آن وضو سازد و شروع در نماز ظهر کند
و در رکعت اول تکبیرات سبعه و افتتاحیه را با ادعیه
آن بطریقی که در تکبیرة الاحرام مذکور شد بجای آورد بعد از فاتحه
سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند و در رکعت دویم بعد از
فاتحه سوره قُلْ يا اَيُّهَا الْكافِرُونَ بخواند پس سلام دهد
و بعد از سلام تکبیر بگوید و تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بجای آورد

هر صبح باید خواند
الله اکبر الله اکبر
کبیرا و سبحان
الله بکرة و اصیلا
والحمد لله رب
العالمین کثیرا
لا شریک له
وصلی الله علی
محمد و آله

پس این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّي ضَعيفٌ فَقَوِّ في
رِضاكَ ضَعْفي وَ خُذْ اِلَى الْخَيْرِ بِناصِيَتي وَ
اجْعَلِ الْاِيمانَ مُنْتَهىٰ رِضايَ وَ بارِكْ لي
فيما قَسَمْتَ لي وَ بَلِّغْني بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذي اَرْ
جُو مِنْكَ وَ اجْعَلْ لي وُدّاً وَ سُروراً لِلْمُؤْمِنينَ
وَ عَهْداً عِنْدَكَ پس او رکعت دیگر نافله ظهر بگذارد و
بطریقی که ذکر شد سوی شش تکبیر افتتاحیه و ادعیه او
پس دو رکعت دیگر نیز باینطریق بجای آورد و بعد از دو رکعت
ازین شش رکعت الخمیس شهد از تعقیب نماز بجای آورد
بعد از آن اذان ظهر بگوید و بعد از آن دو رکعت دیگر نافله
ظهر بجای آورد و بعد از فارغ شدن از نماز ظهر و متعلقات
آن شروع کند در نافله عصر و در هر رکعت بعد از فاتحه هر سوره که

خواهد بخواند و چون از دو رکعت اول فارغ شود این دعا

بخواند اللهم انه لا اله الا انت الحی القیوم الحی

العلی العظیم الحلیم الکریم الخالق الرازق الحی

القیوم المیت المبدع لک الحمد ولک المن

ولک الکرم ولک الجود ولک الامر وحدک

لا شریک لک یا واحد یا احد ولم یتخذ یا صمد

یا من لم یلد ولم یکن له کفوا احد ولم یتخذ

صاحبة ولا ولدا صل علی محمد واله

پس حاجت بخواهد بعد از آن دو رکعت دیگر نماز بگذارد

بطریق دو رکعت اول پس این دعا بخواند اللهم رب السموات

السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما

بینهن وما تحتهن ورب العرش العظیم ورب

محمد

یکی برابر شاهی دهی

یکی [illegible] دریا بماهی دهی

[illegible] بخال سیاه

یکی دردی کش بوده دایم شبی [illegible] بخوابم بعد مردن

چه چشم یار مخمور مست همان جام سراحی داشت بر دست

چو [illegible] کشتی بناهی [illegible] غرق محیط روسیاهی

چه گردی با کفر و ملک [illegible] از آن [illegible] بر [illegible]

بگفت اول سوال از درس [illegible] ز [illegible] بر دو [illegible]

بگفتم [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

عود الستی از کف بنهادند در زود درس بر رویم گشادند

هرکس غذان برون فکندند بعید الفت وداعم کرده گفتند

تو با آن همه صاحب کرامت بر و من زرشکی تا روز قیامت

زبیع از اهل کاری بهر دلش بهر عقت و بهیی

جه بکم امیر المؤمنین نیز دوی بر تنی با الستی

بسم الله الرحمن الرحيم

شَهِدَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللّٰهِ الْإِسْلَامُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ الْعَاصِي الْمُحْتَاجُ الْفَقِيرُ الْحَقِيرُ أَشْهَدُ لِحَيِّي وَخَالِقِي وَرَازِقِي وَمُكْرِمِي

شرزند

كَمَا شَهِدَ لِذَاتِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ عِبَادِهِ بِأَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ذُو النِّعَمِ وَالْإِحْسَانِ وَالْكَرَمِ وَالْامْتِنَانِ قَادِرٌ أَزَلِيٌّ عَالِمٌ أَبَدِيٌّ حَيٌّ أَحَدِيٌّ مَوْجُودٌ سَرْمَدِيٌّ سَمِيعٌ بَصِيرٌ مُدَبِّرٌ مُرِيدٌ كَارِهٌ صَمَدِيٌّ يَسْتَحِقُّ هٰذِهِ الصِّفَاتِ وَهُوَ عَلَى مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي عِزِّ صِفَاتِهِ كَانَ قَوِيًّا قَبْلَ وُجُودِ الْقُدْرَةِ وَالْقُوَّةِ وَكَانَ عَلِيمًا قَبْلَ إِيجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ لَمْ يَزَلْ سُلْطَانًا إِذْ لَا مَمْلَكَةَ وَلَا مَالَ وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَى جَمِيعِ الْأَحْوَالِ وُجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي أَزَلِ الْآزَالِ وَبَقَاؤُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ وَلَا زَوَالٍ غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ مُسْتَغْنٍ فِي الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ لَا جَوْرَ فِي قَضِيَّتِهِ

ارحمون ... مفوست گروه

یکشنبه جامه ببرد
مبارک بشود و ...
جام عمکی شود ...
دوشنبه مبارک باشد
سه شنبه ...
شود یاد و اب ...
بیع شود
دران جامه ...
یابد و ملک ...
بعید بجو ...
لورانه ...
دوبارع جامه ...

علي روزي شود ودرويش
مردم مكرم باشد روز
جمعه عمر دولتش ز
ياده شود روز شنبه
وران جامه بيمار شود
مثل انكه او را بكشى

وَلا مَيلَ في مَشيَّتِهِ وَلا ظُلمَ في تَقديرِهِ وَلا مَهرَبَ
مِن حُكومَتِهِ وَلا مَلجاءَ مِن سَطوَتِهِ وَلا مَنجا مِن
نِقمَتِهِ سَبَقَت رَحمَتُهُ غَضَبَهُ وَلا يَفوتُهُ اَحَدٌ
اِذا طَلَبَهُ اَزاحَ العِلَلَ فِي التَّكليفِ وَسَوّى فِي التَّوفيقِ
بَينَ الضَّعيفِ وَالشَّريفِ مَكَّنَ اَداءَ المَامورِ وَسَهَّلَ
سَبيلَ اجتِنابِ المَحظورِ لَم يُكَلِّفِ الطّاعَةَ اِلّا دونَ
الوُسعِ وَالطّاقَةِ سُبحانَهُ ما اَبيَنَ كَرَمَهُ وَاَعلى شَانَهُ سُبحا
نَهُ ما اَجَلَّ نَيلَهُ وَاَعظَمَ اِحسانَهُ بَعَثَ الاَنبياءَ لِيُبَيِّنَ
عَدلَهُ وَنَصَبَ الاَوصياءَ لِيُظهِرَ طَولَهُ وَفَضلَهُ وَجَعَلَنا
مِن اُمَّةِ سَيِّدِ الاَنبياءِ وَخَيرِ الاَولياءِ وَاَفضَلِ الاَصفيا
وَاَعلَى الاَزكياءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمَنّا بِهِ
وَبِما دَعانا اِلَيهِ وَبِالقُرآنِ الَّذي اَنزَلَهُ عَلَيهِ وَبِوَصِيِّهِ

دعا بايد
باد تند وزد بگويد
اللهم اني اسئلك
خير ما هاجت الرياح
وخير ما فيها و
عوذ بك من شر
ها وشر ما فيها
للهم اجعلها علينا
رحمة وعلى الكا
فرين عذابا وصلى الله
على محمد وآله
تكبير بسيار بگويد
بلند بگويد ان
الله اسكنى يا
الله الله

الَّذي نَصَبَهُ يَومَ الغَديرِ وَاَشارَ بِقَولِهِ هذا عَلِيٌّ
اِلَيهِ وَاَشهَدُ اَنَّ الاَئِمَّةَ الاَبرارَ وَالخُلَفاءَ الاَخيا
بَعدَ الرَّسولِ المُختارِ عَلِيٌّ قامِعُ الكُفّارِ وَمِن بَعدِهِ
سَيِّدُ اَولادِهِ الحَسَنُ بنُ عَلِيٍّ ثُمَّ اَخوهُ السِّبطُ
التّابِعُ لِمَرضاتِ اللهِ الحُسَينُ ثُمَّ العابِدُ عَلِيٌّ ثُمَّ
الباقِرُ مُحَمَّدٌ ثُمَّ الصّادِقُ جَعفَرٌ ثُمَّ الكاظِمُ موسى
ثُمَّ الرِّضا عَلِيٌّ ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدٌ ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيٌّ ثُمَّ الزَّكِيُّ
العَسكَرِيُّ الحَسَنُ ثُمَّ الحُجَّةُ المُنتَظَرُ المُرَجّى الَّذي
بِبَقائِهِ بَقِيَتِ الدُّنيا وَبِيُمنِهِ رُزِقَ الوَرى وَبِوُجودِهِ
ثَبَتَتِ الاَرضُ وَالسَّماءُ وَبِهِ يَملَأُ اللهُ الاَرضَ قِسطاً
وَعَدلاً بَعدَ ما مُلِئَت ظُلماً وَجَوراً وَاَشهَدُ اَنَّ اَقوالَهُم
حُجَّةٌ وَامتِثالَهُم فَريضَةٌ وَطاعَتَهُم مَفروضَةٌ وَمَوَدَّتَهُم

رعد ساعقه

سبحان من يسبح ا
لرعد بحمده والملا
ئكة من خيفته
وبعد بگويد
لا تقتلنا بغضبك
ولا تهلكنا بك و
عافنا قبل ذلك
باران بياد بگو
هنيئا
صيّبا

لائمّة مفضية والاقتداء بهم منجية ومخالفتهم مردية
وهم سادات اهل الجنّة اجمعين وشفعاء يوم
الدين وافضل الاوصياء المرضيين وائمّة اهل
الارض على اليقين واشهد انّ الموت حقّ ومسائلة
القبر حقّ والبعث حقّ والنشور حقّ والصراط حقّ
والميزان حقّ والحساب حقّ والكتاب حقّ والجنّة
حقّ والنار حقّ وانّ الساعة اتية لا ريب فيها و
انّ الله يبعث من في القبور اللّهمّ فضلك رجائي
وكرمك ورحمتك املي لا عمل لي استحقّ به
الجنّة ولا طاعة لي استوجب بها الرضوان الّا
انّي اعتقدت توحيدك وعدلك وارتجيت
احسانك وفضلك وتشفّعت اليك بالنبيّ واله

دردم نوع بگو

کبود رسر جبر

يا من يقبل اليسير
ويعفو عن الكثير
اقبل منّي اليسير
واعف عن ا
لكثير انك انت
العفوّ الغفور

من احبّتك وانت اكرم الاكرمين اللّهمّ انّي
اودعتك يقيني هذا وثبات ديني وانت خير
مستودع وقد امرتنا بحفظ الودائع فردّه علىّ وقت
حضور موتي برحمتك يا ارحم الراحمين وصلّى الله
على محمّد واله اجمعين رضيت بالله ربّا و
بالاسلام دينا وبمحمّد صلّى الله عليه واله نبيّا وبالقرآن
كتابا وبالكعبة قبلة وبعلىّ ابن ابي طالب اماما
وبالحسن والحسين وعلىّ ابن الحسين ومحمّد ابن
علىّ وجعفر بن محمّد وموسى ابن جعفر وعلىّ بن محمّد
موسى الرضا ومحمّد بن علىّ وعلىّ بن محمّد والحسن بن
علىّ والحجّة القائم المنتظر المهدي الهادي ائمّة
المعصومين صلوات الله وسلامه عليه وعليهم

اَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ

براکه این حرزیست دافع جمیع بلیات منسوب بحضرت امام الانس

والجن علی بن موسی الرضا علیه السلام مشهور برقعه الجیب در تهذیب الاحکام

مذکورست که چون حضرت امام رضا علیه السلام در قصر حمید فرود آمد

خود را کنده و بحمید داد او نیز بکنیزک خود داد تا بشوید بعد از آنکه

کنیزک آمد و رقعه بحمید داد که این در جیب حضرت امام علیه السلام بود

حمید آن رقعه را برگرفت و بخدمت حضرت آمد و گفت این رقعه در جیب

قمیص شما بود حضرت امام فرمود که این عوذه ایست که هر کس

داشته باشد از او بلاها دفع شود و بخوانید براکه این حرزیست که هر کس

با خود دارد شیطان لعین از او دور گردد و شر آن بیمار راحت شود

والله اعلم

در دهم شب از دهه ذی حجه بعد
از نماز شام دو رکعت نماز
کند در هر رکعت بعد الحمد
قل هو الله احد
یکمرتبه این دعا بخوان

وَوَاعَدْنَا مُوسَى
ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاَتْمَمْنَا
هَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ
رَبِّهِ اَرْبَعِينَ
لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى
لِاَخِيهِ هَرُونَ
اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي
وَاَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ
سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ اِنِّي اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

اَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ اَخَذْتُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ

وَبَصَرِكَ لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيَّ وَلَا عَلَى سَمْعِي وَلَا عَلَى

بَصَرِي وَلَا عَلَى شَعْرِي وَلَا عَلَى بَشَرِي وَلَا عَلَى دَمِي

وَلَا عَلَى لَحْمِي وَلَا عِظَامِي وَلَا عَلَى مَالِي وَلَا [عَلَى] مَا رَزَقَنِي

رَبِّي سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّذِي اسْتَتَرَ

اَنْبِيَاءُ اللّٰهِ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفَرَاعِنَةِ جَبْرَئِيلُ

عَنْ يَمِينِي وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَاِسْرَافِيلُ عَنْ وَرَائِي

وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَمَامِي وَاللّٰهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ

يَمْنَعُكَ مِنِّي وَيَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي اَللّٰهُمَّ

لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ اَنَاتَكَ اَنْ يَسْتَفِزَّنِي وَيَسْتَخِفَّنِي

وَلَا عَلَى عَصَبِي

بك اللهم إليك النجاة اللهم إليك النجاة
اللهم إليك النجاة برحمتك يا أرحم الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم إني أسألك يا من أقر له بالعبودية
كل معبود يا من يحمده كل محمود يا من إليه
كل مجهود يا من يطلب عنده كل مفقود يا
من سائله غير مردود يا من بابه عن سؤاله
غير مسدود يا من هو غير موصوف ولا محدود
يا من عطاؤه غير ممنوع ولا منكود يا من هو
لمن دعاه ليس ببعيد وهو نعم المقصود يا
من رجاء عباده بحبله مشدود يا من لم
يولد ولا هو لوالد يا من يجهد ومثله غير موجود

از حضرت صادق منقول است
که هرگاه زنی را حملی باشد
و چهار ماه برا و بگذرد
روی او را بقبله کن و آ
یة الکرسی بخوان و
دست در پهلوا و بزن
و بگو اللهم انی قد
سمیته محمدا یعنی
خداوندا من او را
نام کردم محمد چون
[illegible] کند خدا ان
[illegible] را پسر کند
و او را محمد نام
مبارک [illegible]
خدا اگر خواهد او
[illegible]

يا من كرمه غير معدود يا من حوضه برده للأنام
مورود يا من لا يوصف بقيام ولا قعود يا من
لا يجري عليه حركة ولا جمود يا الله يا رحمن
يا رحيم يا ودود يا راحم الشيخ الكبير يعقوب
يا غافر ذنب داود يا من لا يخلف الوعد ويعفو عن
الموعود يا من رزقه وستره للعاصين ممدود يا
من هو ملجأ كل مقصي مطرود يا من دان له
جميع خلقه بالسجود يا من لبس عن تبدل وجوده
مصدود يا من لا يحيف في حكمه ويحكم عن الظالم
العنود ارحم عبدك الخاطئ المربوف بالعهود
إنك فعال لما تريد يا بار يا ودود صل على محمد
خير مبعوث دعا إلى خير معبود وعلى آله الطاهرين

در حدیث وارد شده
که هر که زنی او حملی را
داشته باشد عزم
کند که او را محمد یا علی
نام کند البته او پسر
شود

شخصی بنزد حضرت اما
م جعفر صادق آمد
و گفت یا ابن رسول
الله هشت دختر
بهم رسانیده ام و
[illegible] پسر ندیدم حضر
فرمود که وقتی [illegible]
بای زن [illegible]
[illegible]

برجانب راست ناف
زن بکذارد وسوره انا
انزلناه را هفت نوبت
بخوان بعد ازان مقا
بت کن جون اثر
ظاهر شود پس
شهادت بر
ب راست ناف
[illegible] هفت نوبت
[illegible] بخوان
[illegible]
[illegible]
[illegible]

الطَّيِّبِينَ اَهْلِ الْكَرَمِ وَالْجُودِ [illegible] بِنَا مَا اَنْتَ
اَهْلُهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در ربیع الاخرة روایت کرده اند از امون الرشید زوجه حضرت
امام محمد تقی علیه السلام بود بواسطه زنها شکایت انحضرت پیش پدر
کرد وان ملعون برخواست در حالتی که مست بود و شمشیر برداشت و شب
بر سر انحضرت امد و امام را پاره پاره کرد و صبح صباح کفت ای
جمیع جیرانید که جکار کرده فرزند امام حضرت امام رضا را کشتم
ملعون بترسید یا سر خادم را فرستاد تا خبر امدی یا سر رفت و خبر
خوش اورد مامون خوشحال کردید احوال پرسید جون دید یا انحضرت
بار کفت پیش امام رفتم و سلام کردم نشسته بود و پیراهنی پوشیده مسواک
میکرد کفتم یا ابن رسول الله این پیراهن را ببخش که در ان نماز کنم و برکت
جویم و غرض جنان بود که برجم بر اندام امام جراحت هست یا نه

مامون کفت خاطرم هست که شمشیر کشیده بر او زخم ازدم
که با انحضرت جه کردم این بکفت و بسیار بکریست و کفت
که او عزت اولین و اخرین است پس خیر خود در للعنت [illegible]
برو پیش امام رضا و بکرار زنها ربیر و ادر را از غضب سلام برسان [illegible]
خواه یا سر کوید پیش انحضرت رفتم و سلام رسانیدم و عمل جشم
وی کذاشتم و قصه عرض کلام و معذرت خواستم پس حضرت [illegible]
نکاه کرد و تبسمی نمود و کفت ایا دانستم که [illegible]
حافظ هست کفتم یا ابن رسول الله این عتاب بکذار که [illegible]
حال او را درین کار شعور نبوده و ندانسته وصال نبود کفت [illegible]
هر که درست نشود یا ابن رسول الله قدم رنجه فرمای و پیش خود [illegible]
هیچ عتاب مکن پس حضرت نزد وی در خاطر هیچ نبود [illegible]
وی امام رضی الله عنه پس لباس پوشیده و نزد مامون امد و [illegible]

[illegible] ریث بسیار گفت بعد از آن فرمود که ای خلیفه مامون گفت
لبیک و سعدیک گفت ترا نصیحتی میکنم قبول کن گفت
[illegible] والشکر لله منت دارم آن نصیحت کدام است حضرت
[illegible] بود که میخواهم شب بست برون نروی که من ایمن نیستم از حال تو
[illegible] من عقبی چند است که ترا نگاه میدارد از جمیع بلایا و
آفات چنانچه دی شب نگاه داشت و اگر چنانچه [illegible]
[illegible] قصد تو کنند ظفر نیابند اگر خواهی پیش تو فرستم تا نگاه
[illegible] مامون گفت از آن خط مبارک خود بنویس و بفرست یک
[illegible] صباح شد حضرت [illegible] را طلبید و بر ورق آهو این دعا را
[illegible] و گفت [illegible] این دعا را بر پیش خلیفه ببرد تا [illegible]
[illegible] نقش کنند بر و دعای [illegible] در وقت [illegible]
[illegible] و چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی [illegible] فاتحه [illegible]

و هفت بار شهد الله و هفت بار والليل و هفت بار والشمس و هفت بار
هو الله احد چون فارغ این دعا [illegible] ببندد و وقتی که قمر
در عقرب نباشد [illegible] این دعا بسیار [illegible]
مجرب شده والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم
الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط
المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب
علیهم و لا الضالین الم تر ان الله سخر لکم ما فی
الارض والفلک تجری فی البحر بامره و یمسک السماء
ان تقع علی الارض الا باذنه ان الله بالناس
لرؤف رحیم اللهم انت الواحد الملک [illegible]

يا علي يا

يَوْمَ الدِّينِ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ بِلَا مُغَالَبَةٍ تُعْطِي مَنْ تَشَاءُ
بِلَا مَنٍّ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ وَتُدَاوِلُ
الْأَيَّامَ بَيْنَ النَّاسِ وَتَرْكَبُهُمْ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ أَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ السَّرَائِرِ السَّابِقِ
الْفَائِقِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ النَّضِرِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الثَّمَانِيَةِ
وَالْعَرْشِ الَّذِي لَا يَتَحَرَّكُ وَأَسْأَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِي
لَا تَنَامُ وَبِالْحَيٰوةِ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي
لَا يُطْفَأُ وَبِالْاسْمِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ
وَبِالْاسْمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي هُوَ مُحِيطٌ
بِمَلَكُوتِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَبِالْاسْمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ
بِهِ الشَّمْسُ وَأَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَسُجِّرَتْ لَهُ الْبُحُورُ وَ
نُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَبِالْاسْمِ الَّذِي قَامَ بِهِ الْعَرْشُ

يا علي

وَالْكُرْسِيُّ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْعِزِّ
وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْعَظَمَةِ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ
عَلَى سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَبِاسْمِكَ الْقُدْرَةِ وَبِاسْمِكَ الْعَزِيزِ
وَبِأَسْمَائِكَ الْمُقَدَّسَاتِ الْمُكَرَّمَاتِ الْمَخْزُونَاتِ فِي
عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ خَيْرًا
مِمَّا أَرْجُو وَأَعُوذُ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ
وَأَحْذَرُ وَمَا أَحْذَرُ يَا صَاحِبَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ حُنَيْنٍ وَ
يَا صَاحِبَ عَلِيٍّ يَوْمَ صِفِّينَ أَنْتَ يَا رَبِّ مُبِيرُ
الْجَبَّارِينَ وَقَاصِمُ الْمُتَكَبِّرِينَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ طٰهٰ
وَيٰسٓ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَشُدَّ عَنْ صَاحِبِ هٰذَا الْعَقْدِ وَ
أَدْرَأَ فِي نَحْرِ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَكُلِّ شَيْطَانٍ

حضرت فاطمه علیها السلام
کرد بحضرت رسول علیه
از بیخوابی حضرت فرمود
این دعا را بخوان

يا مشبع البطون الجا
يعة ويا كاسى الجنو
ب العارية ويا مسكن
العروق الضاربة و
منوم العيون الساه
رة سكن عروق
ى الضاربة وأذ
ن لعيني نوما عا
جلا

وعدو شديد وعدو منكر الاخلاق واجعله
ممن اسلم اليك نفسه وفوض اليك امره والجا اليك
ظهره اللهم بحق هذه الاسماء التي ذكرتها وقرأتها
وانت اعرف بحقها مني واسئلك يا ذا المن العظيم
والجود والكريم وبحق الدعوات المستجابات و
الكلمات التامات والاسماء النافذات و
اسالك يا نور النهار والليل ونور السماء والارض
ونور النور ونورا يضيء به كل نور يا عالم
الخفيات كلها في البر والبحر والارض والسماء و
الجبال واسئلك من لا يفنى ولا يبيد ولا يزول
ولا له شيء موصوف ولا اليه حد منسوب ولا معه
اله ولا اله سواه ولا له في ملكه شريك ولا تضاف

ويا نور

العزة

العزة الا اليه لم يزل بالعلوم واقفا وللامور ناظما
وبالكينونية عالما وبالتدبير محكما وبالخلق بصيرا
وبالامور خبيرا انت الذي خشعت لك الاصوات
وضلت فيك الاحلام وضاقت دونك الاسباب
وملأ كل شيء نورك ووجل كل شيء منك و
هرب كل شيء اليك وتوكل كل شيء عليك
وانت الرفيع في جلالك وانت البهي في جمالك
وانت العظيم في قدرتك وانت الذي لا يبيد
شيء وانت العلي الكبير مجيب الدعوات قاضي
الحاجات مفرج الكربات ولي النعمات فيا من
هو في علوه دان وفي دنوه عال وفي اشراقه
منير وفي سلطانه قوي وفي ملكه عزيز

عالما وعلى العلوم

كك

شش قفل

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مُحَمَّدٍ وَلِحِرْزِ صَاحِبِ هٰذَا
العَقْدِ وَهٰذَا الحِرْزِ وَهٰذَا الكِتَابِ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا
تَنَامُ وَاكْفِهِ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَارْحَمْهُ بِقُدْرَتِكَ
عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَرْزُوقُكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ لَا صَاحِبَةَ لَهُ وَلَا وَلَدَ بِسْمِ اللهِ قَوِيِّ الشَّأْنِ
عَظِيمِ البُرْهَانِ شَدِيدِ السُّلْطَانِ مَا شَاءَ اللهُ كَانَ
وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ نُوحًا رَسُولُ اللهِ وَأَنَّ
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ اللهِ وَأَنَّ مُوسَى كَلِيمُ اللهِ وَنَجِيُّهُ وَ
أَنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ كَلِمَتُهُ وَرُوحُهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَ
خَاتَمُ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ السَّاعَةِ
الَّتِي يُخْفَى فِيهَا إِبْلِيسُ اللَّعِينُ يَوْمَ القِيٰمَةِ وَيَقُولُ اللَّعِينُ

اگر کسی بخواند صواب خدا
بیابد اگر کسی گریخته
باشد این دعا را بر صفت
[illegible] بخوان و دوا
[illegible] اندازیحون نه روز
بکورد گریخته پیدا شود
اگر کسی شتر یا زری
گم کرده باشد شش
قفل را بر آتش بخوان
در آب انداز پنج روز
با آتش بدوز بکورد
پیدا شود اگر کسی ذیب
یا پوری گرفته باشد
در گوش راست وی

فِي نَفْسِ السَّاعَةِ وَاللهِ سَأَنَا مِنْهُ بَرَدَهُ اللهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَهُوَ القَاهِرُ وَهُوَ القَادِرُ وَهُوَ الظَّاهِرُ وَهُوَ
الغَائِبُ لَهُ القُدْرَةُ السَّابِقَةُ وَهُوَ الحَكِيمُ الخَبِيرُ
اَللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الأَسْمَاءِ كُلِّهَا وَصْفًا عَنْهَا
وَصُورَتِهَا حاه م ٢ ٤ و محمد وصح ٥١٠ هوه
و حو محمد ما ر اما لك حلحی ٩ دره مع لا ما خذه لا ١٩

[illegible]

بخوان نیکو شود اگر
کسی را مادر بجدم گزیده
این شش قفل را در گوش
چپ وی بخوان نیکو
شود اگر کسی قرآن یاد
نگیرد و خواهد که یاد گیرد
شش قفل را بنویسد
بوی دهد تا بخورد دل
و زبان وی بقرآن قا
بل شود و فهم بسیار
بهم رساند و اگر خواهد
که فرشتگان یا پیغمبرا
ن یا اطفال را بخواب
به بیند این شش قفل
را بنویسد با خود دارد
خدای تعالی جمال ایشان

سبحان الذي خلق العرش والكرسي واستوى عليه
أسألك أن تصرف عن صاحب كتابي هذا كل
سوء ومحذور فهو عبدك ابن أمتك وأنت [illegible]
ثقته اللهم يا رب الأسواء كلها واقمع عنه أبصار
الظالمين وألسنة العائبين والمريدين له بالسوء و
الضر وادفع عنه كل محذور ومخوف وأي عبد
من عبيدك وأمة من امائك أو سلطان مارد و
شيطان أو شيطانة أو جني أو جنية أو غول أو غولة
أراد صاحب كتابي هذا بظلم أو ضر أو مكر أو كيد أو
خديعة أو نكاية أو سعاية أو فساد أو غرق أو اصطلاء
أو عطب أو مغالبة أو غدر أو قهر أو هتك ستر أو ابتلاء
أو اقتدار أو عاهة أو قتل أو حرق أو انتقام أو قطع أو عجز

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله السميع ا
لبصير ليس كمثله
شيء وهو بكل
شيء عليم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الخالق ا
لعظيم الذي ليس
كمثله شيء وهو
الفتاح العليم بر
حمتك بسم الله الرحمن
الرحيم بسم الله

أو مرض أو سقم أو برص أو بؤس أو فاقة أو شغب
أو عطش أو وسوسة أو نقص في دين أو معيشة فاكفهم
بما شئت وكيف شئت إنك على كل شيء قدير و
صلى الله على محمد وآله أجمعين وسلم تسليما كثيرا
ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم والحمد لله رب
العالمين [illegible]

[illegible]

السميع العليم الذ
ي ليس كمثله شيء
وهو الغني القدير
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله العزيز ا
لكريم الذي ليس
كمثله شيء وهو
العزيز الكريم بسم
الله الرحمن الرحيم
بسم الله السميع ا
لعليم ليس كمثله

شَيْءٌ وَهُوَ العَلِيمُ
الخَبِيرُ بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللهِ العَزِيزِ
الرَّحِيمِ الَّذِي لَيْسَ
كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ
العَزِيزُ الغَفُورُ فَا
اللهُ خَيْرٌ حَافِظًا
وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّا
حِمِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِعِزِّ بِزِّ تَعَزُّزِ اِعْتِزَازِ
عِزَّتِكَ بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ بِقُدْرَةِ
مِقْدَارِ قُدْرَتِكَ بِتَأْكِيدِ تَحْمِيدِ تَمْجِيدِ عَظَمَتِكَ
بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ رِفْعَتِكَ بِدَيْمُومِ قَيُّومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ
بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ رَحْمَتِكَ بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيعِ سَلْطَنَتِكَ
بِسَعَادَةِ صَلَوةِ بِسَاطِ رَحْمَتِكَ بِحَقَائِقِ الحَقِّ مِنْ
حَقِّ حَقِّكَ بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ
بِمَعَاقِدِ العِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ بِحَنِينِ اَنِينِ تَسْكِينِ
المُرِيدِينَ بِحُرُقَاتِ خُضُعَاتِ زَفَرَاتِ الخَائِفِينَ
اَعْمَالِ اَقْوَالِ المُجْتَهِدِينَ بِتَخَشُّعِ تَقَطُّعِ مُرَادَاتِ
الصَّابِرِينَ بِتَعَبُّدِ تَهَجُّدِ تَمَجُّدِ تَجَلُّدِ العَارِفِينَ

اِلٰهِي ذَهَلَتِ العُقُولُ وَانْحَسَرَتِ الاَبْصَارُ وَضَاعَتِ
الاَفْهَامُ وَحَارَتِ الاَوْهَامُ وَقَصُرَتِ الخَوَاطِرُ
وَبَعُدَتِ الظُّنُونُ عَنْ اِدْرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّةِ مَا ظَهَرَ مِنْ
بَوَادِي عَجَائِبِ اَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ دُونَ
البُلُوغِ اِلَى مَعْرِفَةِ تَلَأْلُؤِ لَمَعَاتِ بُرُوقِ سَمَائِكَ اَللّٰهُمَّ
مُحَرِّكَ الحَرَكَاتِ وَمُبْدِعَ نِهَايَةِ الغَايَاتِ وَ
مُخْرِجَ يَنَابِيعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ النَّبَاتِ يَا مَنْ شَقَّ صُمَّ
جَلَامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَاتِ وَاَنْبَعَ مِنْهَا مَاءً
مَعِينًا حَيٰوةً لِلْمَخْلُوقَاتِ فَاَحْيَا مِنْهَا الحَيَوَانَ وَ
النَّبَاتَ وَعَلِمَ مَا اخْتَلَجَ فِي اَفْكَارِهِمْ مِنْ نُطْقِ اِشَارَاتِ
خَفِيَّاتِ لُغَاتِ النَّمْلِ السَّارِحَاتِ يَا مَنْ سَبَّحَتْ
وَهَلَّلَتْ وَقَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ وَسَجَدَتْ لِجَلَالِ

نقش انگشتر عقیق
مُحَمَّدٌ النَّبِيُّ اللهِ
عَلِيٌّ وَلِيُّ اللهِ

هرکه فرزندی دارد فرمون
بردار نباشد دو وقت
صباح دست بر پیشانی
نهد و رو بر سوی آسمان
کند و بیست یک بار
بگوید یا شهید حق
تعالی او را صالح
کرداند

الشكور

برآب خواند و بياشا
مد جهت روشنا
يي چشم از آن آب
در كشد
دعا فراموشي
دست بر پيشاني كرا
[illegible]

جمال العوال عظيم عزة جبروت ملكوت سلطنة
ملائكة السبع سماوات يا من وارث فاضاءت
وافادت لدوام [illegible] النجوم الزاهرات
واحصى عدد الاموات صل على محمد وآله خير
البريات وافعل بي كذا وكذا وصلى الله على
محمد وآله اجمعين برحمتك يا ارحم الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسألك
بذكر الخير وفا
[illegible] ولا امر به ا
[illegible] بمحمد و
محمد وآله تذكر
ما انسيته ا
لشيطان

اللهم اني اسألك يا من اقر له بالعبودية كل
معبود يا من يحمده كل محمود يا من يفزع اليه
كل مجهود يا من يطلب عنده كل مفقود يا
من بابه عن سؤاله غير مسدود يا من هو غير مولود
ولا محدود يا من عطاؤه غير ممنوع ولا منكود

هركس هر روز ده مر
تبه اين دعا را بخوا
ند از بلاهاي اين
ماه ايمن باشد

يا من هو لمن دعاه لبين بعيد وهو نعم المقصود
يا من رجاه عباده بحبله مشدود يا من لم يز
بوالد ولا مولود يا من شبهه ومثله غير موجود
يا من كرمه غير معدود يا من حوض بره للانام
مورود يا الله يا رحمن يا رحيم يا ودود يا راحم الشيخ
الكبير يعقوب يا غافر ذنب عن الموعود يا من رزقه
وستره للعاصين ممدود يا من هو ملجأ كل مقفي
مطرود يا من دان له جميع خلقه بالسجود يا من لم
عن نيل وجوده احد مصدود يا من لا يحيف في حكمه
ويحكم عن الظالم العنود ارحم عبدك الخاطئ الم
يوف بالعهود انك فعال لما تريد يا بار يا ودود
صل على محمد خير مبعوث دعا الى خير معبود

يا شديد القوى
يا شديد المحال
يا عزيز يا عزيز يا عزيز
ذلت بعزتك جميع
خلقك يا محل يا
منعم يا مفضل
يا لا اله الا انت

سبحانك إني كنت
من الظالمين فا
ستجبنا له ونجيناه
من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين و
[صـ]ـلى الله على محمد
[و]آله الطيبين
[برحمتـ]ـك يا ارحم
الراحمين

وعلى آله الطاهرين الطيبين أهل الكرم والجود
افعل بنا ما أنت أهله يا أرحم الراحمين

بدانکه این عوذه ایست وافع جمیع بلیات منسوب بحضرت امام الانس
والجن علی بن موسی الرضا علیه السلام مشهور برقعة الجیب در مهج الدعوات مذکور
چون حضرت امام رضا را در قصر حمید فرود آمد جامه خود را کنده بحمید داد
او نیز بکنیزک خود داد که این در جیب امام علیه السلام بود حمید آن حرز را
برگرفت و [illegible] آمد و گفت این رقعه در جیب فیض بخش بود و حضرت
امام فرمود که این عوذه ایست هر که در جیب خود [illegible] از او بلا دفع نماید
بدانکه این عوذه ایست که هرکس با خود دارد شیطان و غیر از او دور گردد [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقيا أو غير تقي
أخذت بالله السميع البصير على سمعك وبصرك لا سلطان
لك على ولا على سمعي ولا على بصري ولا على شعري ولا على
بشري ولا على دمي ولا على لحمي ولا على عصبي ولا
على عظامي ولا على مالي ولا على ما رزقني ربي
سترت بيني وبينك بستر النبوة الذي استتر
أنبياء الله به من سطوات الجبابرة والفراعنة جبرئيل
عن يميني وميكائيل عن يساري واسرافيل عن ورائي
ومحمد صلى الله عليه وآله امامي والله مطلع علي يحجزك
عني ويمنعك مني ويمنع الشيطان مني اللهم لا
يغلب جهله أناتك أن يستفزني وأن يستخفني
اللهم إليك التجأت اللهم إليك التجأت اللهم إليك

از امام جعفر صادق
نقلست هر که خواهد
سفر رود چون از خانه
نه بیرون آید چهار
[تکبیر گوید ...] الله اکبر الله اکبر
الله اکبر الله اکبر
الله اکبر الله اکبر
لی وجهي هذا
لخير واختم لي
في شيء كل
[دا]بة أنت آخذ
[بنا]صيتها إن ربي
[على] صراط مستقيم

سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وصلى الله على محمد وآله الطيبين برحمتك يا ارحم الراحمين

وعلى آله الطاهرين الطيبين أهل الكرم والجود و
افعل بنا ما أنت أهله يا ارحم الراحمين

بدانکه این حرز لیست وانه جمیع بلیات منسوب بحضرت امام الانس
والجن علی بن موسی الرضا علیه السلام مشهور بر رقعه الجیب در مهج الدعوات مذکور
و چون حضرت امام رضا علیه السلام در قصر حمید فرود آمد جامه خود را کند و بحمید داد
او نیز بکنیزک خود داد که این رقعه الجیب امام علیه السلام بود حمید آن رقعه را
برگرفت و بخزینه برد و گفت این رقعه الجیب فیض شاهد ببرکات
امام فرمود که این عوذه ایست هر که در جیب خود دارد از او بلا دفع شود ای احمد
بدانکه این حرز لیست که هر کس با خود دارد شیطان بگریزد از او و دور گردد از آن

لیراست محمد عالم

بسم الله الرحمن الرحيم

دعای سفر

از امام جعفر صادق نقلست هر که خواهد سفر رود چون از خانه بیرون آید چهار بار الله اکبر بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله اکبر افتح لی وجهی هذا بالخیر واختم لی بالخیر فی کل شیء ... انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

اللهم اني اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا او غير تقي
تحصنت بالله السميع البصير على سمعك وبصرك لا سلطان
لك علي ولا على سمعي ولا على بصري ولا على شعري ولا على
بشري ولا على دمي ولا على لحمي ولا على عصبي ولا
على عظامي ولا على مالي ولا على ما رزقني ربي
سترت بيني وبينك بستر النبوة الذي استتر
انبياء الله به من سطوات الجبابرة والفراعنة جبرئيل
عن يميني وميكائيل عن يساري واسرافيل عن ورائي
ومحمد صلى الله عليه وآله امامي والله مطلع علي يحجب
ربك عنك مني ويمنع الشيطان مني اللهم لا
يغلب جهله اناتك ان يستفزني وان يستخفني
اللهم اليك التجأت اللهم اليك التجأت اللهم اليك

شمع با پروانه بلبل با گل و قمری بسرو

جملگی هستند با هم نازنین من کجاست

از کجا گیرم سراغ یار بی پروای خویش

از که پرسم کان مه مسند نشین من کجاست

بِرَحمَتِكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمين

النّجات

هر آنند دل زهجرت پاره پاره

ندانم چه باید ساخت چاره

که یک بار دیگر رویت ببینم

بکام دل دمی پیشت نشینم

ز ناکه گشته ام من لهجه تاری

دبار غم وقت اندوه باری

نماند صبر آرام قرارم

ببر شان خاطر بی اعتبارم

خمیده قامتم همچون کمانی

رسیده فارغ زمانی

نشسته ام کاهی

ز دیده خون دل افشانم

بر باد دادم

همی سازم چون دیده منزل

نوشتم ز دوران قاتل

سلام از من غمخوار مهجور

غریبی و بیکس از یار خود دور

بگو ای باد صبح از روی یاری

پس از عرض نیاز چون سیاری

بان نوباده باغ جوانی

بان مقصود عمر جاودانی

کنم ... هر لحظه از هجر تو فریاد

تو از من غافلی ای سرو آزاد

من بیچاره را از یاد مکن یاد

فراموشم مکن زنهار زنهار

از آن ایام کز تو دور گشتم

دل خسته رنجور گشتم